گنجینهٔ وستنولیهای هپلوی و پژومشهای ایرانی

بكوشش وكترمحب وطاويي مُوسِّسُه آمسیالی « دانشگا تھیسکہ پش

IR PIR 2065 ·N41 1240 y



سراغاز

وجود بخششته نامرار پر رکبت مار و مارسر میانه و بار تی ، نامه مینومراوستها ، آثار مازماً مانو پارس زبانها ريايسك في هيلوانيك شغدروتركي حيني قطرو كما بها ركها و پارسك چند که ماکنون محامر ماندهٔ ند، مهمه دلالت بروجو و فرمنیک محترتی بزرگ و ورخشانی، از دبر باز، ورسفرمین بران بزرگ میند که بر ماید نام فلسفه ایرانی وست وار معبرت علّت برجه باشد به سیاسی الاقتصاد رویا رخهاعر انغیرخط و یا بهٔ دانها نام ، قدر کم این مر المراز المراز المراد والمناساني واغاز دورانر السلام الران ارمياخ رفيات ، وعده به از دستبروز ما ندرهٔ کی یافته اند وموزه هٔ و تما بحانه هٔ هُم اروپا توشیسر در مهدوشان و در کسایجا بارسيان كامدار رستوه . ايناستواندروشكر زواما رئاشاخه ماريح وفرمباك باشنه، واراین رونکا بداربروچاپ انتشار آنها وسویس داشمنداس بیمقا بله و سیمج و ترحمه این مبیر كه مارا بر شاخت بشر بان این وغنامرالز در ساین غابهم مار مرسکیند ، سر ما و احب است . و ماز ارزین روبعه که نهم کرود و واشمند وارخم برم است او دکتر ما مها رنوانی مُرس مُوسَّسُلُ سا

ولنشكا كالبرشينها وكروكه لركراش بنجاه سالشا بشابح بستكه دووما بحطوى شاوى ر واز روام بنبات گذار آن بنجا نهسخهٔ خطر کلورسورمُوسّنه استی وانسگاه پورهایپ وسترکننم، این شنها رزول و جائن بذيرتم .

این نجا جاد که مجلوروکتاب بارگاه رضا هدیه انی کشکه در این نین ملی مرکزارکز بخاه الشاشاه الميورا فروتن ببيرة وثنانه أدام واستعاليه والكاهيوروس مسترت همانوفرح ر ياست عالميئوست السيالي دانسگاه علورتفيم ميثود.

وسيساجه

موسد الراد كربرالدا خابه ین رشانشام دو ده از هلورا، مجموعاتر، در نجا هجلد، از دستنوسیها کس نجابه ین گرشانشام دو ده از هلورا، مجموعاتر، در نجا هجلد، از دستنوسیها ک بهلور و اورت نج و بژویه نها را در ان حاب کنیز و به ورست را دلاز فرمنها ک اوس ایراز نقت یم دانده.

ببشرف عرض شب بورفرمنك برودابرالن رباست البُريُوسُ المسيح برساند مراحازه فرماند تاموت به اسبانی بذی کارشایسته دست یازو. جناب قامردكم فرينا تحصير بايثياني كشاده واعوشر باز ارابن ندشه استنقبا كروندوملات البشرف عرض بورارالز رساندندود سرمكزشت كونسان عليهضرت شحبانوبدخ كازبك بشرف صدوريافت وبهئوسته أستأ ابلاغ ثند شورارائت والرموسية استيا، بادلهم ازم خاندك ، كه شن كدا تَا تِهُمْ رَأَى لَا مرد م لِيرِ الرئيس الركزار ميكنند، جاكرار تقاب يا ت نور بها ربها و روخه آول بمت قلاد له. کشور رکه در من شار مرکشور دیمونوا به دستنویسها بهاور واوستانی دست یافت کشور بهندوت الکت مرحید بدنجتانه مهواركرم ونماك انجابا كتاب ركانيت وكاغدار زودكسنده وتباه ميسارد ومربوسا. در فرسر که جمشید کا ووس جی کا راک به مام «مجینه نامشرقی » ORIENTAL) سا: (TREASURES کر د اور د ه و بسال میزار و به صدفویر و کمی بالا در د د مراوی

به جایب رسانده کت، از نبشرار کوشنوسرار انه و مهندر نام برده که اکنونر برخر ر. ازانها درمیانی رفته شد، واین، نه تنها بورسطهٔ اب مهوار مبندوسته اربیعه بلکه به نوتر و فا دانیم در فالبحر آنها بهره ارسبرا داشته کنت . گرد آورنده فهرست با دشده به نگارندهٔ اين طور ملفت: «سرمريس أرجاب أم فهرست كدام مجازار افتاء كه خداوند الرصن چندخ دستون علوم واوست تأنيجون انها را ديده ويژومهير في ام انها را درفهرسم آورده م خداوندخانه بجهائم ديرست افتهجون ازكد بابوسراغ دست نوسهاراكرفتم، وترانها رااراه و بندار رورانبر انکه مبا دلبرکهٔ بایره نامرانها زیر با سفیند و برابرو مرکما همر بزرکهٔ شیاراید را دریاستیژ · بالرين مهر، مهم اكنونم، چندين صدر تنويس لوبرو اوستاخ در منهروست انسېت كه تقریباً بهمه اردور و تعنوبسها كهنه تررونوس فده ند بیشترانها روگار ازان تبایجا نها شخصر بعيرورفة رفته برتمانجانه للرغموم ومُوسّات ويأقلند تا بشيترو بتبرازانها كف بدر تعي وكمسر دم عرض البعة فراكر بدر اراين قبا بخانه لا ميتوان كتابجائه مؤسسه شرقى كا ما وكتابجاته «نخست دستور ، مهرجی رانا » را نام برد کهصاحب محموعه نا رکزانههائی از و تنویسها رسافراوشگا

البره اراز وسنوسر فانیز توسط شرق شناسانی به کتابجانه فاهم اروپارسیده نده که مترین نامیم و میرونی است که توسط که مترین نامیم و میرونی است که توسط که مترین نامیم و میرونی و ساز کار دیداروپایر ده اروپایر ده این کتابها که نوشت میرونی و کرسین سن میرونی و سرگار دیداروپایر ده این کتابها کونونی سند که این کتابها کونونی میراسی میرونی و میرونی و بیاجه نوشت و این کتابها کونونی با در میراسی و میرونی و میرونی و بیاجه نوشت و این کتابها کونونی با در میراسی و میرونی و میرو

و جبه محله الرئي باست . مرارانجام دادنم فرمان ، ار ديست دانشندم دست و کمخيروجا ماسساسا، دور

رنج سفررخود مولدساخت با ووجا مدد ارز برازی اب بالبران کرمد، سیاه تما ارباه ماشام، ورجایجانه نامردانشگا کیلو استرازه و انسگاه تهران گذانده در مهما با دستنوسها مهرا مع من وسي المعنى المسينة المسينة أسينا نبير جاما والمريم عاما كالمسروار الرسر وحذر وتنوك بيالريك. ، وسور تخير ومحبور وي مُهِمُر باركه وانبررا تطبيق عكسها باد منوسيها ورفع مبور انها در بی وربه به دوتسا کونتیم ما این م انجام شد . ناماز رنبر پهر فیسوراسموسن سیاه دانسگاه نها نوشتم طرا جازه تحديد جاب وتنويسها ركمانجا نه كنيهاك راز ما تنرخستن نها- MUNKS GAARD مكرو، اجاره كرفته شرونامه لأبه جاب رسيد . مُوسِّنَهُ آمِلِ فَي ساس ورووفروالر تحدار ما الله الما والمرفر مهاك برورك ا فرمار تحق أ افتحار الصيش ساخته، نقدم مروارد. ارجناب قاردكر فرمها معرنس واشكاه بوركه دراه مشرف كارزيج مار معنورو مادر یغ نکردسیاسگرارست. ار دىسورىخسروحاماسىك ساكەمامار روىرحاپ كىرىمجموعة ئىجا ەجلدر مىسورىۋو

سپائزدگت.

او زیم یافت سپاسگردگت.

او زیم یافت سپاسگردگت.

ار زیم یافت سپاسگردگت.

میست مین میرام فره و شرمیر عارور دانت از شاه بران کردند میست مین مین میراندگرد.

میست مین میرار در مین می میراندگرای نام دارگی با برفیت و چاپ آنها با مشاورهٔ

میست مین میراند در مین میراندگردی با در در می با کردند.

میراند میراند می میراند می میراندگردی میر

ييشكفتار

دستنویس T58متعلق به کتابخانهٔ نخست دستور مهرجی رانا در نوساری است . اندازهٔ آن ۲۴/۹× ۲۴/۹ سانتیمتر و دارای ۲۹۲ صفحه است و بر هر صفحه ۳۸ سطر نوشته شده است . کاغذ آن اروپایی است و نشان : Charles . من آن دیدهمی شود .

این دستنویس که متن کامل نیرنگستان است به دکتر سر جیوانجی ج . مدی (Dr. Sir Jivanji J. Modi)

ترجمهٔ واژه به واژه فارسی آن نیز در زیر هر سطر داده شده است . پایان نویسی به فارسی در صفحهٔ ۲۹۲ دارد که می رساند که این دستنویس در روز ارد (ارشیشونگ) ماه اسپندار مذ به سال ۱۲۶۰ یزدگردی به دست دستور رستم جی دستور کیقباد مهرجی رانا نوشته شده است .

در بارهٔ متن به کتابهای زیر رجوع شود:

M. Boyce از M. Boyce (Iranistik IV, ii 1 (Iranistik) از M. Boyce منحهٔ ۲۶ یاداشت ؛ و صفحهٔ ۳۹ یاداشت ؛ و صفحهٔ ۳۹

_نیر نگستان چاپ عکسی بـه کوشش داراب . پ، سنجاناً و مقدمهٔ همو چاپ بمبئی ۱۸۹۶ .

شرح ابن دستنویس در فهرست دستنویسهای کتابخانهٔ مهرجی رانا ، نوساری فراهم آوردهٔ ب.ن. دابارچاپ،مبئی (۱) سال ۱۹۲۳ شمارهٔ ۱۲۹ آمده است.

ماهيار نوابي

1-B.N. Dhabhar: Descriptive catalogue of all mss ... Meherji Rana library - Navsari Bombay 1923,129.

 . . .

اکمحدم ثیق ها همهان الهابها اکبلا عمه الهامااا البلا عمل الهامااا البلا عمل الهامااا البلا عمل الهامااا اس معمل و المد مع مع المديد المديد و المديد و واز بر وسر المكنون و واز بر न्ता काकान ।।न न्त्रा । क्षिरं ।।कामता न्यक्रमे का ।।काम واز بعورمزد کرفانی کست و مور به یاک سيساعه واعلام و المرابع المرا الله الله المراع المر سلو ۱۱۹۹ ایع ثید سرسه۱۱۹۱۱ ۱ از برید هم محمه محمهااده ا عدد الله برید بدوم ا مسواد الله عدم منظر فی از از بر معردن و از ساساس عبه المالمال الهالمال المركب عبه المحراالمال کرفتن و برسم بچن از دیک بر آوردن ا معامول به عدما المحدل المولا جون نۇكسىنە كى ئايا ۱۹۶ بعمری میش تشهریار میراه ۱۹۱۱ه

ساام ساعاد بنوجردي ها دهد معاسك سامه واهونك כוכאנ معاور كرفدكر ותנקנט مرد بن معرب الصرف مس المومع سرد الله عاد العامل صدم ک حواید توانست تغدرستي د فيروزكرير اول او را المراف وماسا الهاا صده مسمعال عدمه المحمد معراهماا وفان أولى بأن المروكي باد معمر سويدود اعد الهدوسيم. ١٤ ماسم سيطون ماي गन्तिवरक्षता ६१व१। अ। त्र गत्मितार विहरतिर में त्विक्षान کرون کمد آن استی ۱۱۵ سکنده سلهاو ۱۱۵ سیه طراس بودها که رسی نوابش تر یفی ردی ورت معدد مست المساور عن ساهام ماهاد المساوم ماهاد الماد المساور الماد المساور الماد المساور الماد المساوم الماد الم فالاالعا الهم ساو بويد مااليا الكاماا والد بل نور دو كو كر دو كو توان شدن بر دو مارس اعطاماه لد صعفات ساعات سام اعطاق سام طاس نشايد ید که خود که رویان المام مادومان اصوماسو ظهر With Mibel Thosebroncon ment megalerahal III روشن کم

جار سه سه سدهمودماس و۱۱۱۱۱

بینے ک اوستاوان کردن

١.

رسد صحور الها مسؤلما متطااصلا 川川川 melin de moderale الس مهاالمهاا 1110011 امرول ساس وسكد मिनक मि क ہم کھانیان صاادما سع الهاصما الحادما سعد ساسعاه صدوااطاا الش خلع كذشتن اوت رويد ماالم عمل الله ماته ماته ماامال مهد ها يعتما الح بودن المجامعها الله المحادما على سعد ساسدمام لله ١١٥١ من من من المال مالادم سأسم المسادس المدساد الماد مالدد بملا . الهاد जारात हार हमने ।।हा जारा وہنٹن ہے مراد نو*لنس* الوسلاد الهسطوردور المح المحالمة من خالمها U, 1 ادل يول اهر اقدمه رجا علما اله محمد علا معمد المال على العمد المعلم ک ایدل

मुन वि पर्विष्वित्रक्षामा ६१वा। • जिल्ला प्रमार जिल्ला. او ادکستادان كردن معد. الله مفرور مد مصطااتها الله مصطااتها ונע مرتبهان شع مصار الله بعد المرابعا عملا مصلما مصلااها الارفوم روبد چرن کیهانیان به این معاد سه سامعماه رس خار مراامها ۱۹۰۰ به عاد ما العمال ۱۹۰۰ به العمال ما العمال ما العمال ما العمال ما العمال ما o . Mondonman - et la miniment et manon of son son or كيمان الماح لها على المات المات المحل المعلى المال درسته این یون سعم ماحدماله علاء مهم سراح الس ارمرم کم رمین نیر که الهالها مد مها ، المعام ها مد مهاام الحاص این بردن این عدي او دفاهااادما ومعاهرها ماهم شعاد سد وس م للر ستولان مساادم عط من سد عا مصلا عالم فال المرادم على مد رويد اين از ار کیوان ادير مه دوموسو و معد ما سود جال معادد ما هده والمعدود المعدود الرازه رز راه Profession man 191 160 160 Interstages on brown اوستادال

1

سىدىم لوك ، معدم سى مادام ادمت يون ديد سهم سوس جائي عسرو ادون ادوم و حادماند سهام بهمان سر بن کنه می موسددسون بدد کافندسودماد. نی در دو در کنه کنه الله جال بهم اکترانع بعد لله . مستحمراند دم دراع في المحمد على دي الله المحمد ان برد اعجاده اعجاده اعجاده العم سطورد الع وسلممد کنابن بع تاید لد المرادم ١١٤ سخطه الكرامما العام فالله المحمد الرسد لأدد روربر بمرت سعمارا العدموسو بالسي داد بني المي المي المي المي المي المي المار الطاماء سلم هذا وتعمل ماسد كلما لله مستعمل المراماء ت رنتن

ملاادما مادم بإدهد ۱۹ مر ۱۹۱۹ مد مدم ۱۹ مدماا این در چر این بمت کم الدان يون مادادم ساعام کوی والد بر یما میدادم کود سات مت آن نیز بر در او برید آن الله معطاه مودوم المردن ميون المنت الله الله المالة المنت والمالة المنت والمالة المنت والمالة المنت مع رفط الله آل عدم علا مع مما عدم کم آمذر کہان مرکب nell. Milhal mil bleh magno -waperon و زیان الله المحمولة والما المن الله الله ہم اور کے بیجے هدم مسادود ساب دورها سد ، عسدماده دکر امن بنت این 11100 الله وام دوایجاادم عم الم فار عمیمهااد اله سمااا به ایودن ادرس و کرد البتد مودر دو الماها العام الما العام الما الماها العام الماها العام العام الماها الماها العام الماها الم الحرب و المحلق من المحقود من المحتود من المح Allical Mad mon Paris المالية کوید که ابریمن آرش باز داشتن نه تران

سنس ١١١ و١١١ مسرورم ، وسمرسكي، ، (سردس سن دردراعه و اتررنان ه. اهدرمودسم. مكسم مكاهم واسد سميه كركم المرسم، ١١٩٥ وطسر ا تورمان كيهان يم سد بر ايد لربر ١١١٤ كوده جار سيمرد ١١١١ سيدروس رز این در او بش کویم آن من اتورکان محمدالما سع مع في المراكم المركم المراب المرابعا م ادر مشادان کردن روار count entor materal me morcale of latted! يعن · Stenom ekharana month design had had my when thinks مرداري سام on To monde donn me more losso melos mika من نماع الحابر ومردادى " Weld thousand makamenne bundine المجاهاة والمحاسو آنی ظاہر دين om John 11612 Imbrogen libral am month كبغي بهتر دتمثان كى مىرىسىد. مادىم دويوك بىسىرىسى. om mores leeb aborente em mon liberal ma impos *گراردن* 11419

فاطاله الهال سكس مد سك دمه الما عس الموساد طال مسامر شمار این کر وفتان الماعد کارسال سام ، سمامید ، ما کو فاماد امدر أن كرون دين ر وس صداام محمل محمل المالما المعام مامر ہمت کے ایدون کریہ हावा। अ हात अतक मिलक काति माने में که میمه المها المستما المالا المالك جودي اذمها معرصات كرون كنند أن نير سمستماد المعادد سراماد برا سر مدماد وسر سر ما ماها آرامتن وستر مشنشتن درون این نیتن کار این از این الاد بروید سی سیم مد دوسدم سیم دوسدم سی اول العمالا ، والمواقع ، والمعالمة المعالمة المعالمة معد، سفسه همامكورهد، ساسه فسه دومد مسدددهم و مهما معرومالا باصلاح رسه مصدماهم المما مصدور از تو کے العسائی سملا ۱۱۹ رساسر باد

هاانط طهر على مه معمل معمل معمل معمل معمل معمل المعلم المعالم المعلم ال

j/

آن

صمادا عماصلمة وموالم موسد ومكمة عمد ومدمادها مؤمد ارتس بدایش بر كم مستعدر رس متعوما العام المام العام المستعدد المام المستحمدة به فرنگ کم کام في العمام المماري المام وکان دور کر او כאנע 1. داست ها مامه مامه ما المعارم ، معمد عما ماها حاى كولا عادم وما عنه الله المعد عدم المعلم من المنت المن مامعر اها رس ساالما marhohe ga سعمومه سرد وز جار سعد الله عالم معرادها مد يه اين حاى بويد اين والله كو بهمامه معرفها ام لله مداام سف مدواه لله آن مراامع معرفاام ها سخوة مد رمل محمالا مداام خوسک این ترسیدن امدون برمیر عماامد سعمار ممارامع عمد ها الاصل علمم سموسور برن از کو پلا پر پیر क्रियाल मेम किर्माल कर्मित के तक क्रिया क्रया क्रिया क्रया क्रिया क्रया क्रिया أرش معرضا الما من مساامع الما منا مامسوس عور

والد يهو الحر طاا بق مطاامط مهميها ال طااد بق مطمه مر یک باد تن دوز بوید درخان " تن دوز ه دواهاااها سع شعمات عمد ما مامسوسد جهو معرفهاامعا اندر ایستد یس که او اندر سردارار مااد بعد الر صادم مع مع عما صرااحما عمم ص نن دوز او بوید این که یجن برید که او اندر ماصوسد عدو مروماااما ماااما ما مامه مد مهماد بويد الأر جاير اين فرمان ها مد الله عمل مرومال معلمه مد مستو عا ب کر او کلید بشنے کین فرنگ از فسرد المسال الهاا الها المال المسافد المسافد المسافدة جد به ظاہر دمنور كم و الما يه ما الله ما الله على عمر والعام المعمل که په دور او بويد په نير آن اسم دستور الما عو مع المعامم معرفه المع عو معاداتها الم على المعاداتها المعاداتها المعادات الم ے ور معتقماامم باعدی ہود العنها معمالود باماد العنها اسم زن کلید دوز رسم زن خوش دیگر الهميمة طااد على ما كما مرصلااما علمه الطامع الله عالمه تن دوز انبرز او کلید دوز روند الله مد ما الم المحدومات المعالم الله الله المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم المع

صدادما مسعر عام ١١٥١ ومرومادامادا صدادما ماهد صدادما کاون دور بوالمااادم سعب به المصاد الم مصد سامعالورم العر زن. العر سعما سعم سعم محصوبه العر اسلامها لا هم دوالهاادموا س لىد سلامادوم नाम ।।श मि رص (اسلامها جنماسا عس دستان مار m maria . Demontrerer made portron Ad لد بعض رع. ، مصطلاا بهد مسرد ا oĺ المر بدادد مدمومد سرمه واسدد مدهسمه ساسمه بسمسر (۱۹۶ مهد انورنان (نىورىھىيىمىيد. حويدد مهاراته سيسسا سم 116 معدما السيد الله المعدم الله المسامعة ولمؤرا 4 اهمدها الهمرين عاملكي الهمريد د مادماد بس ونار يعني مانور وسراادها وسام ورساسد عورسا ه ددانا

سه فالسدد و و و درس الماد واسد ساد مسامد مهد الم ا عهد سته شدیم به اور مدورهم دوماها فاطال ایرادم مفت راهم کس این او اولسنادان کردن روید ارش سكن مها واسد بوير سكن من و لكافيه العدد دد. وديوندد. و ملك علااوم الأ الهد بد ين يفي م تر ب سها سيم المرها لو الله الله المراه المراع المراه المراع المراه ال او اولسادان الهدونالة المستعربة المولاد ووردمد المائد المسلم، الهافر مدوماد مسعر مع مستعر هاه معسدهماه واس ورسک فراز سرایت او नाताल क्षेत क्लीत क्लीत क्लीत क्लीत क्रिकार مركرحان عل مه معاملة العمامة المعادمة على مما معاد ماد علا الله على الم ظهر أن نوید که دامیده نعنی کر المحملة عامل مام عالم مام عالم مما ما المحمد ما المحمد علم المحمد علم المحمد علم المحمد علم المحمد ا تر تب بوی ا) ج او بحن وس طالطا ماه مله الله معرفا اطالا الله معربه معربه معربه معربه معربه معربه الله معربه معربه معربه المعربة المع كادن

ها مرسو مانهاسک مام مصرف علاقها له لانها لانهاد سال درانا مرکزدان عمام بساسر ماالما مهراماا سم رساسر مهرامم سعمام کنیدن دنش در کشدن ٽ*وان* سوس مس طالها فيطاطاا سف سؤسي مسالما توان کتیدن ایش اکابی دادن ه مهمامد مدهس مد طالما ومعال بدمد که مصوصلا اکاسی نه توان دادن التي او همامه رساسر ماالسا معطاء ، سخسمه مسلامانا السم فسر اکابی دادن کنابهار سخم العوم الجمها حس المالية الهو المعلم بي ج کوند تعين دل الأ فعط بهمامه بموس معده جالها ومعاد اور مدمنه او المای <u>آوان</u> دادن او سراید ساسم فسر امر مماادم سعم معا مماادم عم حد معلما الماد له مطمارهم موالمه ماددهاد والد كومفذ *و*ا بر جای فلاسة ستى فالمعاممة مد معرفين الس بيدادي کي ديد صعادمه والمسورة أساراق مدما عا مدمادا كالمادم ماعاط کند بہت کہ ایدون العاملة العائد الر افعرصا المعامد الممام مفاكلا المعاادما الها دمین که او بست سيد عديد ما معرف مستمرس الله المعامد معاضمه 11 8 فلافسوسم

عواسددروسد. مساورو my lon lon 7 leh pol m المعدد مد کمیمها و مسعهد، اعتماملا، مدهملا واندوملا مسه این نجاز این این دلین मामेकारतिः गर्माकाराः पार्ट तकारतिः सि की किस सि की د امر این خانه و امر ادمه الك مال كار الك ماه همام ، ماددسم ادمه بددسك انغ والدر این شیند ادا بهت ادتنان ولس ولندر این مرح ماددسع. موها الهامما الهامما الله مادماموم ار اوتان سحمس سحمارهم ايرون عا المح الع محمد علم اور عملاً محملاً الحمد مله مستعر عا جار محملاً عا عمام ولم سوليد وسدومدد بيد و مصدودد دد و مهم و مرمونيد ودو وازئ دارنا न्तिमत्त्रका ।मन्त्रमान المجام المحامة المادادما المواهد المحادادما

مرمكي د عسراع عمامه م شودع عمامه به المسلم عدمه المده عمامه ومعادمه المسلم الم محمد مدماد ها ارجاد الله المحمد معمل علا الحمد مدمد نى بر اع معدوم سو معموسه کد مسراا دم سطا 0 ظاہر آن اولت معامد عامد من عادم سه الله معر معلاد مام الله معمد الله AB تصمام اله تشريعاه فيطرما الماليم مسكم الهد من یفے اد او اسمن صديد له پيدادم سيون درسو عديد داس درسو سيه دومال ىينے او حاي واما عود سرماسم معرامان ها مادسوسا سع ما ب te mon more moden been bolle her linkon the سنن الم جس. اله مع معطالعا بدمه بيالي الله وم سيسم المنع معمد معرمهما المعرفين المحالمة المعرفي المع سمال علا احر الما بالاحما بحد عا معا المودهمة عمد مصاحب عمل المعلم المعلم عدد ماعا ر ہت ان العالمامة المعمد والما الله معرفوط معطا المام المعمد المام المام المعمد المام المام المعرفوط معرفوط والمام المعرفوط المعرفوط والمام المعرفوط المعرف لين ب اولتادان الاد

mon om o mo mo o sou on on on on on on on o الدون يادشاه يون ب براد الادن همارسه ساعات و مهاه همدمهده و درك محدمه مهم همير بادتاه مانتي ج ان ہی راه العسلممولم. و كد كديد سيط الهار الله كد معسول بال ان چه ان پس په او ان پادت سی عب مهرس صدااما صلاحم کا بد مسم معمله سه مینوام بودن بوید در آن بس ظاہر تعلیہ سمر ها سمسه مه مسمامها ، مسرسم ساسه العربه ما عهد ماسر العربه ما عهد ماسر العربه ما ماسر العربه ما العربه د*انتتن* هد ما استحمد الم عدد وال مد عاد ما المرودم الم هده حید ہر ہے الله سوراط مع الله المسموم ما مناهم المام الله الله الله الله درستور کفت مت جینه او क्रमास्य । हाक्रमातिक्य तिल्य मध्ये गाइक । क्रमात्र و دستور کفت بهت صد او اس هرند دد ساسه اس واس ر کسود مرد (دام واس سرد بها، سد کاهد دسود مديد ، بدونهم ، اعاديد نها مسير سانه نها سيند او ب سلم بحصر ساود عدى ودصاص مدم محصوصاهم حفلت خصلت بر ربیدن بہت به به مستدر اوا مهسد در آقا به مسر سافه اور مهر ودمامه مدم فامها المعمل المعلم ماهم ماهم ماهم مهم

سمهمس محمدا مماادم عمال مالمح معالم المعمم ممهمه ان اران ایرون بوید جون مردر جوان کم سع. اصر شوسمسدم د. سهم راس ۱۶ کد الد رهسرموم رد از ان بر بالد مسسسهم سهم ادسس الله مطاماا واسعادا العدم ترمادى بمت المله سلطام المعارض الله ويجادم و الماسد المرد ويمواعه- المومد. هسراس هستدماسدهاد. رسمر مساس سهسكاهد، داسد ماسد دستدماس ستحدم ه الله كودوم سر الها ها الهد الهديد الها معاددها (પ્રદલ્યુક્સાર ز نزدکمه پس اد بینے او ارتش باین کند ادرک کاور این سنی این العر داهام مظمر ومد اعظم المحمد المحم رخم ظاہر السطم مهرص سعدم طمع صمادم ادس هاا طدمها سي افعال من من من المعرب من العادي الله العادي الله العادي الله بيدادر كا سي اعتمام الساعاد المراهما إلى المعاد الله علم المام فسرمه ظهر شکمند ارتش دو تراتتن ادمه رادم سع بد هذا الم آ مهما اهذا مامه مادمه الم خامت کر ان پر زمان و دامان پر عصدادما مفه الر المحمد طفعا ماهم ماعام معما او کنابی رونتی گفت ہمت سومفرصه

سمعممه معمره سعم امر فوس له تصميده ا الما ماهم المعامل المعامد الأش فسوم ادمه رامعا کر او سع به ۱۱۱۵ اولا بهدا رساسر به فهرامه مسع ۱۹ او علم ها علم مارسوس مراس مد الله ا معالما المعالما المعالم الم مع مو ساسم اوس مدمع باهم سماله هد همسو تجون د*دست* الساعاد ١ ما اصدصم طلا مادم و صدااهم سه الع لومد नामाने कररान. अर्रेडे नीत اها ماالد سرح الد فااصلا به کردن مذرره اهدوم عوا مماله مهاو جد ها معرفها يند أن كم أوساد این جاير الع العاعاد عدوس سرد عواس مصدو مالا م محد لایق سال الع الم الع ساله سوير اد معردم على فيسرند ، اكر اله الا المحتونسي ما مسامع ما ما والما الماما الماما سماه مرد معرد ماده م جد ارجاد ها المامة معرصر ومان

سکی بربرا بروید وسک د سرد سرد سروی در در مد کار مرکزی اعتمام مسعدم بعد الله الحدد بعدم الله الله المالة العظ ملعظ عجوم في ممرد سسم معمد الحرف سعده سعده سعام معرام سعام الم شهدا لله ١٩٩١ الله ١٩٩١ الله ١٩٩١١ معرون مريد الم المان الما اطم سداد. دو (دم د ج. سدوم الدد وبردم د الم اله اله اله اله اله اله س بعدم مع دون سامن کردگار کی نواید میون سامن کردگار کی نواید کی نواید کردگار کی نواید کی نواید کردگار کرد سرر - فخص عب عمريد - رسم دسد محمد محمد معمد مدر محمد معرب م ماراسه بعد 10 مسهد، مدر وحود عادى و ماراد منا ان بخت مناهد. مدر منا ان بخت مناهد م

~ 1 25, ii

1:

د ام ۱۱۵۱ ما ۱۱۵۸ ماهم ماهدهم ماهم ما ۱۱۵۱ بها عر بإز سمن مسم ولسن مسولان فكالهدد والجروع ولسد فالم ایرون کر سدد مروسه واس بر ساباره الله بر ساباره Prom A) te bas hand a son mad 3 temp) as on only واددم بد الله فرغ د ماس سرد الله المد الله المد الله المد الله دادلسان این المصروسامة المحظمارهم المهم المساوم eeneedmon open de sonde pander open massemere de la grace de la gr عد الهاد فياديها ١١ سعد سراه كو الر د يوسنان یا آن او anomobile 1 sepal rolder lin norther persona. سورم سور سددم شدد سوردمد. احكم سدد (دمد. ना। ।।श to like meeded and puting character هويسرسام العمام العم مد دسادم العا عا المحتماسة

الهسم. و بيهم ادود (دماسم क्रियार प्रदासम्बद्ध تصمار بهم هد سادمادم معمادم بهداما و معمد مساتصا ها ماسه طاشهاسر اها ماطه مسلس عهدها بها ساد ورانا مركزان پہ المعاالم سك مسام المعامد الله ماالما جمعااما المعا *او* ب سعد الله محمد الله محمد الله محمد المحمد الم دنس أدنس سوسرمورد بد بهم اط بوسعد مسراوع بدن بهم اط بدوقاساً مردم ان کر او جددمان دبيد اين ک او جددمان وسيد الله الله علاقات بي وسيد الله علاقات الله على الله ع مالات المال بن ماله الله المالم من منام الله كالمالما ک اور سال गिक कि त्यात्म काम्यात्म काम्यात्म का ।मिनुक بوید در نفت مهت کی س مرااصا ما مام عراصا العاما عد عا ما الس عار مکزان ان مهااتها معالمه وسع مها عصا محمدها معااله معااله

مسماده ادم ع كد ملمه هدممه على المدمم مسهم اسم بر الله . طاہر از ان سعید ادمیهاید ام فردم که جانب وهل سادرسع بالمارو معماع. أرش زني ात्त्रमे जनाव्य तत्त्रा। तथिय तत्त्रतात्त्र कामत्त्रता कामता ومتمر الص براهم ساعام سا مدرسدساد سام والد بر الها س بر دو ب نیک برورش 5 الله الله المعما المالم المال معط علا محملا كالاحط بطعل إلا معملا الاصمادومادا ايدون كويد معمر مع طيدود رسوفها بطم الله اقه فياويد فياويد معاالهم علم سوسو مد الله مستعلماتها ببضه ملامسوس ۱۱۱ امر ۱۹۹۸ رش ر الما احتمال الله سمت مامسوم الها الم سمت عال مع حد 119 And I with dron Ind man grown offer on moone and miles mosses onted ज्याच्य प्रमा विकाता ति स्तित विका مالاصا المعمل العاصما الله عمل المحمل المعمل *روت ن*

اها وينها الله عمدارها مدمد معمدار الله ماعمنومها البرقومة معرطر الله الر اقد والم ممااه عرفه عود 0) اسم المسو المعممة المرفي شرقيا ملما الله ماما عملام سمد الازة الرواسا المسر الله الله الما برقة او مسرداران سلام رس به رسم ماهام برما وجد سادمادها سمه رسه رونس بهت اکر آن دامید معدم الله معد الله معد الله معدم المالم الم ماددسم. استسدوريد. اهدماده داهد فرو دوسم. اسرع داهر استراع -تحوابد سال المرك المالما المروم والمالي عبد المالم المركبة المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم ا وستا دان مرد چید اردر، عبه کو نصاب کادیسی سال مرد میمان میران میرد از این سال س الها عرسهر أله .همهاع دساع والماد المهاد الماد انتوان عبه الله الما عد عود الله من حدد الله من عبد الله مرکزدان بیر ببر نیز مطاامع سم بهم سماارها الله وبه مطعلادما سهد دانيد دلسيد العرب من المالم المجر المعم المعم بعرصدِ دسيرم د. 911 118

ایت از بر سهد اد ام سد اهما ارس سونه سهم سا انس فهد متطاامط تعاطيه واست عد عد معطااطا الع كليراط والماادم سوب وسعماراه وسراادم مع كد ورسو اعدماسو ومر از آن جار طاہر السودد الحجه بعصد ادمها ما ادمها لله بعد عما معطر صعدامات الله معرفها على مادام معمد معرفا تر جایر تر نہ بوید ارتی کادن س مرومات على المراب مهم عموما المرومات مهم مرومات مهم المرومات ج کناه ارتی زن سه مدوید است محدود المعدم معدم من مدور المعدم المعد یفیے جددین بر کرور ہت جہ او ار دار ا كامادا كي وسك له سلوماند نيام لند نيها لند نيهادمو س جهار ز شید کر ز کر او ر دبید سمرماد ها مادسمه ماه ها دفع وهد عمه هم- رادما تماع به نویشے با یہ باک

الله المحمد منها الما الماع فالمع أهم المعمد الما المعمد الما الما المعمد الما الما المعمد ا المنتسم عبو مدم عاا ١١٦ فعمام مح ها مع ماسة معااج سروان السرك المحسلا معادما استود مروااماا ميانه محمدادها عظماس سدم محمال الس طهسرمها او them of the ponch with teeks with elle on س فامال ما جد مامه جد محمد مهاره عدامه مامه مامه آن کس حاي ها سرمرس ماه فحمار عمه فمارامه ال الهام مسه معدوانها ادمها سويه سهم اله اله ايه فهمه مدها الهاا नेन ते कार्य कि मेरमात्य कुलुमा वि क्यात्म ताम्य मिसि ركردان مشدم فاطاا رام جاله هم مهم محمدان صمانصاد ارجاممها معادام به سرسا غروهما هد عواو قران Ĺ me minerale min docum سع المال سكموس غارت كردن ورزيون المالم مسافية المعمد مع المعمد مالملم ورزيون

سرموس سام سسمارا سرسك اكراهرمع صاءاا مرابع سلمة غادت باز ساعام فاريسر مامتعمامة الله ما العالماء الله العالماء الله العالماء الله العالماء الله العالماء الله العالماء الله شيع دوزیدن تر آوردن त्रियात्म तृरक्त प्रमम (र्ह्मार मर्या क्रिरप्रमामा هصور برع المحاصما كد ماه هصور كالمحمد المحاصمة ادت ن عاير كله مسعامه عمر بدرد سعواسا بحق اسد (به وسرسددسع مامروسي معلاه क्तिकाकार कर्तित कार्रित कर्तित कार्य निक्रिक्ष कर्ति कार्य कार्य निक्रिक्ष कर् عسدهم وسك طرون سو ثم مدهماك لمد مااامم سه جد دین برتر معامد الله ما المام ما المام ما المام ما المام ما الله معالله المام الما دو ظاہر مرد الرول نا فرمان ہر ماااها ودهد هامه معاهد العادما الماالم مادمه معادمه الماالم بوبير سله وه من ا سلمر عروسا عمل موامعوا صلااها جد دین و عافرمان مرکزان مراهما الم الم سه علم الم المهم على المراهم على المراهم المراع مسعم بعمادها ادمه طرم سه ماسه سد سهم احراس زیاده نیت سینے تنافور این کر او را

مستعر مسمعا بمكاامان عهرهما سويهد مسمح معالمهم مركران جددين افرمان بج علما هاده اح ووصد معلاله المالكة الما معا ووالم ما الم مرهما المام الما المال المام في المر مام مانرده سال این thom the my nh them who was the enth imprope وران جہ دائتن ہت ان in sendition monteal me negoderalul 1011 cxol اولسادان المالم في امري سيكملترسم المكسم سمرماسه مدرسه آم دد مرم د روساند وسدم در سدرم د ولي (سعل صدد سوم دمه नक भी कि कित कि कित्रमा विकास मारे विभिन्न कि دير تيني مسع وسأسر ومعقدا ومادا منه المد مادما مهسي في ادرمه ىدادى.سىع كاسمىددمدى.دى بالماد مدمودما. 4569)C mon _ دهم معرفه سعوالا فراتور هم ساس الاصرائم بتحوال ديكر ايرون این 1. معاضر عبه شد الاسالم شاف شاطة مامله عبه ساس ات کے ایوون کوید این ایدون سیار سالا ارل

المركرة المرديق ווטיונאן ايرول medon on brond nome many mondern common of the mondern 18th — Phòn 11ton ton णकः जिल्लाकरकार में इस्ट्रिकितर ہمتاد اد الدر طرف آن ایرود الاون عن الع االد العلاله لمع مسط الله معموم كم سيه اماله ساس مجمع هدد المشهد مرم والطلاءم علم هدا لد بره كنبطان ٠: تجد سکس اسرح ماملا ها به کلم مهرمان رساسر آن زلمن شايد جهاد سما فصه سا ساا في مس الماالمة المعالية روكتن الما معام مع العالم عم العام المنام المعام المنام المنام الما المنام الم , ابن निर्मात्म तथा तमर्मात्म नेतु दर्शक्षेयात्म तभ निर्मा این ہمہ س مسرومات الله مله مله مله مله المام المام المام زمان حيد او بند कि निम ती निम ती निम तिम तिम तिम तिम कि د *وارُده بشت*

R Inoinni -omonom mon Jehn min i Jehn min و این استے ارت یابی ساعات بيام ميمام ميري مي المام المام المام ميم المام الم ہے این که او چیز نیز نه کرد بہتے ارتش یا یی مراه الماويد المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة دو كور أن كنتن اين يايي الداره ملاء سمن ما الما الما معلمه الما الما ممن ماما ک او به "جد "دارسی صحد گونگر • رسا جد بريد يغي جمن بريد کر به جد निकात त्राक ताम काल ताम काल काल कालन درزنتن ازاد رد کفت بهت بر جیز این المعمد لمالنس لما الحا سنم العالمة مع هام ها نه تايد ايو التي يا جد دارلتن ايدون المامام مراوم المعام سه المرادم المعام الله المرادم المعام الله المرادم المعام الله المرادم ال الما المحل المحل المحل المحل المحل المحل المحل المحل فراز کوید باری سیطرم ! دایند کفت و دش اله فسوبران و دارس الرون النيان برواد الرون النيان برواد سددهم سومها عن موسر سومها عدم مدرس سورهما عبي كوام ايدون اوكستاد معماله احر الماد مولاه معد فعلمواله المدد المعالم او ادی برتر

سيع.

ه. ساهدد سعده ماد. اهسرع شاماسرع به دوسرم. امر ما مادما العلم العم عاد مما الماادم او اندر دامید کوم ظاہر بہت کو ایدون کوید नमन के दमित्रित तिर्वित मिलमारक माभन मि निर्मा ما اع او ما الم فراس اللا اللا المالا ههدداد اردومامخرمامهم کا محداددساهم اسرورسمكردس که ساق جاد الحاد مع کد عساده درسس مطه دسان العالم الله الله العارب الفر آن بند حبد اور الفر آن برس ساعد سع راجه وام سرعاد کست منه سرفرد عسرد. (ع يينے نرم كره بيتے جن آن فرار شردار راز ط. سودسه، ساس مرين فرز نوري سودم ساله د سودم ساله د مرد م د م عمدا هامه ملمهم المعام ما الم ما المعادة مدما المعدفهم والم بوید ہمتے ایدون کو کار

چران فراز سروار سه مسوله ساهام الها الموه مسولها المان مرد المرد المرد

Am dution dans अ तभ mar malion host निर्मित जामित शास मिल किया किया जामित निर्मा الهما المملم المعام العام العام المعالم المعالم المعالم المعالم المعام ا नमा कार्राकाम किस विकास ११६ कि فالاادمر المعور والمرق متمكم ومراهد معاد المعالمة ما والمراهدة وا امتادان भा वि अ ६१ मितत्विविद्यमा। ام در بسیار مرد اور شادان له المحمد مدوم المحمد ا بمبيح ويوون اله عو علالم المالك المالك المالك المالك مع علالمالك المالك كم علالمالك 5 ان تنددوبردمد. ज्ञानम्ब । भक्षान्य الموركما اح اعامه مانسس سمعام المعام المعام المعام

السابعديم نهماوسلام والد بر السيموسك او بهراري سلا صعداد افعالمسرما ممكري الس فسر صسطى في سد سرص رسردسم في كيس- اعلام. سعرد مرداع م واسم ساما ساس ماسه ماسه سد ادرمه اسد . निर्मात्यक्तः . اس Slo سكاله ماهامه معامره من ماري مل معافي مالمه عبه این نه کفت ریوون ک اطمع الهدماد ماسرد معد سيدم أد مرد مرد الم And the sie steelinder meredaged in 1161 pour والمهاد السي وسلك سيادم سدرهم و دوم سرا ک سسع. مردد ه. رور واسم ده. مدي مديد دسد دور مالد دي دوي د سيد مسرندد درومه. سط کد سلام سد GE THOSE SHEET النبي العازه سخن این ار ان کیا عادماادماس مسمع ما ماله الماله موسم عادمال به الهاله ان الماله عدمااامام م مدماره المع معما معرهماما

سعرهم ومعاسلا لله واطال السموس ق مااادم ساعاط ساعام کردن کن کا او وفقع ها السوس لد اسهام بواعدانه بهم والد الله سيس سيمان الماسعيد عديد مديد سيماعه واعربه سي آيدون ابرم هادادما رس مالمدا ماهما اله هادادما من مرسملموسا اسلامها هم داله بر مدد ما الله الماالمال و دوست السام كمم المسكم و الما معلاه مما على و الما المعالم معلم المعالم معلم المعالم المعا عااادم بالمحاب مساعه، مد ماالما ماماه الم این توان بوید کفتن كالادما سعمالا الشموسر صلاادما عمل سكمام المهما المالية ربدون کنامهار برید چون که دو بهم توان ما العل المحمد المحمد معلى المحمد الم كيه نير تر كفتن اين ومنور كفت برت مع جد مماادم بطمه مردا طالما وام رس المالم ال این ان برید که نیز اکنون توان سهماند ساواا له ومااسلام واما كد ساد مرحلا بسادم توان المن وها والمال الله والمال المال الله والمال الله والمال الله والمال المال ال ائد دلينسروس له إسراس المراس المراس المراسم

طالعالم مد ساند سته داند تعمل ساند مملاه داند اصره یفنے کم ہر يرستن ابن این मणे मा मानकह मान । 1 اهم ساعام دوره سا سي سي اما دو المادادم وسيمارة او ادمه رادم م سته سا دورا ۱۹۵۸ می افر سردرها، افرها ۱۰ ابدول ىجەدىسىمەد، سىسسورىد. سرىپىدىسىسىدر سىدىسى كىنىسى مهم. • ها سطاا بد رس علم عادماادم عا س- معاهد کن نه بر ت مانوم سيهم ولوا مراس مدما मिट्टिये के नीय मिरिसे अमार ता मि माल मि जान्मण क्या اس فاسد سرورسود سورد واسد سورون واسد مرسوس ساصة ملاه موس ماه ماته مام مس اسها مما سددهد واستطه ماسد رفي هدمجهميه سمعسيم هدماد. मिक्कंग्रेक्स में में में में में में में में में .गगिरियाक्ता भ بايراؤن

العربع. سع اسرد و معد سيدم سرد و مرد مرد ज्याव व्यक्तिमाच्य ला मेर कर्मा कर्मातिक नंतर्गात्रक कर्म ।। مصرفعامها الم فاطال المصفه بمسابعا م الله نه کردن وناه کار سمس سدست ساسه اس واس ماسدددد معمد سمعصم اود مدوماد ا مماهام الم الم عب عر هال من مماهام ا ; 1 آن سدوماسوم سهم المعلم المرهمادوماسا المراب المراب المراب المراب المرابع تف کر اوستادان क्रिक्क कित्ति वितर्दत्ति के क्रिकाम के कार्य नात मार् भा विभिक्तमा मिल्लामा मानक्षेत्र कार्य मान्यां कार्य अर्थित कार्य मान्यां म نافران كريا سافردكان يا مرکزان ایرود بر این ساسه عادمادوم سهمه سهمه سه سهد معمد المهمد سامه ووهسادها ، ورسورسدده و سردند وسوري مدهد و وع واسما اسم عدد دوسور سدريد واسير ساءه. العصد ساس معصوم فراز او این سرامد ستعربد. ، کد عدی اادی سادمارا مردم سنه مدم عا عدی آن مزو دنزان دامید

المرس سردس الد وادمدموس رسردس عرجه اله وحس المالاما الله المالاله الماليم الما عرب ما آن که ظاہر اساد کر داند نیے من ال فرو न्त्राधित मिल्लिक के इट है।किसी किस क्रिक ला तात تغییم او به این פנלנ آن مختنان سرمال کی بری برال ما این کرد این از اوسیا مادا ما برای از اوسیا هما ساقم المحمد وحمد الماالم المحمد ا ينے من ظاہر أرش قوت داميد شعار بین نینے این چرن بوید که وایند क्ता काता मंत्रित हिंदिन क्ताल्य तत्त्र कार्तात्व तति क्षा جد اليشيد او او سد مد صاسة معاماته الما محمد عسمه الله ماالما ، که اد آدش ظاہر اس كسمدد مد د معد ماسد ماساد ها مع و مسد واسد سم و د سدد اد کرزان او شاکرد این ظایر المناهج ادروالع معمدت مودوراتم hexand man mh

اسع م 110 کو جسال سیم فی ۱۱۹ کث سی موسل مان الله الله الله المان الله المان مسدم بدويرسعر ورسط سدها عن ماها عند ماها عند ماه عنه ماها عنه عنه عنه المعالية ا آن وادکم درون بر مهمداامس رسد سه ادع مداله المعدد معمد مهمدالمهم மாவு தார்கள் முன் காகு தித்திரைகள் வாகு வாக الله أملاما عجو مصمم من المالم المال المالم ما المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم به كرنت مزد نه ظاهر يف پانت به اين كرنت مع ١١١ على الله الميام عجد سعمد لله المهالم مدماد. مسمد سولاسم عاصرامد العراق مي ماسومد ماسدمات ورسردم بمت يحن كاو عرف الما المعل المال عدم عدم المال المعل المال عدم عرف المال عدم عرف المال عدم عرف المال عدم عدم المال زود او به آن بزد بهت پیون کار ماه و ماه مروسه مورد هدي الماريوس المورس ال زیان دسد अत्वेश भारता मा मेंद्र मधामा भारता आ हि ।सि ।सि ا کرک زبان دید ک ظاہر م سوسه بدساد ساسر عساس مستمع ا سدم عاا سعااا دادن نافرفان میربار جانبید و بهت ک کوید این از اوستای ظاہر ان بوید

المد والمن الم من من المن عده چنبر गामान्य के नामा है वि नाम पर अधिक अह 1110 راه الله الله الله الله الله المسام الله الح المعالم الله الح 1110 صرومات بهم كا إيماام ها، بماسك عامه ماالما الممارية وني خير ب مسرومات اله شمع الله محدقالم سعم الله المعادا الماامع mylemi meh huldin m han mankan blen min حرامع الله المعادم سك الله الله الله المالم ملاه له الله سماانط اله اله محويد المعالج مد ال له المعاسمة عسمهما وزمان ولميدير أما नात कत्त्र तत्त्र तित्व वि कत्त्रिक्ता त्रा क्रक्त । क्रिकार् 119 let blet han han immend months این عاشدن المست ملاصد ماماله ما مسه مد المحد المحد بالملاط سرد نظم سرماار سهم معمم وامادا ينے او اد کردن واتر السَّاعادِيم شام الله الله الله عمريم المعاوم ال

هماسمس عسمهما المسه مسوف محطر رامع الر مسرفافهم االعصيب المعاومة من المعالمين عن العالم المسلاد المعطسد، والس عاماد (3) عادس معاد ماعد معادس المعسد ماده المعسد ماده المعسد ماد المعسد المعس فوركان عمل الم بسلم الم عمد مالف المر عمد المال عمد المال المعربين سمن المعملي المعملي المعملي المعملين ال سادديك سع المج أن بي بيدوسد وليد ويدودوه سورمسوعسدد. أن ان اوشان निकार कुर ११६ मा केमिलुके निकाल में कर ११६ माम कर ر کرزان این وه مسطارها بدا مدارها الهاد عروما الها بعد اطامها على الما معلد اطامها دمند او اویر مرکزدان وسرفوالد بعطااطاا بطع بعطااطاا ادهد طوط سه عرصال طرور یک بار المرق كدمارام مع سي المساس عند من المسال المس ما المسال ال ملاح معظام ما الما الله الله الله الما الماما المام دادن مياز العمل المهم

له نهريم وسعهد المرابع والمعالم والمعالم والمعالم المعالم الم العلمان و المعرف المراف المرافق الم كا والممت عدا مدواساتما متحمد مده المر دمها مدادها سا او ا س او سردارسما که بابید بنے او کنبار - morn wilmdown He make Ihr bleth hear iterail. رو سردایر نه پایید بینے او

reterm and mison medoral our mill mor meending نه اول و الش کمنار دو فاير علمه مم رسه مصحط بحد صلاات معم منصسلمر المد فطراء الله را آوايد كان بود كر كمناد به مايند اد سهم معسا الله وطرام سور ساد اطرال م سردندم الريدع. سيمكون كم مركام و رهم دورون و من ان ما ماسيدا الحال مطلب رد بردان به جند ام باد رهاست سه اوا دمها بدد المتحافظ عاد ومعطار يني والسبع جند ومتوريع سرهداع وألدد رئيم . والاندر توسي مراك الهارم निम्मिला कि निम्मिल कि निम्मिला कि निम्मिला कि निम्मिला مين دادد هر سيادد هر بعد المحدد بيد ماسمد ورسود در سردد د اوٹن کر ان میان کوید فراز سراید عساسهمد واسد داهد ودرد ادرسهمان اعر واسد المردواعي المعاهده क्र , मर्तत्व स्थितमा तकत्त्वत्त वावा। तत अ। त्य अ ہم اوٹ اوٹ ک اوٹ کے او لو الله يع عسو الما وسكد عساد الله على على الله ي أن ميان سنحن ۽ بانک ميانه فراز مسرايد والعلم المالم والق والمم ا والعلم عدد الممال فاهمس راسیه سنی بر شنود و جرن نیر به واز شنود 16 164 10 101

1.

Josh mos a show July mon drives drivers to teh ویک پٹرنٹن جد تر اومت 'ظاہر كنيار मेह एक प्रता नेगामार नेगायार है नेगलार है। जो कार् اولنار از انداره اس ورس عسر اعلى . عرف هذا معمال مرهد ميه کيهس ø فررز من مرد المراهاد على عد المال عود المحد سع الله عد الله المالم آن پرتشن شهار وه یف برد شهار به بلفت المه ومعالد مماد مماد مماد مماد مماد المه المه مماد الماد ال ت ز این اینے ب 2 11 سرو براید سود مه مه و دادس ام نهاسد ایم انمانه سدما این نه یزید آن کنشن او یل روید است عدا محاله الماليم المعام مع المعالم الله المحالة المحالة المحالة المحالمة ا ايدون كويد بهت آن سنحن ابن كمنا المجمس علمه من الله عبو الله عبر عبور الله المحمد ا بنے مود شمار از کاہر कार्यमिक्ताम मत्मिराद्य क्रियार त्याव्य भूरं मेत्रात मित्त क्ताव ظاہر بوید درون بعم داوستان این جد تر نیت دمنزر کفت بهت مسافوها فحمس اله منسوط وفيها الم من ساهما المعالم الم الم بَ نِي بِنِيْ آن

مس مطعااتم عم مغمس ما الله الله الله الله الله الله الله يرشن رميد زود اکاه کنبار بينے راميے يا را او صم عم محمد مهماادم ما المساسدمما ده مع سه معمدما برنش رمید ذرش رمید ش اق كام اله أمها صدر اله المحدد اله المعلى ال رزود اروباز کرفتن پ خرلیتری به رومذ انش بمر الله لملا لعلم سمال فالله سمع المالك مام يالا فالمتعنم أواخر كنتن أرش فراز كفتن كه زود ب اس المالمان فا ، هرسدموردي الله اكرام واز كرفتن سماعه واهراه سر هرورد سرسام، عسر سدواع. ، عجا نردلسان سمانما صافع المالي عادمان على الله المال المالية المالية کاه دارید خشوش باز سیرد آرش واز فراز کرفتن اق رس مسمعا جاما شقاسه الهلك مسعر شكما شاف معدما العما تنامیر زود آتش برسم پس کر یک بینه منسم سع علا سعمال كاللي سامام محمد المامة مها ز نماید بهت ک بیرون کوید بهت ازیش اول ستطااته مسم شع الله المي المال مسم المع الما الم تاید بس کر بانک مشیدن شاید کر ورز الالاادم سول وسط سدما ١١ ١١٥ سيه سيماج ١١٥ ١١١١١ ما الس واعداد المطالب علم العاد مدو واحديث الماق المعادي على العادي المعادي الماق

مسمع الهما ما المهم معدود المال المال المال المال المال المالم تامد فردز کفت رامیے کم ورز کیرنر ان خوفستر علم معصمه مم ممان علال علال الملك مماسه مماسه کوید زود به بهت به برسیم دارید معلمه اهر مساهما مجمد سلم متحالا ماهمال و الماهمال موختن أرض این ایدون گفتن سینے ب مرا الله عا مسم سنمسم ها محمد الله والمها ومعالم ورون واز از یس نه شاید به یشت هم رونشن به یشت अ हाम जाम कर्या जनाम ।। का विकास्त्रीय । وميد · -nhono letho hethorpho 1 beternon و حيار باركفت خنوس كرارشن ما مودوسدد. ، سعورا ۱۱ اوسر اعد معدوسه اعدا اوستار به تن ایدون که سلطاط بحد ملاسم سه اسر مسوطه مسالط मात भाष این کوید برت آن جار کینے کے بار وبد فاق أمر الله المكامم مما الم الله الله الله المكام من من المكام المكام الله المكام الله المكام الله المكام ديد بر किर भे का . नाध्नेतिकामातिस्था का का नित्ति का اخامضا على بحد ماسة فاق اسر الله الماهم مماام المعلم باما والم ب جرایع حار ساد آنش سر بیج بی بی بی و کیم انس ز مرساما صاادم معم عاا محما المادر ماعام اعدرمام ہت کے ایدون کوید ہت کذارنسنی

مادادها عم جام هذا مصمال هذا معدمه طحمها سارمها که زود به زنتن اصطادط سمد ماعملة رس هرصاط صلادما مدما عاا مدمااا , كذاديو بويو انتس كماني بادر سرا المسطور مدارم عطمه المع سام الله معادما كويد اين كداردني ابن که ۱۰ او داد لوند • د سعمد اله الله بمالامل معمد الله رسامر الملامية معمد معمالا أرنس الدون منت زرش باج باز مرفتن مدارها عدا الاصب محط علا محمدا كالرو المحامة ملاهمة از اول بهت که ایدون کوید بهت خوردن سد سا طه طعم سوس احد هدوسامه سعم معسد احد المعالم أرش كى نى كذارد ما الما هم جام هذا ممم هذا ألم الماس طويه المالم فا وامو عطووالهامه عن من سلد لسلا أرض بنت این - کرده دنسيد اليستيد فاط مقسمها جاسط الم صمع عمل هاا دمم هاا بن اور بنت که زود زور ماسم فروسها الله الله الله المالاتما والمراقمة فالماق ب کوید يني ماسة سست جد ماسة سعفاا صاالم عمدا باما جایر بس نیر آن جایر بیدون باد سدياهد ماسكي عمد مديد سويده ، دامد مهدا بدي عو عملاً رس بحد ملمة مماالعم مماه ممر ممكما ادم مهم المه لو مد • • • پی

मितितामित प्रथ प्रथ क्रिया क्रिया क्रिया क्रिया क्रिया क्रिया । زور زور باز بوید زود فرندرسرساور ، عمر صب سرام किल ।त्यातम कुक صاحمه سركهركهري سي أرش عج क्लामि तत्र मंत्रम कार्त्यक्तामा तम त्विह मान क्वत्राच्य بوربودكميشان بيزك دمع اها بهاسم طدمها اله الله عاادما ११८। १०१८ بنت ددر (داعدمرد. استحمد، داهد. ودر سعر رسلها. و المالم معم عدم مدعم مدر رسله مسكادم ميم او محمد مع مدمورها سته جام مام ميماني دارند زود کوشس انور रकार ते निक्कित द क्षानिक्र سرع المراكم و و عمد الر ارهاد باما سته رسدهم زود بنے راسیے عرم لمرسد س المعصد رامه دورده. زور سردارینی کام کا ارتشق سردارئ سيهم سريع. درهد. دد استرم سريع. عرف عمع ما المعادر عرف بماديميدا هيد ومراماسيما عاد Marches Grang (439.

العاس سرسها من وام العمله و مدرد. و معطوساله علم ارجاد احر جاما سته محصه شام محادما ست ما مدهراها ادير او زود يني رامي مرارش داريد سي المرم ले नित्र अवाति के नित्ने भाष्यिम विष्य मान्याति के الد اور زور بوم و مام عمل مطاهما سته مام دام مر مه ممادم ینے زور کوٹ نے دارید مسردار وامر عبه ماها الما الماها ، ممالات الم عبع المال الماها الم عبي المال المال المال المال المال المال المال الم بر او لید الاسعاد و مد سائع الله ما العام سرسالم واماد آن بند چند زور فراز مشحرید کرد سالم على عادمه المهام على المهام المهام المهاد المهام المه نونش آزاد مرد کفت بست بین که کورفند بیم این المعمر سر ما مدهان ها سميما المسر مياد مان ها ماس که نه آندر کولفند بنی اوت ن بنی کی ویک بنی این عر ااها عاله الم علمة المحمدة عاها مال الله عالم الله ك نه الذر كونتفتو ال اون الله يم كي ال ديكر به آن عمل عبع المرادم عمل شعرة مله عل احر مناور مماره ممارما زمان بر روید کر کیک این از رویر دیکر کرش دارید مركونسي دستور كفت ز اندر كورفند بهم أل بهم اندر بروب معدمها ا وسر طرم بهم بهد ۱۱۹ سر سرال دمه کوٹش دائنتن کار نیٹ کر ہمہ ہے پہنچ مرد بیٹ

سم محموله مع سم اسام سمم دام مه سمه ما زود بند کرو دوشن پر کید این وامل مماالم المال علم لمعل معاصم الماليم الماليم به زود جد دادستان بوید سعم عاد في سرم عبدان سعم عدد لا سرو سرس عددان سعم کوید بت کم من کیا این کوید بت ہرت کر بانردہ عدا ر سرم هرااد مود مهم سرهم برس سد معددهم العم که من پینج کوید دمنور گفت بهت مرد این بیکان کی द्या मात कामात्र हा। निह्न ती हात काम काम निमा निमा درون این باک به نیزمک نوب فراز سازید روان مزمر د رابد هدم سويد مراسهاسد سريد وانهو والد ١١٦ كد درسه ائش تنا نور این کرفہ ہر کہ آن طای ज्यान त्या तक तमील मिल्मा तिकामात्रा में का कार्मि برید درون باج کیرند خویشن خوردن انش تنافور سالد والعو دور الا العم العلم ، سيسددس سعوعد، ، ما دره العد انشدد بدمهم ارها صادم سع على مصادة حوا مافساد م امر صداري هده این دیک دادن دوکانهٔ او بوند رونتن کفته بهت مرد این کی نی روتش عساق مد به اها مع الله على العد الله على عوام ماليه الله اکر یہ داد را اوا بزید انش سنافور سد واهد ، مسمساهی دوندس ، سرسد سدوسو مسدسرا

مد مدمور المريد ، الهدم د. ودم دريد مدوا بعد المريد المريد صعر عيد وال محمد ما ما محمد ما مام مام مام مدمادما کر کوٹس واربد ہون الشادن ستطدا بصدمه عمامير طعاماماده بهم باصد صحادها ابددن نحنوش مأنثر تدموييش که کوکش دارید سمعد که اس وورسردسوههه. روزههه واله سموم سردد وردماد، اسمه فروز تثمرت كذكار ماسع المحماس ، عجا اله الهامما مور مودمامه ١١٥ ما١١ مرد اوٹن me note month on mood of a sold; on हें . on के कारि مشمرون کنه کار مر اسانه عمد مسملة به مهرمود ، موسود عمد ماسمه بين اولت ك ملت الله الما المام فالله كد المحتملة كالماما الما ما الله الما الله کوید بہت ہر آن اورت زودان یہ تن این المالم سال الله الما محماله عد المالم من المالم من المالم المالم المالم سني راسيه موش داريد آن راسيه يه نن اين سني عاطسا بال صمايط بهم له صمار سمما العو ممهوااصل نودلن کوش دارید که نه دارید اونان نیک کذافتن المااصل والمعادم منا أمال ما فرم مال (ما فام مواكالاصل مكم حال راسی او یک افد دیکر این حکم کرد ایستد ک न्त्रिम स्त्रीक्ष स्त्रिकामें किया नि क्ष्य कामानि सेव त्रिका داور مین ایستد بهرام آن جایر به پس باز نه کوافتن

كاما معرضمه ، مسمسه معرشدد مي المعداعي المحمد معرفها على المحدود مي المحدود معرفة المحدود معرفة المحدود معرفة المحدود اوت مرابد مرتن بريد صديم د سومه بعضه مدم العدم مدم الما العدم المدم ہمت یہ پرنشن ہر متنوںد محمدا • موتحده مرعي و به محمد محمد مرحم محمد المعمد اوث حکم Mone of menoning of the money market celmon money مرايدن اولسنا بعد سسرا سعم بعد حرسام فيحد ها مصدرها بهت پُرنس نیرمد داون به مسرامین بيمان مسطههسمير سرور سرمر (سمره لويد سلمره لوب مساهاه. و سمام معامله والمه سوم مرفاهم ومحمل ماعام حکم ارنش نه حکم ها بهر عمراسا ما بها الماالم عد عمراسا ما المانسام عد عمراسا ما الع کہ بلج کیرشن ہیں یہ س زمان بویر ساعدمواا طودها له صدواام دوالمااامم سعمادا عدما مصرم ماس م كذائف المستد المدون جون أزاد مرد فلام مطاام سم وموجدة معمد معمد ماد عمارهماماة مسمل راسي كو نز اولت جود جوارطوف اولت ا له سمر لد الله معموااطاا مص عد مص معرسان للد والا درش "أن التى يُنتن أ مادادها بهم مهمماس من مسموم من له ادبادم دو الماد ماده ماده المادم الماد 25 اولت اذ راسی اندر ز

الله بسلم أسلام الله الله المستعدم سلم المحمله وساادما با باز کیرند یون که به شنوید این ظاہر وید سه الد ، اله دهسمساغري ، ساد اهصور و المرادم سه سهم الله خ نیک میندن این طام بوید یفیے کہ ित्तानेत्व पात कर्तावा त्रेयक कितान करात्व करात्व دوبار به کوائن که او ددبار او او الدر آید این کے سے باد او او انور آید این کر جمار بار ومرس مع معادم سال العمامة الله الميادم معرب مع معمادهم او او الله آليد اين كه او باج كفتن او او المر آليد س س س معمد احر صاادم عمامه امه امدادماه اس معمودامادا رشن بم يرضن او بويد ك دو باج كفتن به كذائشتن الله سهمال الم المالمال المال به که او باج گفتن او او آفر آبیر تا او پرشن د فيرادم ا عا بروسده برهم سرهم. لسده بو سرد عراد عراد سوسرا ورتور کفت بهت داری جند حبد کوید اوش ن مرفع پیرشن او بوید انش چیز جایر کله کند ک سياسي سي منهدرادديد (شددسماح: دديد. (سمرد فكرماييد سيما مرالد سرد مسته المستمام مستمارها كام سات السمعة سات این اوت که سرائیدن سراید زود این و رایس این والد بر الا رفاديد ، وأسلستماستمادددسم وورسدددهماكر. سيرمهددسماح وسماس شعبها واسمد الاوس اسرديه الاسعس اماد . UR LOR

١.

سا فاد العصم معسمان عد العصم ومسلوب العالم سرامیند آن نونش برکس حکم میند فراز منیمیند کرد خود بہت بہ ہم دوست ب جد کرد ب ما معرف معلم الما العامم معما الله عدد العادم ما جد برکرد کم یک اول دارید یک سے ادره و الله الما الماها الم کورفند که مرکوشپ در تور کھٹ ہت اندر ہم کاہ نیر ادران به هم عمله ، مسهدوس اعصدهم به والمارد مورخند ہم اندازہ ماع: ، ماما ، مساهددست ، صدما مالا (١٤٩٠ داهست دارد کم مسادم عد ساهمار بهم ها ، مهمدها ، عادي بهم مرسال مکوید کی دو طاديد أن خربتر كر يه سلا هدمه مع ماهم رام العدم المعمد معمد مهم المعمد والم معمد این ہی آن فرتبر کہ دیکر ہیں کے راسیے بنی ہم سعم مس مس مسر مسرعه اعظمه و مهداددها واسد واستعمالا في المنافية ا معصد معادد مع و المدرد و المعاد و المعادد المع کی زور جون : المعصفاء فالد بن طلا والماس ، معجم معرفه واستماس مداره والمستماس المعلمة دو بین حکم عامدده مرهاد ورد مد من منهم هذا منه المد مدمم الصلام و معلمان ېم شنيدن کونښن ښرو په ساله ساله توان سه ساد الر بأما باس مهمان والد بر المدميما الم سرمامه سے کے او دیکر کوش دارد ہر دو برد نہ کام مرد نہ کام

وسع وهجره و واسم وهاد و وهاد الله المعادمة المراجعة المر آن نشند منحن كوام مر شندن كفتن مكرسان سه سعو امر مان باص صحان والد بر ام معرضه . بزد نفی کی اد دیگر کوئش دارد بر دو مرد زحکم فسم المكامع المرها واسماده ، والمد المحسمام المسام كدام آن نشيند سنحن كدام بم شنيدن كفتن حالمان سع ماد امر برما باص صحان دام بر ام سوامه ننے کے آن دکر کوئش دارد ہر دو مرد ز کھم وسهم ، فعامر شعر المحصممان المحمد الم کدام کدام که شیدن دعامد الوصفاردد دداماه واسمعموم ، علم ها الله الله الله کر یہ ہم کوید کاہ العدم ، سردد بهدو معرد اسرسد بهرمه العرب ، عمر احمد ود ساله اوسط المعالم ا آن این شنو جد نه آن این ع الحق سدرواسدمه. و احر العاصيب عدا له عدم اصفها ا او حکم که نه بر نشوز المعام عا مهمسو هماسو عو مماان مر جام ممار اوا جد بین از اوت نظایر آن بوند دو زود جرن ب کرد ارش ب المالط مكسة المحة كالار مته محمر طعم مممة في المرابع کرد ہم سخن کوید ہم جد نر نیت دیویازی سه سروش جزام ادن پرخن سر به سمنن داسی زیر التالم

وورس المراد و المراد المراد المراد المراد المراد و المرد و

مرادن بر المراد كد مله المراد كد مله المراد المراد كد مله كدس والمدال والمراد المراد كد مله المراد الم

بر ام فرصد سعسس والعد الأ صرااتم سعما عا سعمارا عادد مرفد اد بوید بات که ایدون کوید سعام احر عاد ابعاد دام سه العال محادم العالم المعالم المحالم المعالم ا ہت آن کر اور کرد اش ہے آن زان ہوید ک او المم عا عجو طالم الما هم الما الما الله الما الله عجو الا المام تران بهت کر بهم حمن این حرد کم مالها مرودومر اساماه ها اسم عمامه سرومد والد بل الم فروختن شایر بر دو مرد والعو اط مساادم اط إسلامادا لسد كعمادامادا لسد ا كعمادامادا او کردن را والعد المالم مواكلااله الملاطاء إلى وام دواكلادما كحيء مالمهل ایستد کرفتن نه کرد ایستد آن نیز نوارنز له صوروم علم بربود طه (الله صوراوم الم فرالد مر الم صوراوم دمید او بر دو اد لومد سرهومرد رها عمد ماه همهاسس محمها سارسا الله الله مه دادستان عرای وافتان خودش به به عدمه ا رسع وس اد س العام سال سالم المام ال ز جماع این دادن سال سعم عامل العلم سال علم المعر العا المعراب المعرب المعر خاک این کل این که او کس بر این بون المجملان من و الله صلااهم الله علم المحمدة علم وما المحمدة الم بریم به زمان کذارنسن کم اوسنا معرشررسدد مربع در ساهم رواسد بصديم بي سايد (مدر ١١٥٠ مدرس) مراه اله عاد الما كدد مهما سا الله فسر سامه اله اله سرایه بر از به آن دیکر او مینے کار این کر دادهم

معددرم · المرصدومي واسد 63 في ماد واسد مسيوم سابعه . . رودکان یا प्राविता। त्वर्मा मारे ते त्व रवर विताल निर् भ त्व रवर राभान تن رود کان سنے اندر رود خانہ بابید و بند از رود خانہ آلد سرق ولسدموريد سيه اسرة ولسدوريد وددماس سه اسد ١٠ دستان سنے بائک از alm . -exhormononin mp. exhomon v ballon linch دوزم آمد الاسادات يا م عبه ها مطالما ممال والمحمد معالم اله عبه المعالم ، والمحمد المحمد المح اوت بر يه آوردن آند سينے المنز بر آيد عقل بر مع الها بعد الهما سامة عمى المعالمة الما الهما عم الهما الم اكر م أن حويثي عقل بر شيد حكم اكر ايدون م الم الموردس دساد ادد سام الديه و معرد المرسده د ساهد ددسها ، م سا عدد الهما عبو العلاما ما العلاما من الما ما عد آن نہ یہ آن خوش بر شنید یا ب یابید سے ب سله مروام ، کارمرد سروع دس سسم اهرم بسره فردس ، باما امرون ش اله سم ماسر ، مصرفاسه عدد معاسم و ورسام و ورسام و ايدون مين سخن فراز شمير رماد رومام. • محمدا ها بع عصل ماصل هام عاصاالحم حکم ایدون په آن میان سنی فردز این شیمرید लिकत त्रि भा का तरक्वान किक्वान इर क्यारिय त्रिय किक्त के कावा حکم این از اوت کیام آن بوید که یزنن افدر کون

فشرس مسعر مظمااده عظم اله الله ماالما معراماه المه معران المام بيد ، محمد عسى معدد مرسام. ، مهم المعدد مرسام المعدد المع که او به توان بردن ا المحادث الميون سيان سخن م العد المرافع المالمة بعد الحر المالم المرادم على طميلا . ما و ماهم ماهم كُنْدُرُ أَنْ او يل روبد بنم روشن دمتور کفت بهت المعلمة الله ومسلوان العلامة عملا والماادم سه الله المعمل ہمتے یہ نہ کدارد این بیتے جون بوید بینے بر یافتار عدم در برید نیک بر یافتار که اتن وازنی کاه الماع المع الله ما الما ومواها الله ما المعمام فلم برسمدان به توان بردن ب یافتار کر نه به سمك مراد ا مراد مادر مادر اعداعكم و المعلى المعرب ماساس مادر من المعرب ما ال كرفتن درون چند مرد سع ودرسروسد والعام الادميد الله عاد العالم العالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم المالم سرامین محکم رحیند به به سخن ادراما مدوسا ها مدور وسال فاممه و كمه بهم المردمهاكي المعمم الم عقل أن خولتي عقل ك ما العم المهم ال : به العلم العلم

ست جنیر. آن بس عابر سفے اپن درون این سے جیر محمودن اصمعها بعاساتعما فاسعما الماسة ودوله مسحما يارا عدا و ما خنن بنت خوام عمره شايد غل مرده سايد كندم بررك स्तिमाश्यम किलाक केमिल केमिल केमिल कर मह म्या न्यक्त بهت در آن جایر ظاہر کندم الماله دورد ، سال عمل سد مرهاسها وسالد در الله اله ال این ہے کنم غزا تردیر درون را بر هماممار مصاصلا على عا المعدر الله بماادم سممعوا الورد دارنتن که نیز در بازار به فردنسید زین درستر ना। कतका ।। का किता ना कतका ।। क केरीम का किन يا دياء ب وزيون ب يادياو کفت ہے نی بیرس ہ ماسانم كا دام عجا معصوم عما س منسر ماعام مصموم ر نہ فرننگ ہمت نہ ٹاید سام او ومادما سه همامهم ساس م مدمامها مهمد سا ر و خمیرکدن انش بادیا وینهاک این نه سندن ارنش او این اندر کنن بت که ایدون کومی بت الوم مع موا يد ساد فدادسا كاد مه مع فه مما ج درون آن بند کنش حید اندر روز کار آندرش مهمستوم على بحد اله الهمستوم متمامه الحر فالله با تكاسم افزانِت در آن نواز نه افزایت اعر سلما الما يمانين معرف معرف مدم عا معطا كال ساعام روعن کرید ہت کہ ایدون کوید ہت

क्ष्मित तथ्र तिष्य मार त्याक अर्थ तीत विभव्यति कित स्था جد تر نیت نیے دیکر میوہ این درون هاده شدهاادما مد مسمع اشتون مسمع دمالحده عام نهادن خراب نتاید و نشکر نیر نتاید मेर्य अविनुक्तिर्ध कात मेर्य कित काम प्रकार कार्या شاید که آب بر زیاید नामि किस मार्ग कर नाम केश नाम कुम किस किस اب انزک بن بر نهادن كد دريون سال سرس له مرسدم الهمال الله عمال الله عمال الله عمال الله ز نی به به پیشی و ساهم و سهم اوار سهم اوس دومالاس کد العملا سر دور آن خوب تر کر بر کر نششکی آن خوش مه ور سم الله ملمها المال معهم عهم عمد الله ملمها المهم کل بزرک مہ ب نهادن سع دور اوادوم ومس وس مدم ۱۱۵ ها ۱۱۹ والد وادومو ۱۱۱مم بر سر خرنی دانت دانت بهت که دز بر ظرف کوید مرف عمره سورت عدم سوم الله سرمادان المعرب معوه الور تردک اتن - نهون ازنی طود الله الم المناف الما فالمنا المن الله من الله من الله من ومنا او برسم طرف کنشن ادخی برسی بوی سه تا در دانت ديكر برينر او نوابيد ينت از ظرف منعم شم من من المعمد المالة المال الله الله المال الما رات ک نه اش ایدون کنتن مینے ب

والمر مواكلا و مع الما الله الما الله الما الله المالية المالية البنيد ج ک بيد برسي ريند سد لسور دواها ادم سور له ديما ا صراادم ، سود بهم انش نه یتن بوید درنور کفت سعام والد عما هاا بيد ا هاددم الد توايادار سد لم هی به شراب و به الینید داش نه معمدا مماادم علم عا ماهادما ها مداه ماه معدالم نِتن بوید که او نواسد به فراز ننستن سهد ادمه الله تدويط شهد ها علايما مهم شعاماً المسيم ا أرش به منتن بس افرودن کات م المحمد معمد عدد المحمد المحادم المحامد المحامد المحمد نه خبران بهت که امیون کوید بهت افرودن شاید ا فستطال به همامه مساسع ، عسمامه ماهم سافاط سعواا و كانت شر خيام مد دنتور كفت بنت ايدون जा। वि क्रामाल्य के विष् िक्ष्य गलान्य विषक्त भलानम اویر دید نه ناید برسم سندن la che massion and smood and blad nagments montents جب نمادن کے کرد ولد مسراس سعواد هاه عصومه الد لله المؤت داتتن اليون فراز حبِّم مرد نر م -مرا لس درا محمد هممسر سعماا هاا همومه الم درون را درون سازه ایدون به باک فالما سك عمام الملك مطمااتم معمدما الله المال كنن يني كه او برسم رسيد नित्त्री त्री त्रात्त्र क्ष क्षेत्र क्षेत्र क्षेत्र मिलक نايد نه دانن جه نخنگ

همهامه مده مر الم مهم اله اله المهم درا دره و مراهم درون ماره أن خبرتم بغیے ترب یہ پاک عما عا النام واما هام مرصاص سمسم الما عده في جد کرد ک خوش نرشید که میره ها اعرام المعارم مهرب عبي الد ديمة دما بديم بديم المه المهم سترید زرش بر ب سازید نه تاید مرد که اله معرادم معمد عمد اله دمه مع محمد معمد مهم الم بر بر مازید نامید که نا المارامع مرود عداد العالم المعامة الله عامم الله عالم نه تا يد تره ميوه ديدون به پاک montho pi its le bonnon bollban ene enj ba em بر رسید نه شاید از درون او برایختن سام الل مطرا المعماده عد ساد الصحاص عاد مطرا سعم كد او درون رمید آن اند یاک جند درون بهت آن طعم ولما لسط عسمه ولما وصع بالمعاناصلا معمادا والصا درون بند میانه درون سازه نهادن ایدون کنش سع مرا محاولة مع ما المان من ا سنے از درون سازہ ، نے ایستید ہے کہ درون بہ درون ورمه و الله موالم المع المعلم ها معمرهم معمر ما معمرهم وساهاها لق مسمم ماسشو بهما هاا هامامه ت بر روغن کے پیر والماعا ولل الم عساد المادالم الله ادمه المالاه بند او مینه نهادن کر زیاده یا وه علم رس امر عامه ماها ملمكاادم رس مرا مادمادان

١.

نه فاید که پس درون فراز نهاد نیز فاید سامية هما مهد فاق مسرق موا ساس الله مهما الله الماميس ردغن کم نیز بیار پس نیز درون می به نهان کردن · فرست از طرف رات نهادن که یش فراز الما ادما من ممروم ، ها فعدمافه ها المعالمة منهما کی انجین زیاده وسع سرد عاد طر هساسه والد عما المربط سلماناس جند ورون بنها بر چه او درون بهادن المرود والم المعمد الم المعمد الم المعمد الم المعمد انش فرشست او دانتن بست که ایرون کور ست مع مدا المحالمة محمد عصد المحالمة مرا فالم نهادن أرس الخيم آب نهادن درون مر لو لسلا اسراس المحدوم لله إسراس واله ش الله بعيسه تو بلند كردن ورضت شرفتن بر ده به افزايد سرسانها مرا داند رو لسلد اسانه نهانده له اسانه نهادن درون بر تو بلند کرفتن فرشت کم کرفتن والد بر الد معمد معرا معددم مدماا الد معمامه بر دو به افزاید درون فرخست ایدون به زدن سه ص مرسو الله الله سفادمود مااد رسد الماامع عما ب نويد م ارش یک این کوید بر ہر جم المصادم علم إلى سمر ساعات سمسم علم المصاها الا بند نت بد کر سران به

صهرد لسط اسراماد له مرصاص لسرام اع به مدله لمد بند کردن نه سندن یاز ۱و چم کی نم سرهارام ععا ذا ها فصاصهم بممالمه المه المماهمة الم نهادن جه اکنون به باک تر دانشتن کر زیاک ب صاداه سعادا رساسر مسمع ماههمادا سعمه عليه ماسه امدون باز شامد المعمد الع العمد المالات معددة المحالة المعالم عبد المحالة ز بہ پاک دائتن الت كر اليون هااي ما فالم الم المام من الما بوید نه په کاک ز ن ی درون ب मिल क्या जना जना कार्का भा कार्का कि जिल्ला कि कार्का कि ج درون فسرد کر نه باک تلهو به معالم مهد سهم مهد سهم عدم والمستم ہمہ 'ان کیہ 'ان آئٹی آن ورشت سسوس ساورس عم عالم المعاصل عاارموس را ارش به کذاشتن چه که او الم ساع مدما رعم معمد مسعور مسر مدما العلا مسعر ملمه وہمی بس دیدن بس خواروم مدم سعم عدا مدماد هاار ماعلي ماسطه عمد مماه وسم بت بت ک اندرون کویون بت خودروی آیر وه ینے سعودا ما المال معاد معاد معاد معاد المحام المعام المعاد المحاد المحاد المعاد المحاد ال آرد باد داد فروخ گفت بهت بینی

مهم مسلمها المهلم المهل المهل المهلم ملامیدری مراهط شامه ۱۱۹ ادمی فیکسی بحد فلامه ا اله وس سامعوس مواها ساسر رامعا ابسيد م Then etate down brown you have Juste dan 1 سره عهد حاي 1 سائه ساس الله طامع الله المصاميم المرصاد بالله المنه جد صامة الله سلمانامل من فيهم ماله الله المان *برا*د سمستما سهر الحسل فالله لله الماهم ا دستور نقشه بر سمسهاسر فرطه سطال عمد اسمسهاسر ولاس مطااط هاا چون د دستور دادستان بود الدون وهل الحصو مسع في الما مسمعا ال مع معامد ومعالا به دانتن آن بس کر ودس هماس بع معاالم مع سع مان الد او روی اندر آید این بینے خید பிராவு. ஆகுமாய் . எச்சுரை. நாளை . 1941911 मच्यां अ. ममच्या ट्यायम राग्य این درون دراوی ايوون يون ہد

اسلاق بامعار رس دها به مر معاملات مرد ورودوما ا مه بسر آن دو اینامودمربو فرنست م المحددم الله التعل عدم عدا سعم الله الله الله الحركد دیون ہمت کم ايرون فلاسة علما الله الله ما المعلم الله المعموم سهدرسهمدهمارسع. و هودددم عدم مامس فرساد ماسر اطسوسا علما وطل أهار صاصحه السدة المالع والمسالح روغن ور*ان عبر* عممه وطر ملها الما الما المهاددية الحر هد مكن ما معدسة بر ساسركا روها موالهاام المحال و المراهام المحاس بر يتتن سن மை மு சூரி 168 :: மாவசார்வி வாகும் வரி வரியாக வரிக்காக வரிக்கிய வரிக்கும் வரிக்கும் வரிக்கும் வரிக்கும் வரிக்க انش المحرف المعادمة الما الما المعادمة المع سعما له واماا عادات العلق الله سعرادم الله للعاما -شوید والذن عسامة دام سواا ساهاا بحد عاا به اسامات به المالمة المالمة مرابعد الد تمادم الحد فيهم من مار مامه هم من ما ما م ب ضمتن آن پند آن ہذ

الله تهمادارها كد مكما كمماله فرام مهد الله كد مكما يهد فرام آن که جاشنے کرد باش به آن که ، کرد · hosmfrækommmekom · pl om halter my men مردن تغني او سلامه من و معمد دواعد الما معمد الم الم معمد الم مواعدا ارتس بلند او پای ایشادن سي ، اعهم سعدرسد مه الد ماصر سهد الد هرم سياعه واعراق سي الم الما الما والم 1 م الر عرصماانط ها، العاد سدس مماانط عمام المرسمام او کس اعل هرم عمل فعدم على معلى مله مله ما مه ما معلى المعلى الم اوزبرن عمام مرا طوسها الله فامال الهاع سد الها الامرس المنامة ولمه المارادم سارك المربع الله المعرب الله معادادم المارك المحصم سالة رس مصمع بالمصدي ماهم ساعام المعامات وها فيها الله قام الملك لله المسر سعم عدا سعمالاً عدالة ز شهر بت ک ماعام عسمامة فاطاا فحمر الها المراهم مماالعما مماالعما من مستعا عمام ومما فام المما مما الما مما مما المام

سه رس مسمع معلم رممها فرم الرسع ماسه سرس الس ييني نه شايع کر دو سه محرد برمسم جاي ان به المالم معراما ، سم عا والد عامه بدام راما المالحة المالحاق خوامید برمن النبی از ہر جینر این یا به ہمت All meall Milga nama . The annine equall monred كه ايدون كويد اين چانشني بردن زاخالا العمال مرا المولي العالم عامة عا كد معمارة كدل عدم علمهم وامراه لسيسم مرا الها مراب لمه سيم اله عدا الهما مردن خرات به درون به دروني نه شايد برسم درون او او سنسط واله و دور و المادم بهماس دور طومها مع کرف درون او دید که او درون سر این سه سه ما و الس بهمه معمد ام طاعاد اد عسمو العلايع ينے او د چند بہ جراح بادار داندن "، جانسنے کند ساله صعاداتها احتطاقها معما علا سالمح محمدا المالاي این آوردن وبردن بهت که سه بار ایدون کوید ماعله اسممعاسر اها عدي الله عمل مهم ممر عدامه ہت درسور بہ میزد بہ میوہ زرشی ب جائنے عم وسرة ماه الر مه العالم المعاهد الما المعا مبرة عا که دارو این او خوامد نوردن ک دارو دز كد عدا لهدا المعامدا عسهسرا س فرا دا واله أن كر " ب خردن مهان ائن بس درون فراز ساهاانه هماه عسمود ها شعرو اسالمه نهاون فردم چانشنی از داود کردن دستور المالم الحالم الح و و و المالمان الح المالمان الح کفت بہت آن بند میانے کمید از درون کردن او

مرا رس مجمع الربعة عا مصا بادمانه الها الله المعاالم درون نه بريد برسم در داست سندن په بند ريادن ساو عسماو ساو سو واماد ا سهدماد لس سماس ا واا مرده و اکنون س مادامه معلا هام مدادم ماده العمد مع ما ما المالم نه دانشتن ایدون فراز پشتن ارش بی بر اندر ادادن معاسمة عاد ها بها مسر موالمااادما سميه عاد عادي این بغیے کہ جند یہ دلت باز ایستد نہ ٹاید کر کوید سيسم الماادم بويد . سيسادكرد. م الد ماسم بهماس نه شن پر کوید ارتش س من من معموم الله عارم المال الله من من رنس اورت بیم در پایر بینی گفتن ب مستود المركزية المعاملة معاملة معاملة معاملة المعالمة الما المرا א ניסא אנחיד והחחלים הכפתחאלים האוש וביתחות ו و و المفت المفت المفتون المفارون و الله المالمال ، معامد سيم بمام الماليون ، فرها و سال كرده ابن ايور ايوون بنريم سلمامه وهوديد مار سلم سلم دعامانام بالادم سمه س تز که بهم شستن کوی ارش ن مركمارمام ما ما حد المسووية عروبي من ماهم مالم المرابع والم أرش ب ديدن ب ورا ا و مستوم الله مستولد الله مستولي ، والله مستورية الله روعن س روغن

سهد نه از سروير ، سهد نه از دردرس ، كدي ، نودردر رش پہ آب رش پہ اورور آن اس سورداد سلمه معرض من سعوا عاد علو علو المالي و المالي و المالي و المالية المال امرداد الدون كر نفره ميوه كويد يم ما ودعد المربي و ما الله ما ال اليم بدير اليم و بري أرض با 16 مواله العم 16 مواله العم 16 مواه العمل 16 مواه العمل 16 مواه العمل 16 مواهم 16 موا که خشنومن گواردن اویریش دیستنید جد ک JOH-THER . 1161 HOSTON CHIE HOTTON 1 JAKON 1 HOTTON *وننست و مؤتنی و فرشت چیز دیدن* به عسملسلم به في ما من الله من الله الله الله الله الله الله الله یہ کی نہر جیر بہ ہرمت ہوئخت الحصم ا الم من من من من الله عامه المن المن المناسلان ال ديدن يه ايدر بر جير په خوردن و مهان الم المحصر مير عدا الماهم دفاهدادم سه مهمر معمد به دیدن بس کم نهفت ایستید انش وه است عا سعمادا كادار ساعام سحمكما ساس سعم الله الحصوم ساه ک ایوون کوید بهت کسان این بهت به دیدن یا رها المه فرهمارة ممادرها مماه علمه مما مع دورا مهماارها ب سنی کیان برید یا بینر ان او درون رسید عديد الر و اعادما شهاد العجم حساس ها معلمالط الها آن بش او خوامید یشتن درازی از یتها امرویری به ماام مااعا فاله ومع معمر مهم مواها ادما ماهم ماما مامهم بود نختندمن بر بیند پایر ایستید ذرتس این که او

سسم عا صودوم صاصحه اسم عا عمه ، سعم روغن بین اُد فرنست روغن و بی اد مه مت عاا محمداً المااتم ما المام على في المالم ممسم ي ييدون كويد بهت ج از بر ج كند زايد ہت کہ ایدون کوید این کر ہر سہ یہ یک بار کنند ופ זה הואחו אף שוחחה באופ הואח ופ את שב והחותה کر "رود از بینی بن کنند بر از his om within mon mone you le mon other other you ت کس از درون عائنے بیش کنند بینے که زود ماله ، اعرض مؤدمة المرفريع، داهد في مالم مالهم مالهم ~ والما المالة ی بردک باز نهاون یا اندر سوطن این باز سمانامه ماهم ودمها الر مهمها و با اشام مع مهم م او اواخر طرف کرد این ہم دمنور گفت این سه نه ساید کر زود از عاملهد مسلم المال الله على المال الم از درون عانف المال سع عام ، الحق سود المرقع. از درون عانف بن كند يفي زود नेक्ट्रिक स्टिल्ल ، ساسعرها عسمه مواها المعا ماما شعما ، وجسم بحريه والماري . ظهر ریند ک . ايرون

Alled named Ad . non39.com. Alled for ونزو کوند مسعم المعصدوس المام عدد سل مسعه والعراق *ت یو راسیے کان بن و بس ان جوار* سر رواق هراامع سط مسعم سعم عدا روس اسم شید بهت کر پش و پی هااان ادوده و معهد و معمل مد ها المدروساده معمله به دمرن که دو _ رساسر عادادما سمستما مصدام مصموسه الصدما درسات باز کوید نف ید دیکر اوت لمهم لعلال مري محمد معدد المعدد المعد نه نتاید بت که ایدون کوید مس سلم على عسوسا المولم هالاصا سا معمده این این ماکان و اردا فروش کویر اویر دیگر الما المرس الله عالم المرسان ا ب دمین بر کرمید تسامید دمترز کفت • العدم معمد مساور و بالمرابعة و المادم مسمع . والمادم مسمع . والماد المادر ال 19. اع بدمارماعه، عسرمس من المراج ، المراء ، المراج ادش میانه و تورشی ادمنا نه سرامید سدسادهاد ، ارجادمها عاا عاجم سارمهام الس مسمها الم اوت که از میر خوردن به اوت ا معصوبود سا المعاهداري عموم الله مماراي معصرالم إلى سرایه اش خورد مست بہ بونڈ کینار האתפבות בשתי הוא האלות החאות בשור בי האלות בשות בי האול בי האלות בי האול בי האלות בי האול בי האלות בי האול בי האלות בי درزون ادخان کرون الملکام اول

١.

سادى عرود ما ما اله اله اله المامية المامية المامية المامية المامية اول درزيون اوشان مرکزدان مین به محرد درنش ازاوشان دو اول نیت على ما من المعالية المعاد. • ومن المركب المعالية الم الم الم خورتس بمنه بمت آن ج خورتس بمت بينے او اكر سعماد اصطفالها و لمصفح بهدرها سمكيدهده سعك بمعوديد. شکر خدرید هسددسوهسی. و بهم بهم مربع مدور المعافراتما س ، د بعد المعافراتما نیک ننگ خورمد آردراب ان انج رمیه कि . निम्तिकार निम्निताने मित्रि भागित मित्रिका . कर्माका دادمها درون خوريد شراب خوريد ملر المعافلاتما ها هماهما بمعامم ملر المعافلاتما مادمه في يه الزاره دادغ تولس كاربها מנכט اعتمادها ، اعتمان مست سائد عنداده ماد معدماس المراقع من اعتماس المراقع من المراقع الم ادستا زسرابون مستصلا هذا مسترسماه سه علم مستصلاله بعد مجاملاته نه سرایون کی کمیار וות הלות עד האווכא י פניים היה לניתן ההיה החופי שהיחריםי. فراداد درون خرريو بوبل CHILL المستمع ملا المعافره المعاهم المعاهم مار المعافره المعادم مادمهم درون خورمد نه انواره فراداد درون خورمد سعمه عمادم ، مدمكسومالگاء محرودماد. ، جد محدملا ۱۱۹۱ آن ادم ن سرام آن اوست أدرش سعدسدمسادة سماها مروما الله مله معدما الس مها المراه المراع المراه المرا کنامفارید سے کہ کہنار بزیم

ا ماده ماممارس مهم شعام شر مومه المرمامة المرما ولتور كفت بت اين و نورنشن المعاعلاما ماه معدمه العصدمام مارة ماه مارة الماسر د افزایشنی اندک بین دندک باز ming the high piet beth both promise home دىتور كفت بىت بىر نورىسن بىر دۇالىن م الح ادب العادماسع، دورسررسدد باردمد. (الهرولوديد . ، الها سع مسعم مسعمها العا سع همه معسود العا سر الله العلم المعلم المعلم العلم العلم المعلم الم الرئيس سعما عاد سعمال المالعم المام عا والعما سال علما بل کون بست کر ایدون کوید ست از طرف این که دو العالمة والماس و المرابعة المربعة والمردد والمادي العالم المادي ا سات ماي سعما عدا سعمادا كادادها ساس ساعدما فادوما ساس ادماء ہمت کم امیون کوید این ہمت طرف این زیادہ سرفادمه، ملادسم، ادماعه، وفعدمه، وودوده، المداهري ، ملادسم، المدورد، على المراهد ، مادورد، على المراهد ، مادورد، على المراهد ، نه مکم چون نیتری انجمن است وس ، عمد العلام العلم العمل العلم ال نيس انجن بمت په دد نواندن په کاه المالي ال وبسيرد دوازده بهايشت وربتور بزيزد اله الله المال المال المال الماله الماله الماله المال ۱۳۵۱ ۱۳۵۱ میرد بردافروس این یا وربیرد اردافروس الاسلام

سافه بمسادفها ها شافه شاعسدهم الر معر سرفاان علم سالمر کی بھایفت او سر تخشیر کی یار نفانه س سر مارس سروا وسرا سهم ندی سرس سرس مرسد شدم كام سلماد ها واحدم سال معالمس سال الهر معرب طرف این آنروخش این برد سروف ورز - الموجع فادوما في سام المعمد المام این کر دو زماده زشید کر سه زماده مسعم علم عا فاصعله شاه شاه ادمه بحد ساهمار عاد عا طرف کیے دین زیادہ آن خوب تر کر در والتعالى الماملا المامل المامل المارة اعما دوا كالمادم عا الله حد تمام ورسيد البنيد س تصمیمانظو که معرض میم میم که معربی سرانيد اتش بس ذ سرايون سام سح معاالما فام فاس ماسو سعاالما الله اهاله جاي نينے آبد باج فراز المالك اله تعصيع اله الحلامة سمستم عم سا تعاسمه روید ز شاید که جدار ایکاابودمرلو الطو معصم صده على الملاه مواكلاالم معصوم والم اذر كرند ايستد سرايد صبحم سی مستم سؤلت معوام سمستم سولت بعبوالم آندر کذائت نه ناب الله کذائت و مدادم عم مداي مس المام مس المام مس مسم اېېنود کی و روشتود ودهاماعما صح مصرما ما المالما الله ماما الله مرسما مرابد اند کرد :

تا نہ تا یہ یا کاہ جہ آن کر سے فاو مستعم سمسعم علم مستميل علمة الله محصره والله عما سرابد نن يد اوت مهم به سرايي بر جي سميساه سس الله ودهم معربه الما عما ه اوسناي بود ارت ب سرابي سراين اين يون mon of meet funder. In further soul (300). o me ment دمد واستر زرتشتر ناز که اوستا ہم ب سراءِ رش ب ویبرد ہے عَميريسع. و سالمه ماه هذا صدمها الممه هذا فرمود يا ير اوسنا ب دوازده المامودم شاهرها مدم عا ذام الله الله الما معاد الماموم الها الماموم الها المام ہماینت برکرد جد در کرد بن پر کیے ہماینت واما و عم دوالاراامم اد اط مرسلهم سعراسم الله بسوادد سمم رسيد ايسند أ اوي ع دوخت به كذارد بهت عاد اد كد مستوسا توالهدا مع والعو لمد وام توالهذا ما الله که تا آن اوت استادن کرف نه کرد ایستند که العلام سامة المر المالي عد م على المراها المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية كويم اين آن بند كويد آن وه روز فرورديكان آن بيخ روز ه الما و الما و الماهر (ساهر الماهم المالية ا اول نختنوس مور مزداو رايومند خوره مند निक ति मानितारिक . त्रिका तिक्ष तिक्ष तिक्ष तिक्ष تا انوان فرو بر دستور کفت بهت روزیر یا السراملاميل كد سرم ها هم ميم سام العالم ، محدرسه ب كردن أن ينج روز اندر كاه اين نختنومن دلاعد

अं अपरितात्रिः तित्रप्रताया निर्माति वित्र के वित्र के वित्र कि वित्र के वित्र के वित्र के वित्र के वित्र के वि رايومند ئورەمند . " ما كاه سهمس سهر يا سوس بل ۱۹۹ واق عو ۱۹۹۰ او ملت او ملت كن ينج روز رندر كاه المااطاء محمد عا محمد المام ، مسمساددك. مرون ببت که ایدون این بهت الس كد روا مه اد ك سلوماس الهام كد روا مه الس به آن پینج روز " نه شاید کرد آن پینج روز ب ممع هم موهم في المعالم وكتي خريدي بهوم و سروش ینت بدیرفته کندار مر اد صحورات کد رواق مع سلطراها روا امعا ، مهد درون تا تاید آن ینج روز اردافروش ؟ जारित्तुं . तुभित्रिति तम तत्र तत्रित्य त हिल्ले तिलार اما در نیت دور جون ला में निकानित का ला एक है। हि इन हते विकास درون که اددافریش نه به رفت به بر آن ده روز فرور دیکان سعد مع اله الهرام ما الها و معدر معدد عسر الله الهرام والمع الله المعالمة الله المعالمة الله المعالمة بینج روز اول ختین ایمور برد سد المع ، ماسد مود مسرد مدد سطوم ، و ۱۱۹ او ۱۱۹ تر خل وخانه بررسد فارسا صالع وسر سامع والله مع الله مع الله مع المواهدا نخننیمن باز خرمند یک آن به آند فروردیکان निर्म का ति तिर्मितमा ने क निर्माण मार्थेस ر کید آن سر اندر فروردلیکان کید دستور گفت بهت او گفتن کی و دستور این گفت او گفتن شمار کو

سد والد ال الح الماس كد ق مله المحراه المام المام الما الما این بر دو در سنحن آن ده روز فروردنگان کر زود به دورها روا بروسها الله الله عالم الله عالم الما المام ا اتن سر بیج به کوید ایش انشهویه این المه مانما مومد مدي الد ان اوامه الر معامم معرابه لمس منی کفتن کفتن ارش است بوی م فراز او النس بردن ش ملى مادمار رادم مدما عدا محمادا كالان سات مال ماله هاد روز جد تر سنت ال المدن كويد اين بند أواز يه मिनिका ति कि के उ का कि कि कि कि मिनिकारिक कि निकारिका رئب به يرنس اددا فرورد لها أن ده روز به فرورد لهان عد رواق على الله إسلا مهالها ، معهدرسهم على عالم معالى عد آن بینج روز اول نو نابر خنزمن ایمور نزد تا عدولسوير اد وليسويرسرسيره. اد سيسسر عرب كد رواه مه مهر تا ممه اوتئان أ انشوان مع بساب سود (سومر مسرسع و عدم سومر وابعده اندر کاه این جهر نود "، مهر نود سمدم بين سي سي سي سي المرابع معاد الهام معادم اوت ن که انتوان ادر باد داد فروخ عادم ساعام ١١٥ الع العالم الموساء الله العد المد الله کفت بهت فروردیکان باج جد تر بیت دین اق سه الو لمن ماح وستوسع وسد (د. دس مسدمهد، مداسدددس الماسمة الماسمة المعمد الماسمة الماسمة الماسمة اوٺن از اوکس بر ہے۔ یا الع العمد المعمد اللعم المام المام المام والما والمام والمام المام سرامید بر یه این برنسن ایدون ساخت بهت ک للحمارا الرون

سمانا کالان او ایجاده می امار شعر شعر شعار کالی ایمات امدون كويد "ما روير هددونسيد و مع مااسل السرامة المامع و مهد واسممه امر توان به کونشن کوید یا سنی سهددسسهمد سرومهر ورسدس م الماس الم داس الله سمهمات سم سنی او کولتن په سر معدد و مسامد و المسرون والد والدون المسود و مسامد الدون اوٺ نہ ہیں یا ہی یا بر دالاشددي. . سيد سهم لرم سيد همرار سيم نهرانه سيه ند س حکم ہیں کہ ہیں ہیں کوید کہ بینے اول انتیم المردوفير سوب الله المراد المولد سهوم والد كد معصوسو بع برد بد مسروب قطوب معمدالماس سره رنور داشتی بردن آوردن یا سرفراطه المالا على المسلم المسلم الله المالي المسلم الله المالي المسلم ا خفتهان کوید برش باز کفتن که نه کوید ساه به مه الله المعادم المعادم المعادم المعادم والمعاددة المعاددة نوب آن روز را که نه واید نه ناید سد فحمد و مسلم مرسيم و ماهر و مارس و ما ست و ماما مسحسان هاره معسم الهو المحتمد على الل المحتمد هادا المحتمد یہ آن عساد مانس هذا مانسان عساد هذا بع بهام معلما سینہ سنی یہ سنی سیانہ یہ آن زرتفت

اها سم ۱ اومسط مادوناه. سماماعمر واساع بدهددما ارنع اوت ن سخن بر روید المعدي عرد اله و الماد المستمس اله داله الد المستعرف مالد عرد مستمس الحرف الم مورورس. سعرفومه. . مع ارعامها مارمله عمه ممهادم اكر اوٺ ن ادولار الم ممرفاه الم المعلم المال المحمد ال - کذانت بینے کہ ہت یہ اوستا دوبار ا عمراسهم و المردد الم دیوان کردن این کر نیز ممميمها فرطمه سعط يحد اصطبطها سعماها سعمالا دیران کردن بهت آن دومارگفتن بهت که ایدون عاران ساهام سعمل صحصار فرهم الهم ساعاث ساهات مهمام نینر اولتا کردن بود. بهتے کے او مرهم ساهات مه اردسهرام ، مصرف مدس شخف مرسكه كفت سيّے آن دوبار كفتن اوتن سربهادوريددي ، العامما الماما الماما سوفامه الهاما سهد لساسك و بوردندد. موسسهم د. موسسه و اصله د *و ما رکفت*ن ومرسر ومرسر سامان مارسال اصليمهم ، مله دست اسموس ndedradatifte. , nommercariman. ள்கொ. உடுக்கா . . பாகுக்காரியத்தை . மாகுக்கைக்க ۔ آن Sir.

egante eganter. sont . son sur mothéens Demong interpretentes en mouser interpretentes كدام بهت كشى سنحق سه مار نوانون فعامر ماهاي مارساد مهرمهاما ، مسكه ماءو کوام برت سنی سه مار خواندن رنتها آوادر قرب عاعدددد و معدده المعرف و المعدد و دوه درو م اسدىن وسددىد بهد شكاد قرساس كادم ردى مسعر في المد ومرسك الهرسم براسود سهدد هدا صدصرا عمدالمسهم كوام دونى ن من بند به دون حيار ار خواندن سرست سد سه و ولسرود في م على سي علود . و سدرود مروسد. ه باعا هومعاسة همامة بعد صلااحظ بكما احصمكرما ا عمالمصلا این اوساً ظاہر آن بوید که دوبار خواندن و جمار مار حواندن هذا صديما نكس الله من صم الله الله الله ما الله یہ اور کہ کہ ہمہ ہے اخل نرمشن ماما احداث علم علم ماه ما معرومها معلم ماه مام كه دوبار كفتن جمه كر ي در شهاد كفتن بهم يا ك إسابها فاقاله ساسك ولد الهاس فالد مهد مهدمه حيار بار كفتن كر ي خينون كواردن ي باج كرفتن ا سروش درون يا shomphe an makine on his our bornen ahr بمانت يا يزنس يا تدروتس يا جها دارف

سعسر سره صحد سرد هذا زار بعدودام سسد فرا الد اوت یا کاه این به اول کوانت اس یش و نه سمر لد صرارمم ۱۹ بهدو ۱۱۵ مهمو اد بهد ۱۱۵ اودلس ہر یہ فاہرہ " ہم یہ دون این ا بعود سرد ال صدفوراط سريد على جد الهام الله ما المعلم معلما منی این بن کوافت اتس از آن فراز نم فا مرهبرمان العو الد ممواام نعم الد مام الد سمر الد به کرودنشن سنی به گذارت پرشن نه پش نه پس صرااتم نهم ادسيكم أالد مهواام بلاد بهيد ادسيكم بورد که دوبار کفتن به کوانت این بیمه دوبار کفتن العرب مع معاالم اثب الع المالمام الله على معاالم او او کنور آید تا او منحی کرفتن سعب سيد دعد او دسراردم سيم اس اسرادمر الد دسوارمر ات ہم یونن او بیم ک باج کرفتن سع سف المالمان المالمان المالي ک اد طع کرفتن او او اندر کرید نا او برکشن لد مادامه بهم عام اس اسرامس سد الد مدواام سدد رود بایج کرفتن این به کوانت ارشی الما والماريم المالم المالم المعلمة المالم المعلمة المالم کفتن زرش رز آن فروز سال سما المعوالمع ساسالمان في هماه لملا لمه لماللا کوفتی که زور فراز بایع کفتی امرانه اد بهد هاده مهمارادم بهم لد امرادم الس بايدارماندن كا كخبم وراز رميد كر ز سمامه دوام عامه دوالمراع دواله دواله واله عوال المام راندن سنی تر کفت کفت ایستد دستود

العاد المستهامة المالية المالية المربد المربد المربدة المالية المالية سنی به کفتن آرنس باج کرفتن او روت و دود ودا يجاد من من علا معمل المال مام علم الممل الر ، اليمادن بمت كر ايدون كويد اين يه جير نوليس او سمامه دارد موسوسه هاده مهمدادم سمد اده اسادهم راندن ہر آن عاي که فراز رسيد ات عاج كفتن سعما عاد سعمدا لله كادار سات داس مدسه عدما دوركادامها برت کر رمیون کومد این ہر جای که رسید ایستید سيد ، اس اسراسريد سيد رايد الر معصوبيو كرم موالاراامم وت باج كفتن وزنس به أو روساً البنيد سامة أدامة مماما معمل بمادماد المام المامة المام المامة المامة المامة این ب کدارت که دامند باش باج باز کفتن ارش الم احر معمولات ووالمادامه بهم له سرماده من الله المرسك باج او اوت اتادن که نه دانید رش بن استراصر سرس سهم به به سرس مدم به ما سرمه العمادهم سومه کفتن این سم برکرد این جد برکرد که دانید اس لسور عدان معرب کد نهای معدد میسو سور عدر ارت ارت این این مرد ارت این این کرد کردید سهم لد سرده ۱۱ من برکد بن باز کرفتن به این این باز کرفتن به این مرود محمد مارولامه و المالام و معرود وسر معمد الله معرد مورد يركرد انج بمدادستان بود كدام مناعك بالوادوردس و مات فعاسر صعصم الها مطعمه مواهمة رد کوام اوت به سراید نه حکم

الما عدما مدا و رئيم معرب المام عدم المعر مسم مسمر مسمر الم سرای که بنرم جرکین بس سراید made marker o mosses mosses on les examination replan may , menodalir. cede. dusprebander. 6 montes et ايدون يون بركس ماستوس اسامدادديه ١١٥٠ درديد دستسدماد. • الد ساس سعادا عيد الر وطير المسلم من من معدد من المديد والمادم من المديد والمادم من المديد والمرادم من المديد والمرادم من الم برکس نیک راسی ستود نیزشن بمیشه دب مینی عبع مدما الر مسااما ا مسااما مساوما ما المعادد المساود مساود المساود المساوما بروند برید بهت که نیک زود پش ع. واسد اسمرهسم سرسم واسد و نصح المح ومدم المارس یس طرف بنت یہ آنش ماله مسر دمه ممه ۱۱۹ عمد ، عدد و مساسمس ماس به هام واسد سدى ودسد دم مرا واست (سم د فرد سد م سهم سامس هاس المانالم هاس الماله والم المهود هاس لواالهم سان معراس سان اعما ، اسراع. سعوع واساع راسع. يا يران يا وزان بر

ينعدر

عمص عبى ارجا معطاا والعمد فالمعاالات مع ممهد ك أو بر أو أيدون محكم درتور سامه مهدومامة هدمامة كد صدادما مكما جاما الملك به ملامه دین اوت ظاہر آن بوید کے زود سرسے نا سردار رالد بعدورام فكرساريس كد طويهم اسهام سطويين اد اد الد بهم ا آن سر کرد نه مکم آن آ ماما رصاع مامسر المه تشخااما من المر باصطا المداركيا زود براسم سردار به گذانت ایش بیم او سر به کردن صاملهم بمعادام سلطم الد والد بر الم وسر المسلم دوالمواادم برت به بر دو مرد کار کوارد ایستد الكلية احر والمكل المالان المحالم المحالم المحام ما او تورسر نه کردن و ت پوردستور کفت والد ير الم وسلا المالهم مول المرادونهم المالمه المالهم الماله بر دو مرد کار کذارد ارتش او سر کندن سرمدم السيس المصارم الما المال ظ ہرکند یہ ہر سے کاہر ہوید ک ام فرسها دامه ودرصر دام المعرفم فيد سلام المحرسيدا كد مطال ب کردن نو نابر دا یا اوث ن آن سخن من اول ماده عد المحامل المحاملة المحام نہ نرم یا آن بی کان ادت ن کان ہند این ک عمدا ميدادم سع بام المرع اله عمل ما ممر اله معد المر المه چن بوید نینے زور برسم به سرداریر به کذانت بوید المامر مسروب بوالما والمالية بماسك مس المالية راسيه بين بيكمان اين كيرند آتن كاه وسهم اله أسالم ملا اله سرام الر الما الر الما دت به نتوید باند او برسم

سامكااتما محمل كال مدمال كالحامة ماهم معمل مهادما نهادن برن از بیدون کوید ان برت که دلت متوید سم الراوس شمارات مسمعه مهمد الله الا اله المراقعة او برسسم نهادن نه ناید آدنش باج به بر الله عادمه صابحه المعام المعام المعام المماه المعادم ا در کفت سبت کر باده فراه سيد ساله الله المالاصل بماله منسعم ماه اودف المال عيسا راه این به کوید این تاید زرتی پینج میان ما دادس عمامه ساومدما رسد دمها مهمه الهاسانم عما اد سنی که او نورنتید زینت ارش اد پنتن معدم كد فردمهر الله وامار سعد معطر وي مارس سهم لسلا یزنشن آن سر به کدن دش سنی وا فعام معماره معماره س فالمددسالسالم. • عمر سب سى كى سى كى سىمى ئىسىدرسى سى دەسىلىدى مىدىدىدىسىمىدىد اتنق اسلاميم معرب ، مريم على والموسود من الله مامي معرب شعامه سد اوا ا فامه اله وارسر موسد لسرسد افر صد عرمرسوا كون أرش المرابط مومد ملا مرمر الرماع بالمعلادامل مومد ، مسكاع. برسم نهادن أرتس الهالم سها

لسر سربها مولد الله المالمامة الله دمم ول معلق ملهم شردن ارش بیج کرفتن به بنت که سرهام براساس سرهم والدرود فر شرفه سرمرس ، اها كد و عد استعمام المر ماهم شاهام ما المهمد مسمود فرامد ردوع المرسمة ددسل سعد الأد يدليد (سمرسد ، برج سه الهر ١١٥ كدد المحاد هاد به ما الله الما المحادث المحادث المحادث المحادث (سماده. و المعمل المعدمة المعدد المعد nadeur .) de surarced fragin. المما ادامه المحتمدة الما المحال المام المحال المحا عاير از اوت أن الق سي مسلامه سروب سواله سال له عميم عور 116 هامه والله فالما هامه ال عالمه المعد المعددومي سي ليس الراله براس سعم عدد سعمدد عددد المادد سيد سعم ، لازسرسلس ، بعسها عادد عصاب ها كامان

له هردام دواهدادم سرعوم الادا لهدو مستحدد الله كد هساء نه کفت ایستند ہمت ہم کاہر ہے آن زان فالرادم الما كام اله م المستمادين الا الله المرادم ال رور کے زود ب فرازت بن سام كرم هاد ، اله اسلامهم اله اله المحم سلد سام المها این که به ک زور یہ باج کفنن ہے بہ فصعم سريد وسطر المرادم بهد ماس طروسها . کفت این بانک کواردن ردید ہم یرشن عبم المام ماهم المعام ا اوت به راسیم مه دستور گفت سبت که دو رز م رسارم سمه رودس طودسها الله قدارمس محمد معالمه ساعام اندر کود انش پرشن سر . به مکردن دمنور کفت بهت ماما والد ماسو سرسه الد مسم عا والد سوس سالد مص کفت از ہر کس این برس الم عاميه و المحمد المدالمة المحمد ال ب کوں کے کولفذ ہے دورمادا برما ساند سهما الله عدما سالد سهما الله مستما ساله سالهم یشن رود این که به کر بر گفت این کر این ما وسر المسلماء المرادم بردهاد سلم للد الوصالماء لمد المحاليا او کار کواردن روید کولفند که نه کنین ز کنتن الماما فالمام باسر إلى صدااتها داله المحما الله المحمدال المحمل كوا که کشت زود نه دادن • 1 الصنطراء المطافع عاسر أحر صلاالمما المع المد فعوم المد الملاالم کواردن روید زور او دمنن کم به کفت ر دمنن لماله علما مهمع موا مرا ساله الله فبما المال بمالا ممالاتهما ک اول کیفت درون این به کوانت

سما معلم معلام الها مل الما الما الما المورواوس 15 فالما زرش بم دوستي او كرون سعم دينم اله ال كالمحر كام سال مسعم سريد سام احر واسر فالسرامال المرادم كريد سام ليد اد کار کداردن صرااط رس صراديم بهم دورم ساس بهم دايد الهدم سريد الديا العمران المراجع سال ها ساوه سال مراكم الاستال الم أرنس بليم إن درون او يركن كر ب مع سالد لله بهاسانها سعام استعماسر ساله هديده سلمومر ماهم مسح ماهم صداامع مته الهدد ورا اهدا مدما يومد که بازاي درون يه جد been imenos imores ه سيمد إديميد و ١٩١ و١٩١ ه يداريم سيسم 130

مهم (المعرد فرد من) سدرسم فرسم مرابرم رسخت سوس م مسرر ىدىنىسىد. ه كدسائل فيوس عاقل لهامه عدمواادم وام سعر کد لند که الهرسها مراسهاسلوس سرع عن به مست ساله و (سمد فرد س ابع سدسرا فرسد alnolyng sta नकता तमे के पर्यमार ه سيعمسردسميك. (ساد ورودس مسرسم فرسه الهرسي المرسور المرسور ماد سردسم المرسور ودها العصار و المحالة م المحادة المحادث المحادث والمحادث المحادث المحا برجه الهامس للد عل كد احر ما المال الموسوب ينا فوريفاني mong mald o epresentato. Duna (Ale marginal de marginal manginal m *اولسا*

سطرمه مسمد والمستساعام لس ساله عاد الها الله علاادما اوت کم بت نوب کر به نوب کودد عربوس عا عد اعمامها مهم الله الله عاده المعارمة عد المهارة مركزان رز آن بيتني أرت ورث يه ياك او بويد مصه فدر افاهة فا صااحط دماساته عا بد الم اهامر ابهاها ورنس کار و کرفه او بوید ینت از آن او یک دوید معفاها معمدا كالد مله ملاهام عروهما عا به ام الها اله ہے کہ ایدون کوید این بہت مرکزان از آن او یہ سیر المرسر المرطسم سمر ماهم سردادم سه ممعا و مهما مهدالمالة یں کفت بولا بغیر کہ نہ توانی سي عدا معادم معادم عداد معادم عدادم علم الاله اله اله اله اله ہم یے رفت دانتن مرکزدان کہ یہ بنتے صردادم دو الجرادم لسسم سهر دور العاملة عدد مدادم ایستند نه ناید انش دست به باک او بوید معمد عا مح مصل الر الم الم الم معمد علا المحمد المالي زرس در آن پرخن کس ن در پرهنی ک مت که ایوون کودد این امت نیرشنی به نه بید امت که ایدون کوید این شعام مصاصب أنا وم أدم معما عاد معمال علادر سلم ماعام مت یرمنینے بن نہ بید بہت کم یدون کومد بہت ہت سال على المحاصد وسر أواه مه المالم . المحاصر المحاصرة برخنی از بیوندی کار و کرفه نه بوید مهد وسيهم وربعد وراسم سرور وايسون رسود ورد ورد ميه یاما مهمد شهم همه معرفر ساهاما سطوری وفاهمه . ماماد

جى ئى ئى ئىلىنى د. مىداد ھى كى كى دىھە. دورىدى سىركى مايەسىرى كى ئىلىكى بىرى بىرىكى بىرىكى بىرىكى بىرىكى بىرىكى मका हिरमें नामाता में जिस किया जालाम के कि रम्पेनम m? extresom for procumosmo من (سعاد ربعاد الوردع. • مالة فعلموس علا مملك المال كرمون لمرس أورس أسد (دوسع، مسرم سع ع) السدد جروسع مرمون نارى يوني اده نير بيج په تن کن المارديم. وأستمرس مست (ساعره ع) بالعد و باسم و در الله عمامه ، معا سعما شهم سمعاما المعم المحمد ، معام المامة اکر ایدون اکاه کادان برکسم سے اسلامها الله مساها المهام الماسي استراعه، والمدادمة كرفتن اول الله عادن يركن فردزنتن و سادو و ماده ادم مادم ادم المال ادم المال ادم المالم المال المال ادم المال ال ا وان انبرک دایند و نیرشن نیز قراد کیتن سادهاادم سنة بمرسة مؤسدها ماهم مه معرسة ملم هما بحد م داند که عیر آداید کفت بیجه که کن آن موسد ممام الم مؤملهمما الها وسرد بهما سالد الها فالد فالر ارتن پنت نرم بیکان به کار پرتن این به بر کار این شاید از تا دفتان بوید اندر روز بوید نه کوافت

م واعرو الا وسر ته سد سمراس سم ما اله اله اله اد کرده یه پاترده کام کاه داشتن بهت که یه رقع کام هر العرص و العرص مى سد (سد روس و سددر س (سوى دس ، كد كولا سوسرا کارادمر موسر سید سمم لند مصدم ۱۱۹ کد معاسمارا کوید بیرنشن ہمہ ہست نہ ناید بر آن سرت ن هدادم علم إلى الحال المر المنتمم المال والمه المال ال زور نه تاید آدر روما زماده گفت یہ آن کار اوت کر خابد تا mon my om bolls mil bold thought like borns my نهودابان کفت به کوم نفیکم نه ساید اد میسم بربوسدی برهم سرهم سرهم سنه که میسموسو گردادم سنه لد مسعم مو عوم سام سدما ا کالامع سامه عام سامهما سامهما نه تاید آن غالب زرش این ایدون کوید بست خورشید صوبعدمه له اصالحال المصمور عبد المحصور لمد المالمة منیشن او نوب دار ز کفتن کردن ارتن بعما عبرية عادم مما الله عادمه المينية المحد المعم ادف منیتن نوب داد بر کفتن طوم معصما لمر صم و مدم و معماع والموسود ، اعلماه نيت ادفن پٽن که بي ميت المعلم لرديهم ومودد الله THEM JOHN OF HOUSE فالمحفور مماس اضط معاملا أمعاد و المعملة مامعماله كرفه را دان نيزنكستان ديكر

المسامع على المسامع المرسم المرسود المرسود المرسود المرسوم المرسوس الم سرور عسدماد، ماسد عاملاه، 183 ود ماد ماد ما معدما المد وماساتها سردیدان کس سهم هداردها سرب مع فردم سهم هردادم سدما دانی را که کوید بین میت که کوید مت سيد لد معمد مصار الد مامهام ميادوم ، وي بادوما ارض نه اوادمي دادار سي تعافور بويد كدام س وسمسدل عددمد و ومرسط سردموس ا ومرسط on bothon on on monde from I wond on my monder on the monder of که در این ماددیسان ستعما فري دماد ما عسم وماسا وساسع وموسوما ساس ک دین ماردیسان باز ساید بین الماسة ما اله العمل العدم العلم المعتقبة في عدا الماما المعلم الم سنحن آن خولتی بهت اولتا آن بولی که ها بعد مانه عمامه عدادم سعام مر طوم الها مسع ہ این سنحن نیشن کردیم ہمت دین نیت ہے جارک ماده دسم مساس سفحها مدهاس عد ساس ماسه مافد سال درازر نه مرکزدان شافود از این مای هماسة سرامية مسامة معياه ساع مهما عاجة ماسة ظهر سے سنی سال درادیر نہ مرکزئن اذ آن جار non · 6 & mandre · om Jand · mon sustant on sale . از دن معم عربه والمع ما معدد ادمه معمومه المعدد مدمد مهدم والمعدد مدمد مهدم و

سام لد عبرسادم عادات عرفسا لردم لد صراادم سام ۱۱۱۵ عباس ینے کمد مرکزان بنت بہ بید کہ بہ سنتن سود واق علام ا العاد بالعماد لله المادم ا عدهسرا لله معرادم ا کفتن نه کوید و مرکزان نه طوس برهم سرهوم بره مرصوس سيسلو اد سر اسر ١١٥ عماصه مت این کرفنادر نشار ، نشه بار به میشن عددم عدهس م المرادم سم سد باس سره باس عادات میند مرکزن او برمیر که این سنخ یا سنخ کرمیر عرفه الله الما مهاامم عمام المعالم المعالم الله المعالم المعال مرکزان به آن زمان بوید که او کرد این میت اسرام وام طمه والم وسيسرمس هاا الا سعم مرم كردن يي شي رفتن يه بن افا العادما و مرادم سعد ديماد ااو العلم فرامه والما بويد أرتس يتت نو نابر يا كرون بعد مراسهرسد طراسردو اربد اعسرس سهد وسد ورود تنافور دوبای به کواردن درنش کار کرفه هر كد وام طوع مطمرارم كد بع سالد الصها لس سادادما بهما هاد همادماس س سادادما رفي همامدس ماويد سع ها العادم صاادما (طاعا مار الاحتفاد وا رس الله كالاما علاق علم المورسوم الله على الموس مع المع معلى الم علم ساساعه به ها الهم المام ال

مهر على مارا معا معمد هم الله على المار مارد الهاد المارد مارد م معاد معرمال الله عمد ماسم س الله المعادمية معالم ہیج مہ • علما سامات صح سامت مامت مامت مهما عروهما المعام را ستایدن درکردان ک المت ماد وماموم على ودونما ساعاما عما مماداماد ستايد ہم نه رونشن بهت جه بودن مناهد جلامه الر معمله معمه عمامهم معمله علا او اوی سیاید ازنس مینینی سیاید Andre mare ly recode 150/100 spergent se report مركزان أن بعتر ام به محرومه الله مساامه اسمهاس الهم سعام دمنور مرکزران نه بوید اله ا كد بيسوا ليد وسراا ومر سهم كد وبرسو الله اكتراوم سرو وولومها برید که آن جای او روید کمه برتر سه کد فردم ها موم لودم وسرا اس لد اسراب سوید سرا لد مد رستفان باج نه کرفتن ارتش اور نه سراان الله عد مرسولة الكرادم عال عوسه عوس عرادة "أن حاي اور رويد كر شافان شاه كويد سع در سالد سر وه س دوسر سامع عادادم سالد له سهمم مناهداد سمنتهم الهدا فراهب مسفداره في المربي المربية المسته المربيدد ز شید به کرت داشتن شر اوستا نر مهاید الدوعون المراسي والرسياع المهدي المراحي المدرود والمالي والمالية ادر)

سعس لا معصوم معسرالا له دكرسرادم صوم مصرب روت نه سرامید کهنیار بزند سال درازیر الله مالها الر مالادمل على عمره ماكده مريد مالهما مع المادما معالم المادما مالادما مال سافور بوید اگر آن یک انوازه سخن ع- وربع الربيد ما و مع حد سلا العمام مارسان اله الله عاماناني فراز نتیرند اک آن کیه انوازه سنین فراز تشهرند وسنور کفت بست بلج فراز کرفتن باج این بر کفتن والعدال من ساهم المام الله الله المال من المالك و المدرد المالك کفت ہے بیع فراذ کفتن المعلى المستوسط و ما ما دا المرع و مصمت المستر على و المحل باز ار آن اور Alkeingenin selklissel . Dundend. nandr. adde. mere? ک در آن ب کندبون العدر ، علم ها بحر المس شهراصل سام على المس ما الهاسر ک از آن به کندیدن این از آن به تنافر مداادما علما مددمدالد رب دمها العلا مامه هوماه ها بوید که کمیاد نه ینتن این جایر فایر اد سعدموسو كد وسردادم سهمايد بسيسراسك سرس سفدك لمد دورهاد اوت آن بوید که او کیمیار بنیج نه رستن مواهاراها كد مديه ماممهام الهم المعام الم اله المادم وتتور كفت مت باز فراذ كورد المعلى سامة الله المادم سامة الله مسمع فالماها الماعم المعلم المعلم المعلم سی بین سب کوید این به گفت در تنور رس درس فله إسرام مهمه مسمس المراسر لله مماها رسد مادها المر باج به نه کعیرمد أرنش كهاز نه پنتن را تعافور

ال كد مسادم سهمام سرفس مود لد المعاصروم ووالمهاروم اوین آن بوید که او خوردن ال ساماس ساوس موسد المعاهدادم دواهدادمم موس مسلم موالها ادم ساس دسم ساس مارسا وامراد السرادم الساسد ايستيد آن ينت بين تان مردن نر كند كناه مصر فراهم المن الله المام الوالما المام المام المام المام کران کرارشن کناه نه کرد ایستید روشن کفت بهت العد يه مسادم علم عدا السب فسرم مسم هاها العما مسمع این آن بوید کر یا کناه کذار کفت ایستند کفت كد ساله ماله سام لله مارسادم المعاصادم به بعاماه مها ومرسراتما مؤسره مهمة وم سام مهمام ومودها داوما مهد يزيد ديكر بهم انزر اين كد او كفت اليتيد انني كالمادم العدادم ا بوید ارتش رمیتوین نه بوید ارتش ما بعضد الهدماهم المد معمد مطاله معمد ما الماهم المد ينت أرض رفيتن نه ينت بريد أرش عرسان ما الم المعاملات المرابع المعالمة المرسور المرسود المرسود المرسود المرسود المرسود المرسود المرسود المرسود ينتن ادريش اوي خرردن دريتور او اين ياي ساسمار برهم بهم مديم س واما مواها وما ماهم سه الله الله نفت کو بنت نه کرد ایستید رش باج ته ساالما سامام سام عدد الله الله عدد المالمة المالمة دادن کر او کرد اولتی نه نزم دانش ارش نه کرفتن

بعد ساد هدا واماو کو صراام سعار مرسو عمر دولارامط ررش اور به کرده او داد بابنجاند جایر این رسید ایستید האום הפתושהו הופות האום הוה הופות הו ہم بیکان ہت یا ہم کھانی ہت کہ وہی المعاملة ملك ما مستمر حوا همم ملهم الله المالم المام ظاہر کہم او وہ درون نرنسن دیکر عاج کرفتن کہ صعص سند لد تصعوسو سهم ولا دكر ساوم اس اساد دمي اين نه ظاهر ک درون يزيد باج کيريد سمسوما علما الله ووا ديما الرق مدود عما مدف ها وا مام الر نه تنايع که بهم درون يزيد ده چه کيک نير يه زود او مان سعم اسمهاسر ماهم سلعام مسمع و مهاد اله دکر ز نتاید دستور کفت بهت شید یشتینی ترم کی کان یہ بیتے یہ ہر کار این تاید یہ زوتی وألب سعيب سالد مسعم سهم سعه اسع المه سعيد ا مدهم سالد بركس اين تايد كر ع دوخت نرم أرش وليبرد اين ساه مو سرد دمه دواها العط المال مع عمد المال مهد المال سنی این بنت ایستید بنج آن اه به بمه کار المعموم المالهم المعالم المعال ن يد دستور كفت بهت ع دوخت نرم اندر آواميد ودرسر كد يع بومر وهم سالد مهمد الامد سمالد الوالم کردن آن ندر نیرستن این زرش اول بار بیم و رسید دولهراادم سود سود سعده والعسود كرموس المصاصد المسا ایسته این بند بیکهان کودن زوتی دید برسم

سعطامان اله سام المام بله سرمزادم عرفر مع مسمعانا يتن و فراهوم كرز بهوم دايند المعمدة الماد ماد بالم المام على عور هو عمد دواكادادم مدك سادمالا اولت به تن این که از آن کم رسید ایستید بعوم دان مار ما مدمدما المهماة جد معملة المالك الممموم المال فالم زود اندر داشتن که نیز آن کیان کنند نشید یون کرد المام ماهس اله معمد ما ماه معمد ما ما الله عادا و المهم فررتر برد ہت کہ دین نیر کوید ک سعدهم مده هاده معموم و السر المرامم سرو مراد كسك یکان کے فراز سازیر بہ دوید کے دیکر بلید المادم مصدم سهرم صماص اور مصصص مع ليد نرف مد المرت به خوامِش الدر نر موالها الما سامع علما بروم الال والد مكاسلاتهم مع الحر ايستد ازاد مرد كفت يه بر يشتن اين جد أر او ماما الله سام الم الم الم الم المام المعلى المام المام المام مامام المام مرد این بیکمان او آواید که بهم کانی یفتن الم اعد اعطادما رس الملائمة عد العر العالم اعطادما معلاه الم نه کردن آن او پل روید یا نه الله الله من المحر المام الله معاوات معاد المام اسم نه روشن درنور کفت بهت به کزارد یشت اول ما اله الم المامه المامه المعدد الله المعدد المعدد المامه الم خنوس تو داور کردن ہیں کے کھان ہے بوید تو اله و ما ما مه مه ما مه المعام المام المعاملة ما معاملة ما معد نادم نابد سے روز سے روزہ زمادہ اوس وہ سمعل و سمع على سمعل المالي شاه على إلى في فالصل سميمهما ہت ہمت کے ایدون کوید این از بن سے روز کردن نے تاید

سعم سام سورس اساق سمسم صمس بهاام سام یس که اردافروش کند نه ن ید دستور کفت که و ساود رسومر عداد سروس (سماددسم بساد فرسور الماد را يومند فخره مند كويد سمسمع سمالها وهااع صلاعا والهالا الوسعا المالم موال هاا ا دوخت اول نختزمن رتود بربروتد کردن سنی یه سلس صلايعا صومات ماسامان السراه الماهاة المعل سعما ہم ختنومن شاید پنتن یہ یہ رتوبریزد علا سمادا كادا سام ساعاما فاست المهام والماع والمادم سام الماعا کم ایدون کوید این بهت برنیز اول برید اننی تخنون ااو المع المالمة المحمة المحمة المعام المالة المعم مما الح والمالي نه ناور کردن آزاد مرد کفت بهت مرد که دمین او نیرمه ممم ماهممه المعمد الماه الربعة المحد الله تعمله المحمدالم ۔ پرکتی فت دوازده بهایت زنودبربرد مروس مراهم موري والله المعروبي الما والمراقم المحامر مراهما نتی نر نادر کان بنت به بهت که یا دوخت ماله معرفان من المال والمها والماله الماله الماله منالمة بهت دفیتن نیر ادل کومد سرونس مبريع عرا ها سهدو مرسوس فيعاسم المعاهام الله الما الع درون به بهم یشتن جراح المع راعماد كامامه ادميل سرا المهس دور اله ا بحد المماسم درون به أن جراح बर्क 116 116 मिनिर क्रमा कार्क वार्क क्रमामान क ينح اول وه يشتن با با يخ

وسرعد المعرفالعلم المرا المرا المرا علا المرا علاا وما بنج بنے ہت کہ ہنت کمویہ بوسرسهما ، مرماح بالمايعا مال علا بمامسهمهم الله فسرم عالم مس به العالمة ما العالمة على المالح الم رفق بر این دارند فلاعلاد مد ما المل معمد و المدين مدين مدين والمعدد دردي توان أرئس يرى. • والمراب من المراب من المراب المن المراب المناب المن *ارمش کنیا*ر المهم ، المهم المهم مهم ، واله المر مهما معمد ، المهم المهم ، المهم المهمة ، المهمة المهمة المهمة المهمة المهمة الع معدم السر ومعلادهم الله وجالماني سفيد ، معمامدوع. بحد دريكي. و والهذاح صداءهم علم ماالما ومدماد رس مجاساتها توان يشتن ماها سهم معرضها احر الاصالحاء ملاه رس الله رس رامه ومنا براهم ساعاما سع به مع مع مع من مداوس مول برم اندر آن امراره او وبدي الماليد والمالية المالية المعالم الم وربوانه وكالمانه الم المان المحافظ المعالم الم الله عادمهم مع محصاله المعلم الم معلهم المهام الما ينت پنيرفتم اذ كياد و رقييتن أول فعمالير لروابغ

سروانه ودوم الم المرافع الم الم الم الم الما الم عمالة سروت يت اين يه فرورديكان بهت اين لو اه واله عمل سالم ساميم فاله مل المح مراسر مما المعاليمة سہ یار نورشید ہر رفد رے بار رفت پذیرفت tempon 1161 am de des les am de des de des les از دوش ظاہر کے این اوستا سفیے یہ مواهردامم المصمامة رس طويه سعم عدا سعمدا هدااي ساهام ایستید ودیکر نه روشن مهت کر ایدون کوید مهت سعمدد صددوهم عدم مسمسر سرصمع والد ١٤ ساسل الدوں بوید جون کینار خورشید ہر رور سے بار ساوطورهم دفا کلاادما سعم ۱۱۹ ۱۹ دام اسر سامه کلاادما سعما اليستيد بهت ك به بار اين كويو بهت علا محطال كالال بعامة معامل الوبدة معدما المومل المحمدة المحمد ايوون کويد اين بمت برسم استواران سنودن ال سادوما السطرا صرااصع سام الله فيوارموا سالد وووما الر ومن استواران دادن که به دمید این دستور طمع برسانها صعاد صحد محمد بالعام الاساء سندن ودو وه کفت بست به المد معصاليد لد فام مواهااامع بيدم ١١٤ المستقمامة بالبوما کرد ایستد بمت که م اعرب سوسا که و عع . و د عه . هم ساه ده ، ساه ده سره . و د عه م د هم م است ده م م م م م م م م م م م م م م م م بر دوت کیہ یا سنی رفت کیہ مر م المستمري و عاد مندمياد بمالا ما المسلق عيم که دوستا یک سخی بر سمعارم سه الله مما فارم مله مله اعتصم و ورد سوس رفت تنبے بر کوانٹ یا مک کردہ

سىسەمەد . ىددىدى وسرسىم . باسىم ردىسى باصد مع موسد اسمعطراس ما سام . سع الدمكور ركنن رور درازير والمسترويس ينتن بنوب اليون ديكر سع. سي سن و مددسع. و سدم ١١ دمود سدم ١١ دمود ويهوسد ايدون سديكر الدون سدكر دستور hon 1 bond 1 ben blem hon boal 11bons 1 bosh و درستود کفت کفت بست که دو ایرون بهت man mon von o mon frances mon mon von o man زران ہت کہ آن موسدهاد المين الد بمين الد بمين المناه المستواسي المعد (شدد والمرد و و المناه ا ہمرسد جن جہار مهدونها بالمدرسيد بعصر معرد سطى اعها ، سمر سهم سعما اردوش کن کون یون کر امروق علاان الله ما بحد علم اور العرف العربي ما و العربي المربية معلما المربية المر مم أن أن كد يه او بر او او بم رسيد مند عاق الله عمار المعمام معمال مع معما معمومات معمالا اوت افر سال نر سرايد ايدون سينم الم أأسم و ورسخه مسرع بهاسريد دديد (سمره) عن م سرول اسار در ماد در د واد مدرهه ميسروك اسري در رسيم مورد سال يتمر bornge delinger. . regulater ettim (-e.sen محنه کار سار ایمه ماروسمعا اسه کامسامه سامه سامه مارودما مساما خد نیم ترامید بازا دلنینے کر ہمہ

مساهد الماد معط معضا مع المام A. (na eptedra. mem. Juegner mencar. antés. Bue Je ras e. و المحمد ما مسر معدا المعدود سال المعرفالم عدد المد معدد م وسراروم م اخ بهستسریدی سهرد پری رسمر اهارمه ه سدن (سخ مدد بروم و فروسه اسرس سرسوم و مددسخ و الرس سال عام واستصابه و عدد سعمد و الله الله المدام الله مصرفورسد يتعصوبه مهم وجاساته بداه ساعام ساسه اس سرس سعردرم سيه اق سرمودادم سيه فوراهامم المحمود والم س اسلاف و سعد برا د مراه ها مراه ها مراه م اسم المال م ما المرود مردماد. • كما المام دفا الما الما المام معامد مامه المام بيون كفت این از اوکسا عصامه مد صدادها احد میمادیسات اور مصل همادهما مطااوم برم سكند تعيمنا تعماد المعماد المحافة مادوده مادوده المكا المكادر المحاددة المكادرة ال ہم نیزشن بدہرنت دارسیے دوست این کر

عدادم مال مع مال و لسد المالة ال الح الح مالم المالة ادر من اد جار معه ادار مموید این این پرنش تو دا میمنم والد الا بعد الها العدمد السعر الله مما والدم بالممامات المعم بر بلج این به پش و بس به کذارید دستور کفت ۱۲۹۰ ، ۱۹۱۰ سه سه معطری و سرید واله ۱۲۹۱۱ الع ہر کیہ این فرمان چاک مرهم سلهاما بعدام احمد طامع سع سر مطابع المرابع المر مخت ہمت کیبارکی زیادہ نیت ہنے سہ فرمان جابک این او عماط مسامه عما سوامه المالم المالم المال معرفه عمام عمامة المالمة الما سيوار سحد دردوش باي كريد به فران جابك بعدادسان भिराक्त मिल तिले वित्ता कार्या कार्य निर्म किया किया किया किया ہویہ ہن کر بنت سے مصہ خور نیمہ بازا ہم یات سلما ما معد واق صدواام ادل طدم سه معم سرس كه اندر سال بيار كذائت زياده نيت بيني داد اين مسرمرد وهرود والمحدوم المحدوم والمسر سراه الهمادو المحدوريو دکر اولت کرده درازی یا دیکر اولت که درازی به کدانت تنافور این که آمده كد معرم بعود واق رابد ميمواام ادمد لمدم سيه مراسهاسا آن سال بيار به كوائت زياده ينت ييني كه "نافور معمد مطاله المها المها المامالة ما مالماسر ما مكسهسرا أرتس اردوس وخور و بازا و بات و "نا فهد الدر ممي الان الله المسميط عاسران بالمعلم لسلا الملائمة والله مر والعو الم باز کرفتن بر دو کرفه او ممادادها معمل عدا محمدا المادادها مدمد ما المام كد رس مكم كوا بريد ببت كر ايدون كويد اين بت أن

المال ما ما ما المال المال على المال کنند درنس آن نهد بوید یند در پرفتن او ب کوافت مواهرااي سعم عدا سعمدد هداري سرس سعم سهم وعدس سعدس ایند بت که ایدون کوید این بهت که برشن کن اله اواله المعلق بحد المرد من المالي المعلم المعلم المعلمة المحلمة المعلمة الم باج فرار کیرم آن بند بند کوید نفید ک دوارده بمالیت سعدمر راس بعمرمهم اله بعرساديم ادمه طوم سه سار سا علم عادر العا على المالجام على المل المحمدة سال الموهد المه کہ ہمدین بہ بذیرفت کے خوب ایستید بیضے بہ جبد الله ماه دالد الملك سلا للله سار الله مادي الملك سلام ساري الملك سلام والد صليفه وصعواه أديد فردم سيه سرد سريد سهم دورهم سريد راس نعم دفع سيوس عاد براس نعم دفعم ما الم سل لله فريم بعد برهم ساعام رواله سر برايد بعدمهسرا رم بودوهم عمرام صدادم و مداسمهم معلم مادم مراس العلم من المعاملة عدواه صداده على بمستسم سىدرىددىددى اسروعى سرسنى وسرسين في مور سىس JU سي سيس المراسر لله عدم بمرادم الاو ممام ولمو

مسم. هددم د. سمراعه و معرف محقه مس سایجه و مدرسط کارس و درد وسد مسدد مددماده ، عجا بحد الله امر بعد بداله ممه مسملا معسمه از آن به او آن این نبک اوستا سرایدن بينم فرق اسع م سورسورسه سورسورسود في سهددسه بسه در سيدم سورد ودوروماد. • كان علم اله اله الله صدم معدسا سعوم مار مساام ساهات مدمادا معمامهم ، اهمرزدع . فرس (مره علي) معرموم ہمستہ ایدون کو کار مسرهد رود سدمسدد مام د اهد وسطمسرس بهم العد المه ک ہیں ہم وسام العصم لل مرسامم سلك محسم بسقوسها له معوادما معاساته سعر الهمها به معاساته ولا وماسارما المعاصر ادما مااهاام ساال الله عا المحصورة المالي این از اوکنا أنونو عد معادم بهم معدوم المد الهواله المحالة معالم عد این اول الله ماه معمد الله معمد المعمد ما الحرامة الحراراء الله المراراة الله المراراة الله المراراة یشتن آرنس خور سراردم سرد سهم العام ۱ ما رسوسهم س و از نود

سديسرا لله صدورا دمر دسمراه سري سريد ومردد اسهر لس كن م كذاريد ينتن يا بين ديكر خود ديراسانع كد سايد اعطاف سدسما له بي الماده من عدال مارها الم أن این اول ک ن نه کذارید یشتن تفاور سريد مسراادم بدو لهو بسعماراسكلد بكرساماد اله الامر بسدسرا يت به جد كميار سر سرو امرو الله مسمس الله عادم ماره المراسر المسر و المراس على المراس على المراس المراسد المر رسدسر ومماسع عام معمد عدد المعمد المالي سلعام الهاد فيما ہت کے ایدون کوید ہن بہ یات ه . کسیس . هجوسی کو عمین سدرسردده کر مین میدو عزا سدسرا لد ماسرام المدسرال هاد مام ، مربع العدم سمر (عهر سيهه عهم بالدرسم من على عد الله الهد سالد ويهم الموم و سفورس ولسد سفرد وفي مصدرها واسد ادوم سطوع والله عساسكاه واسريه الله الله الله الله ماله معمد معماد الله سدموار سره صم عجد اسر ، سسرسطم، بهدر سدهم بهد عددسملاناه دهمداع على مدد ملاماه ، مر اع مدما طاهم ها عدم مطراس سي السب سيد عم كد وارد لمهم ب بر بردن بینے کن ہ در آن کنند یا

محمد العرب مرابع ما المعلم معرب المرابع المعرب المرابع المحمدة المرابع المحمدة المرابع المحمدة المرابع المحمدة بوید کمهار یشتن به در کمنر علمه محمد مصلامهم مد ساامه ها على معد العصل كالمساامع نه بویر به از این نوایش او بوید مچیر ہت رمع مراهم المعمامة معمامة مسم مدارم راماعا اددة اوت فلير نفيه كر نه بويد يا معددالمهامة به ومد رامه و ديمه عسم معدد دمم مهدامهد كذائق الهم تر روتشن كدام مست سالای (مام دهاد فراز رسد مها سه الله سا در ا This lee 116 how has the bolles and -one of کاه کاه فراز رسید بنے پرکشن اوٹ ن یہ جیہ اہنگام mmagnifo. son formanna a rome roman a molla از میانه شب به اوتشان بر . जिला • भिष्टित । जिला । किया • म्हिला • किरक्ता • किरक्ता سازید ایدون بر زمستان ایدون په زمستان ایدون معدريد عمريد مود وإساس سعه ، الدسطس مع د اددسطس معدريد وسعد رمشان اکر بیش آن البمونور مرسددد بردماد ، ۱۱۵ مالم المجال العدم ساله المام مسالهما به ترمشان ایدون بش البنود سم مصرمل المدراع فيماس الماله المالية المالية و مالها الدوار نیرشن ہفت کا و الستود المالك من المالك من المالك من المالك الدون نغير ہفت کا د استود کي

سوس وسر لريم و ساسسمسهم في سسمسم وسرسي ددسي. ارنش کار نیت نه کنرکار پس ساددسه، دىرنىدردىددى سەجىسى دىرنىدسىم مارىدىسى دارىدىسى دىرانىدرىدددى سا این میاز فواذ ايستد سعوماسرها سام سادس عدا الهاسما به ساب معطومها كذيمار بس يفيع ند كناه كر اوسنان آن اين مرابع كد رد سررد عسرود بهستند رد عرد للحب برمه لرمم آن تا اند سانہ سرهام دراسانهم سلسه كد سره مرا في الدماء نواس دوالمااادم ہت یشتن ہم ان خوبتر کے ایدون فراز ایسنند يع مدم طرمها اله مسمع واطاا عا الامد بهما هاده اندر کاد سر بر ناید کردن از اوں کے فراز ک داند یغه من ایرشن افد که ه طبعه توان المامان الماله المالكية من المالكية الم منقن فراز خراع ایستند کر بند خراع ستعاد عدا دسما المه كالاصا بياب سوما ساعستهما كالان جد مِث مر بِنْت طف كويد اين بهت بماينت كويد ان المعمرين المعادمة المعمد المام المامة المارادم الميكاردما الميكاردما سعم ۱۱۵ سعمار عراق سعم مر المراق سعم الماري المراق ہمت کہ ایدون کوید نرشید ہمت ایجہ آن این خوبتر معمر عدا محمد هامة مواكلانهم معمل عدا محمد الملاامم ہمت کہ ایدون فروز ابستد ہمت کہ ابدون کوید المرابع الما مدا مدالم المالم قرام افراط بوم بر که توان خورد کنند

عدمه على جد مطعلاامع إسمادهم إسمادهم مهم عبي الم از ان رسید رایند نرتاید ارش کاه فعد هماس ما معاادم عمام المعاملا س نیس او او اندر آید که او درا برم نوردن اس الما ياهم لمه المالم الهاموا مالمه المهم المالم الم او رازن زرش کانی کودرد بوید که کورخند ب واهام المعالمة المحالة یشت آدرش که بنی اد دد اندر آبیر کومفند علم إلى والمعا لد والمما عما والمعا مالعر وا که نه گفته از کسان که گفته دور او داون عمد درود ما مرود من من من منها المعل المناهم ا که ینت زور ارتش کاه اد او اندر آید آزاد لما المالم المال ا مرد کفت بمت که به بهرم بر جمار بار دایند سمه ماسر و ا مساامه علم مالا الحر المر ماله مر المر سامعالامها انش زور او داون کر 1 بار یا دو بار دامند الم يبيح بار أ توريد رور دادن سهم وعطريد علم العلم العلم سهو العلم سهو العلم ساله العلم ال سع اعدا سراد الله عد معرب معبد بسوب اعديد العماليد این بن از مروش درون زرش کا . پش د رت از برسم بيند دانتن ارش باي يه المالم ما المال والم ما المعلم المالم کفتن مادشن ہمہ یہ کار شاید ب

عرسواس بهم ربع ساوسك لحد إسرام المربع مواد سعدلوان ک اندر او کار نه کرد برسم دیکر پشتن هرساه فادر اسااصل عدم ارمله هاد مصل محرام دیکر کردن بر برسم به جد کاه بت الانظارام المسلك هذا مدمل فيدا الما فالكذارم جه شاف صرع عدا اله المع المعالمة المعالمة المالي مالا په رفيين اول الما عام ماها معالم موالمال ماهم معمد المعالمة المعالمة ساخت السند الوش محد فوابعد واطراا مهم المال على مدول مما المال ادنس ينت عهم وب معدم دوالهراامط موب عد خوابد كرد أرش طماعا استما مهاد مدوراهم مدم على مدم عا مدماء ک ایرون المرور سال سرفام كدم بهم الله المحراص موله به الله الله الله نبرید درکشی نه اند بلند انجيه سموادما مصمعم ارماه مادم صادر س مصعم مدما صدر ئر فايد مُعلمه مدم عاد مدم امدم امدمارهم كالاما المركبة ملسكيد مدهما ہورگرد کفت جد لين كويم المعل معلا على سال ملك الملك بحد مداسة ملك كوا معموادها وطهر بعدما المدهور ال عبه ساسه مدما صدرس ومما ی آدامید کشاون "، بر بین جد دادستانی منت کیر

سسم رفير سدم رمور سب سال له نهموسه نهدا واماه این نه ظاہر یہ کردہ المساعد س فردساسلالمر ، بساح مد مساقم ، سعدرس صر عسارسع · (سيع دسم ع - سيم اسوسم ع . ساسط فرند ، و المال أرض ہر دو باز در مادسا مؤمد ماه م فاق الله ما عال ما ماهم ساف المادمة شستن أرض بک دیگ_ر به مختن ارش یک بار از سر امن الله مروامط مؤمد مدمالا فدامط مته فالد صامة مسم فالد اور بن سنستن أرض ايدون كون كه بر جاي پس بر عامة المما الم المعادم الله مما المعادم المعادم عدا المعادية حاً اک بن باک بر سامه مله وابد سالمر مهمدااهم مصمعم مدما ۱۱۹ محمداا هدارف سام ساهام مع الها موس السيدام معسدم اعلسامه مت أنذر الأين يه تويد نفيد فراينهام سمية المسر له عدا ومعد الصله سه عمد مواهدادم صار بد الملك علم مسط مطمااحظ المنسامة اصات بحد المك آن برسم کر پس دلید فراپنگام وطرف آن برسم سمة المراكمة المرف المن مارة الله عدم المرف المراكمة ایویانهام زور باک بند این بر فرود کذانتان ک

اله مرابعط مهم المسر له مهميم المسر ام ممه ماه ابراهم عمامه عد البرهما المرب الماهم ال المهام المرف المراهم ا فرود كذائنة أرثن فرود الملك قيما الممالاتما ، من ممال موالية من دريساهم ، موم فسر رامعل ساعاما روا فارساله ا عالان مهم اله سام منه محران او محرید فالمسلما الكراساس سعوسها عه العمله الله المؤف المعمقهم، وكم المكوم وكم المعمومة عمد ساله مادار سمه جاسر ۱۱۹ دومطه ومه ساسه رض زود کر طرف راکت ہم محمداد الماري سلم المام فسرم 116 مدد الم المعمد عدد المعمد الماري عبع واهما فالمام عما عبي واهما رس مسمعا فاطال ممه

مهمرا مع دالد مرسوسية مهمرانهم سدهم به مرهمرا الله طار نیے درسیہ رابیہ بیکمان راب فانع الماله به بعد ها بعدموسو طوع والما بهم والد بر فرار کیرند آرش به اولت با کردن کی بر ورا ساد المد مهمدان عدم المد ومد سعر اهمها باسر عده رمند مہ پٹن کم پس ٹوٹن زور بر والخت أكن أرض جار أكن كاه نويش אחר וופן חלה השהה וההם וההם וההה האה הוו אותל سرامدم ره سر استرامه عمع س عمد محمد مده محمد م دو الكنَّك أرض دو الكنِّك بر جوار أرض بر منعنى من سرس سويد ر منو د مويد س سه منه منو بر ادفی بیت ارفی دو بر ده ارفی دو بر دو بر ساها وه سروی سروی اور کاوی اور کاو سروی سروی اور کاو سروی در ا سماداها ساده ساهستهما سر ساهم بر عبه بر شاهستهما ساه · به پنت نشش آزش دو بر دو به اینت شنن وسو با سنوس على ماه ساه ساه معسوس عدو ده بهمایشت زرش دوازده بهمانشت ده زرش دو بر متمار اسطاه دومله محل محمد محمد ماعلم ماهم علام داد ده کوانت است کر تو ب ظاہر آدکش ہفت س معلى الماله عدم الحال عليه المالية ا دوازده بهاینت برسم به

مرسة موسادة عدا السر اعرسمه مله معمدال مع معمده ما المرسدما فرود نهادن داد ده کفت بست مناع ما العلم ما الما الما مناه ما الما ا سعدم بها و اا محل الله ما المعلى الله ما المعلى الم Leton . Too mollent John Hosp 110 Rochings المستادل نعادن ادكش این این کردکرد آمدر ومعموم راس معالم مي ميل ميد ما ميد ميد ميد مي الماس الماس الماس ذرش چن صاحبہ ک مهم الما مسلموساسلمع . ومم ممهم الله المالي المعهم سعط عدا سعمدا المداري ساس ساعدم مع مصحصماله عسمه دام ہمت کہ ایدون کوید این ہمت اندر سے حصہ سیانہ ہم ماسة سد سه سموامه مواها اصل سميم سم 110 سمال جایر این که بت ایستید ننید بمث که ایدون العدد مراس المعلم بحد مر المستحد مهام ملك المحلم الماسك المالية کوید این بهت آن دو بیره بردک لم مسمع ا إملاعه المر ومير المراسد الم الله الله الله الله الله الله نتايد و کن دن او راست او چپ که نه اکنون نه

سام سامر مدوس الدين منه مناه المعدمات عدما المعدمات مناها الم خب که ناید هم به اوت جیدن عر سماه على الله العمومية معامية العا والله لعلم عرفي به اولت آواید جیدن اش جبدن آن الما عم الله بالم الله بالم المالية الما المالية المال از ماور به زیوند نشید ارکش که الف سوم موالم المعلى محمد الله ما المعلى معمد معالم جيد ايسيّد پس کره به کردن زرنس پ المعتمانية المرابية المام المام المام المارة المام الم ادت بستنسن که این ببشه یا دو بیشه بهت س الله موس مداهم مواهم المعارض معما مماه مهم ماهم الماهم نه په کره شکت ايستيد نشيد داد ده کفت بت أرش اون كر به نفك بالعلام بعليدم سيم دون الله فااصل موم الله فالمساس الله الله المالة المالة المالية یں کرہ کرہ بر گردن اوش بر اوری بر ترمین سهم سد هديمه سراه بر العدم سدم سد المراد ويد ويد ويدهم ال این بیشه بریا در بیشه کمت نه بیر سسمم سيم الم سكادم . سيعه وأيام فاسدسارساس nhon sensnimm nomeznen . vonite - no 1266 "، أرض علج فواز كرفتن أرش

سطراس ادر مع الروس اسرام علم علم الله المعمامة الم شستن أ اندر او كار كرد كم بهم نه ياك الم من الم الم معمول ما الم ومادي الم الم ومرد سد "سیدارس به اولت باذ شدین که او اندر او کرد اساس طعه صاحماء وسر رامع المماه المعاجاتها سمحم الى سام فالم معا فاط مصد المس سالمالالما منهم رميم بوير اين کاک در کرد رائت به نمادن ارکش سه سرطها العا وين الله في الما الما الما الما الما المحدوم س فابركنيد خرددن نا باز او بهره بنوم آمر عمل على بحد بالمر راماها مروا وما مصموما مهما مماه مام نجنس نن پر مرادُ لسك برومرادم سعسم و سيعه والعمور سي العربيدد سرسرس ، عمد بسب مسرامط ، کسرس *בותע* دەرسىھىسەن سىسالىدالى الارسىسان ، سىساسىدلىد. انتو فروہر الما اله الها الماليم الماليم و الماليم و الماليم الما أرتس باج فراز كرفتن أرئس ببورفرد ال قالم موس طومها الم مموم اله عامه ساله الم يه بر چيز اين

مله أأمر أفرومل معمد ما اله الم سمعة الرامة معمد ما اله الم عسد دردسر لای م سه ۱ سراس م مجمود ۱۱۹۱ ۰ السم بوير اين سهرس دوران اس اس مروس الموس سود الهدا والسرا باج كرفت كار الماله العالم المال به المال من المالم الماله المال بون أن جمار ا سرس س وسوسهمادا ومعادا ادرات ديها دوس مرهم سرهم نِنْزِنُك داد وه كفت سرت شناختن دادن معونهما الد امرد نه الكل عد س مساعه وليانور. و والد عاد المامام مارو سام الهاامه الهاامه المامهم على بعد این الار کردن الهدر المال د عده سام واماعا درهادهم اله ال بعد سر الماساراله الها و المحديدي ساسلكك و الها على الماسلة عسر سام مرا ما المالم بدام محمد عدمامه ما دارمها این که الع على عدد العالم المحسوس عال عدد معلى العالم المعلى العالم العا

و ما من من المنا ا المدسسانيم. الا ما الله المسلم الم المسلم walk to surges who solves our the sur the این اندر افتد سله فيستط بيكم به مفاص اله صلاادما هاد الهلك سله به برسم این المر واطعا مموط الملاط فه- أم عمد ممل عمد اح في عدد مسه وسرا ملاه عساد معاسمها اعساد مدهم مسحما سعما علا سعمادا كالان ساس المعاما عساد المهاجي ہمت کے ابدون کوید این ہمت کانہ بہتران معسما المناعصال معمارهم ممل فسرس لله سامعاله معمله هاا صحب الهمكم مطعلاته بمستعل معم مهور ماهم داد وه کفت ر قرابهم کرد دین ان به ان جهار چان mon has bornon anho as entiones مراهم ساند الم الومرس اله ال بعد سر سيم کفت این ب دیدن به آن سه

المعدد والمعرف المعدوم المعمر مع مكلواهمور والله مكلورس كوم كومفند آن جاي آوليد كر اندر كشيد و ب كشدن سام ما ما ما ما ما ما ما ورودماد دس اهدا سب سعاراسس الد خواهداام ساس الراط معرسه السام לוו ושושו Songet . 4 Emm . سى سىرادم اور عبرد سعدسر فاز س نورن د ساکنده کی هسی) که همین سی ریزی مین 116 محمداد محاددهم سامت معمد برريز hare to say in mound in mound in supragation of the form of the supragation of the suprag علم على جد عدا الملك محدورامع الهرسك الكون ال واما الله مسماده الله عل الما أسماله علم له ساله الله باج در مهم ما اهمها المادم سعوس سعم م किनमा विका निका कर नाम प्रका नाव किन्ति प्रकार این کن خوتبر فررز کیرید کنیریداتش کا

اسرام والد عرا مع كد موسم وسط فالهادم المراو ربع ہر کہ دندر آن پُرشن بانک خودمید کرد باج هر المالمة مومد الله هامة الميلامة مومد فالمعدد ع أرض باج فراد كيرند اعرام المرابط المال المالية ال العراقع بعاس م سعمه والعرف و معاسم العارف الم جاالج العالم الما المالم الم المالم ما المالم ا کردن اندر محتدن نه نیزنگ از کوید پیر س کاورد کورد ارتی کاه کل تید تید نيد اها المحمد عبرا العلم المعالم المعالم الماري المعامل اليوون كومد سن ہرت کر E me may dod miled me a mon in سهم فردسهم سراام دوالهراادم فسيسمم سهماب مااس मात ते तरकी तर्कत्री तरक्याव कामारम तक्य भ ہت از اله معم محمد محمد المعمد عدد عدد الماري ایرفن سر ہمت کے الدیون کوید سهم اله المه المال فراز کردن بی*رشن سر* ب المانها ان مطهد موا المعاهديم المع معامد عا المالها

صراادم بعب دصم الا لسر اساس علم محرب مرا مرفتن که سروش درون باز المعظادم مهد المحمد الم ه ساس کد بر مجاسبه ورکرو سرند بع کست الله براس موت لسرسك معقم معسد مع الم وسك رسارمه معمد ، فالسد دونس فراد**ت م**ع and etmin-repulses والراس والصراث فرار • गांध नांक मिरामि Allon والعلا المعال المالي المالي . Ethon. Aprilan سهم نها المربع عرايات السيسدم المربع عادمالا مالا الم مهمان به موهم المن المعاملة الما المركام المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية · Tmemonds. moc(montine. س مده کا ملامه من منامه من الله من الله من منامه مالمه क्तिनियं। त्त्रकामियं किर्यक्तिम् क्षांभ क्षिति كذاران ا**لاع**

روالم

الم المالمام- ا معرف الملامد ممم الله و دهم المومدهد مهدرسد.عسرسه، هم الماماهم أدى من الهمم عري و الماما المماما المماما المرسومة والمرسودوسية والمرسو والمرسو اوسنا يم اين ماران مراد مرهس مرهس وال ، سماق her mollent mochan mage Any · extending man شمادادها والمعدم ال الما الله المعدد اله أجوادم بهد بهم ارمله بدر مامه وره ما معرابه الس أيطادها علم ويه مع معطاصط علم ادمي سال الد معلوا اندر بردن کر ریاده این به گذاشتن ماسة الله الملاامط المعلا هذا الممطا المحطاا کوفتن کے یہ و کان ہمت کے الاون عراد سهم سم صرار عما اور محرب مرا اورا لسد بہ برند بون جون علاادم معمالة عملا الحالم المحملة معملة الحالمي المحمد المالي ایدون بون به نه دیکر ادمات به سروش درون

المحديدة جد ملامة الله سلمعلامها اعرب ومد ومر راجعا ردغن آن جایر به نهادن فرست کار پنت أدرش برسم به سه ماک از طوف رات به نهادن ساعد نعار سدددس سرس ورس عربه در الله الله الله المعارب زرنس په ک ن بین بر چیز بین به تا دیدن سراه الها المه المسر المسادة مارادم المه الهدمم دساس الله به بازی این کانی بید کر کرده درازر ب لد رکوردم سوید بوید کسوید کروس بهم افاددم دسوید روید اش ارتض بان سخن که کرده درازیر الس اعطامط سعمد معمد معمم الله المسلم المهامم معمم روید کس ارش پنت بن باز کرفتن پنت المحمد المالع المعلم مهم مما محمد الله المحمد المالم المعمد المحمد المحم بن بز کرفت انش کاه شستن بهت کر دیدون هرااد م هرسدموددي. م ١١١٤ سدم ١١٥ سدم ١١١١ ١١١٤ سريد از فرازت م سريد سرهام معطوب مطر الا لسرال اسروب الميد معسوم ال این بست سروش درون بن باز کفتن این ت پر معرف مرا المعلماها الم المعلقة عا المعلقة الم سرونض درون خردن ورکسی از وسرف با عن الا معسوم المالامع ملا المعالمة من الله المعالمة برهیختن ۱ کم بر رسید نه نباید به آن دو بون سسمود داسد (دولي المعم العدس العالم مدرادم سعسمم کم یش نودز برید زشاید हार्मित्रमालित । वि क्रियातम काष्ट्रित कार्क क्रम क्रम کم ہیں نواز بردی نشاید ہے

بغرمان بلند اور بایر ایستادن أرس و سامريسمممرامري و الله مالمله الله على الله على الله صمعم ماه و سه الله و ما المعالم ما المعالم عالم ایم نه رونشن که سروش درون نورد یه دبین نه یاک و ب معمد الله سماميد معمد معمد معمد مالادم علم مدهاي آرائدن ایشی کھانی کذارد کورمد کا کومفند اها دسما المر الم أومارس بهم دسم الما كأسر سه كاسل او کنتن که یفت په زور راش زور سر مسالمه مهم مهم الهام الهام المهم محمد المهم المحاد الم دستور کفت ہت ہے برسے ز فامسما الماس ما المركم الله ما الما الما المال عما المالمالية أرض زور او نه بوید که به کرده کسید ایس تعصما الما الطية وسا محمد المعالم معلم معلم المعالم کران دانت کر سروشی درون نورو سماميل مهمد مهدمامه وسام عدامه المهم مهم ماهد \$ الله صداادم سال الله صدمام ، اللهماده ، الالمام موالما المعا عدا سعمارا بمراز سرب سعم الحد اله سرالام ایستند بت کر ابدون کوند این که ایش

رمها ما المعافلات ممسم المعادة المعادة الماري الله الماري ز ناید بت که ایدون کویم این ما از نوربد क्रिक के केसक. , जाता जिल्ला विवास । त्यांत्रा विवास । विवास । विवास । ه صحة اصد ماهم سلعاما الرعم الود هاد اعرسك اسلاما ره گفت بهت در مواهدات سرد مراها كد سراهما كا فسدهده الهدار الله الهاله ایستید این از آن نونبر از راسیم بیکمان بیج فراذ الما ادم مدو الا مصمولة والم والله و والم مام ساعدهم ما فرود كنند زور سمارتت الاساس المعاد ها ساهسم طاله الله الحصر ها سماینت تربن به دیدن پر ? on Jegmen mortendrie - omtendrie . ome page on تبوم مع سماع. و الله المحصل مسط سلم الماهم مواجادات معامر دیدن پس کر نہفت ایستد ع سعم ، عام 116 ، مهسددساساعه،ستصسددس. ، الس کرد ابستید ازت به ینت کرد الد سمادم هدا اصها الهما دمر مسدم مدارمان ب و سیرد و نیکان مشت شاعد ودن سعوم بهم ، سري وليعسد. . لند هرداد نها وسكر بع عصم روا علمه فروس مسمع المعلم المالة روا مم إبن

درم . معد معرف م الم الم الم ماسط معراصا معمد . المع الع سعم عدد الحد كاسكو عدادهم معمد عدا سعماء زور کفتن ست کے امیدون هردادم سود سهم مع سف الله هدان سمسدم عام سهموند. ین کر اندر راه به کردید نه شاید زور کر او الله بهما مومد ديد الماد الما على عاده مام ماده على عال عال ماده الماد ا أرمن وست به بن برسم فراز داشتن فرسرهار monde mor Al modilion . Brogen anger . ic. نواسم عند دت نهادن بهادن ما الله الله ماله المامه ب كفتن طرف مين يا خوردن الله الما مع مع الماد سام طمع المام عالما المام عالمان ار ان يا ينم اين يا خوردن اسح معمد ساس رامع اصمعاده العم سر اسر اصعارا سديكر ہم يا خردن كر جار باد فوريد سم درسوم ميدادم علم ساه اسر ساله براسر المحادما اض گفت برید که یک بار یا دو بار تورید ملاه سماهم معمله عالج مه عملهم معمم هالم او نشبت منحن این به محوید

سماراتما ، سيسع عن والمعرف ، الله مام المعراد سامتوسط سه علمه مكسوم الله بحد ساك ملك ملك بمل ان این نر مهر له هذا المرق متمادهم و متماعه بهوره و اله هذا عمر كد عا طمها عادي موسد معسود سعم عدا سعمدا کوید ارس کی بی بست کر امیرون hon too honde one some mon كرارد برير زرنس محمانی मिलिके कितान का कारका के के के के कि के किया कि कि किया اهاد عله عمود سريد به ديد ديداردما بيدم الله بيدمال بم دادشان بولد يره اين هرارك سريد نهاي سوسردو ليد بسراردم بدوم ١١٦ سعموا المرورث سرسد نورود سرسد لله نهروم نهرور مريسون عربي بدر یہ نیز این م اله معودامها ها الم المح م المح · ----حد باسر ساله سار ارصای سامه ماسه ماسه ۱۱۹ اید واددها آن زود یک اد برسم این تار و بستن کر در نظرفی ئەسى كىدۇ ھەرسى ھەر كە سى د كىستىسى بىلىدۇ ب آن جار بون

۵

١.

يرسم بند رائت ه معامله المرابطان مام مام مام مامه ومعاهم المرابط اها، فعاله السر العصوم المعلم على الرساد السر بعد معطوار ا رز دو یک این آن سعم كد لسعمار كاراق بهما معالم الد صدمهم بهما ہت تان رائٹ تر کرید کہ درنش ہ الملك ورساس الله فطرادما مهم بحد ها الهدوس طه عل ن از وانعصور منس لسريد معصمس سمع ۱۱۴ که سرد ١١١٤مم ہت ک آن جب کوید سهم الصلف وصراب الله فعلماده مهم بحد الله سلماالم ا برسم درازیر به مایند ازش آن به نمادن معمد ساف سات مداق الله المعطراميل مع معطراميل معمد سالم ازش کیے این دیکر بہ بتن اندر بردن ارش این ماسة عد واحتماد درسر لسرسر موسدمه مدم 114 عد جم بھیت کوید کہ دوش بند آید یا

سعود الس معمد الله مور والما المعمد الله المال ولما ماسر ما الدم سال ما وي ألم المنا الموفق برسم باز آید این کد نیز نه روشن ایرون سه وسد سره راند اسرامم راند کد کسورم بهسه دی رفاد سافحماد الدر سحمه الرساد ماسة على مصل المسلمان راسم بری این کاک در رات به نهادن زرش بوم و اورورام به چند او به ظهر کون بوم به و معطاها و و اوا دره مهموم الله مامه ما مامه المرهم المرهم ما وا به دوارده بمانِت این نشته یا اورورام انرر ای اط ساس سال ساس آد اط است سروس سا ا م اورورای اندر آن طرف ارتش بیمه نورون باز "ما او بیره بیرم مرادم روس الما محدمه فالم علم ما ما ما المحالم ما المحالمة ب ديون این نینے بون حید داشتن ہم ز اعر هدم مسماس هدم الله الحصيد معمله دانتن ارش یه به دیون 7/15

مهود (سدد. عمارسد. و الد مهم مما مرواصر ۱۹۹۱ و معاصله سنفت نادن شنتن ب انت معند سماد ودوء و اناها محمد المالم المحمد الماد المحمد ا ع ون يا كرديون أرض ب این بعوم این اورورام آمزر کادن اوکشد : عد سدون الله مرسو الما موسود والما معرس وعطاله موسد اله ارسم بویر این کاک فروز او آنش بردن آرنش ب اله اهدام أملالمه المحمد الما عد الما محمد المامك المحمد المامك ا بایج فراز کرفتن ارتش به ان جیار مس مراس ما به ماسه محماسه ، سمرومایی مراسی بلند وانتان از آن جاید ظاهر (of. 620 mon on on of 193) of it or miner meredia . As ساسه موده مع الهمها الهمها عدم سمس سمس عدد الهمها عدد الهمها الم ان نونس برسم زود آتش شفانین انس سعمادا فالمسا منه فيه فاله ما كا معمدادها منا شك لم اليون كردن سينے كه بر بر سه او رسيد وو ساط وسط معاد من الما من من الما من عدا المنعامة سَوْدُ مَا وَالسَّا هَا مَ) مريسوم سيساسم . وم سيس و وم سيد ام عد اوالمدا ١١٥١ ، معموم المعالم معموم معموم معموم . و مه کودمون په بلوم

Phononer mushingmon . He manger mmg myen باز كرديون في رات كويد • An مرسو ما ام ، كاكددن ، رعمادامه اما . بيمس كالم المسروس و المال و العرب معرب ماسر من المال ب آن چیار هاه راند افراه راند رفوروس ها م سرسد. وسعددسم ها. ه سدهای ، اله شهرمه شهرس اله ، دود هم در المسروس المدهمة مهدرسد سرهد ماده مادر دساكه وستدرس ودها استمس أصدم عا دمل ملاه سات ملاه اور باسره از رات معمدادم علم مد رستو المنع مه معامده الله مماادم عاد عا بهره سریم برم - باک عد كر لو لسرسة مسمع مسرامرا لسرسة مسرامير سهم لس لمهم المر رسماس اله المعالمة ما الله عدم المعالم المعا اض او راندن زرش ز مستعا سواامادا لينك لسرسك سروااس عمل له معمده مامر . بخندن مح

1.

المالام الله ممادادم المعل الممادم المرادم المادمم may mend whose puling may they more madellalle ومعماراته علم ه مامساندماهم سالهم وعلما علم وساسح بمسعم مسعماماها والمسر بمعماماهم سعما كام سرهسددمارادا كسرسك اسهارسم الهاد كد سر سيهم لموسهم عالما به المعالمة الما المعالمة الما المالمة الما المالمة والمالمة المالمة الم المام المها مام الما مماداتم سم المعاورات امر کا وینافیم سوم سومی کا س ہنس او عدد معرس علم مصطاعات الد صادام ملاه الد صحاصا

المستح المال الم المال علما المالي ماله على ، المال ممال المالي ماله اس ادر عرعد و عرب المرافع الا مسرود سود (تسراس سود شومرد معرف الدامور فاسع دورها سادده و استحواسادده و مدمور عاد و عاسراند بد العدرسامر وسع عرداد العمامة المعام العرام العرب سرب عرسو وع سراق العو سرب مل والمرادم دور عرادم سل برعس این کوانت ایست ایش کمان عسوا مسولة المام المام المام المال المال المالم الم المنتور محفظ بهنت اير المد هارات ما معارمة ما ممامه ما معارمة معارمة معارمة الدر جد شری آندر mon haily on 1 (no le transmin) et homes on bernesma کا ون 06 Entrope . milling faith offer the mos of territoffer نِرِنْسَن ٤ ون بِهِ نَيْرِ بِنْكَامِ كُون 6. of my many surgereme. Elivern (nechonder . ها سال سيد ان عساوه الهسلا كحد وعدم و الله الم ישאו האון האון האישוו האישייייים בישאיייים וופן ואף וופן ع مين په ابدون

١.

المستورسي ، الا معدولها ان الم عساف سلم . مساور الم عساف بيرن يون سركيل اها اهاد فالعصاف عاد سا سركم الها ىيى رسىن اوزبرس په عدما المسرة ره وماهم بسام العرام و على ساد باز او ځون مصل ما محمد مملا أملامه الوالملح المعملاة المهوم الحمل المما یرتن زندر کاه ناون کردن نو ناور کیان و کسیرد بنهان برشن اله أممار مماط ملاه الدومار الله المامه معمد الدومه و مراه کون ارتس تمی mer (gm). et sons fer embray. Erner . monden bre-monorio رونشق لملد عع. ه اسمعه. دده عمله ما به المعلم به المعلم المعل رمسيد والله معلو سر المر ماص موصد الها لمصطا الله عصم الصل ر بر کفتی ارشی ربریانکا) نشت دودی کید ون باج به بهم خنومن آن कार प्रमा कार्या कि लिंद प्रम प्रम कि कि कि कि कि یزیک زود زود آن بزشن آندر آن روز يئتن . ن عادمه ما جد مل مسمع دمهادا مسع ما ها عبر الله المده یرضی که اندر آن روز نه نید بنتی پس داند بند جند ي آن نه بزمد يه اروتي

سيسار له مسعم سامه سامه مهم جد وطرا له وهما ه ١١ زوني کن په خايد پس که پيکهان در آن درون hostelons ehope the bosnon hostelons moja milinien باع کبرنز خوردن خورید و تاید کر فرابور خورید ۱۹۹۶ کا کد دیهمردادم روس لودیه و ۱۹۹۱ لد دیسم سوس جنر در آن زرنی رئید سر کردن نه ناید ارش الما الم المانهم على العال مع العالم المعالم مماداهم المعالم ا بفان ینت بریر الم سروش ینت بنزیک بی ابن ایرون برید المان العادی المان العادی کدیسط معالد والد دد د یمن ولیپرو به سرونن، یفت آن بس زدش بر عد الله الما الما المادم المادم الما الموسيط الله المال المال عن المال ا المال الم كر او بكرينت كفت انش ازينت كفت بويد جر او على ود رسه ما المعمل علا معملا العلادم مدم و المادم از آن نر کفتن یشت کر امیون کوید این انجی او گفتن عهدمه عا دما دهم مسادم م الله تمادم مرسادم عا چ او درینت کفت بیپ نه بی شعبی بزیر در عد عدا مداها عا حد ماسه مدما معرم دمه المعممه داله عر آن که خنومن در آن جاي جد سروش پشت دوشان بر ما ما ما مرما مرما المها المها مل مد مام مل يَرْضَن بِن يَسْت سُيد كفتن كر روز آن جاير روز. 146

1.

المعاعدادم وما لسلام عادرتما سمسمم سهم دما لسلام لله خرریر بنت بعند کوید نه تاید کرد بنت بهند نه الله مرس من مسمع مدا في الله من مداعا ماما کوید این کو شاید یا نه بهم روشن نخشوس که سرس نهسردهاد کد درسو کد سرس سهسرادهاد آسک س پس روز پس اسکان پس آن پہ نتیے روز پس کر ہفت الله ا عسوسا سعد عرسو سع ۱ مه ۱ عسوسا سعد کد ان غیر که و رور و مابیکان بس آن اها اله ماهد اهدم معدم عدا مدموا المالي مام ماهام عا المام یہ سے روز بنی بت کے ایدون کرید این بہت از ہفت اسمر به بمسمعا مدما ۱۱۹ سمادا کاداری سات سافاط عاما و بس نر نے یہ بہت کہ دیدون کوید دین ہت کر صب مله عسل سروسه طه م مهم الله ما ما ما ما الله المالك کاه روز مایسکان دردافرود نه بش و نه بس کند معمدة علم مبلة له هذا احتوم ولم منهم امهادها مصمدما وکر کر کی نے بہ دیدن بنی بس کرتد نفید والعامل الما معا مهم الما المالم على المالين والمرابية خررداد روز نختزس این روز سال خردداد ره ع. او سسممر رسمدادد كر سددسرسا بخصار سعوادد سا برعماه کاه بینے وقت onsp-nhekhnegm. nhekhnsynmen. nhekhnsome سىردسى الم

1.

اد اور ا م کام سیسدورس سده بدرند سرسسوس دستوهد سيريوس المجانب رسمه و برسم ره رسم و رسم مرسم ، به و مدسم ماع مردر دور مارس بردم موقعم ماه بعد الله الماهم ماهم ماهم ماهم المعامر المردد المردد المردد المردد المردد الم المردد ال أذاء برد كفت بنت سددسرند. اد ، نهدر ورس سرامم به مسحمرس وامرار "ما په بر خرداد رور شايد کردن ہت کہ ایدون آن بک کوید یہ نو روز کا ہ صميماه على مدما ١١٥ الله عد ساميه به الملاقة ميه اس الماني سور له اله المحمد عمله المد ممرطه المحاطرا تر پر کاه میشن سم شید کردن عمر مراع مله طح واله مال الما هاب فعلم ماله المالية ار خندمن این یا فردز کرد این سلام رس و سعوداد مهر ۱۱۱ مه و مسرع سعود روشن آور رفر نختنومن ابن روز آت بورمزد (سان بر من کد عدسوس ۱۹۱ سیم ساسه ساسه ساسه ساسه ساسه ساسه الساس الله با من من من این من من این من من این من من الماله ما ما الما الما عمم عمم الماله ، ممسوري کیرند کیار کی آور روز که مابعکان کیرند خنود صاحب سلهم ليك المدرد دي و وسوره و س مسلم المارم الهم . سيستلاخ و عسوسا بها لد لرب يونه براك بروم بورد به عابهان بهم ز رونشن آزاد مرد کفت آدر روز

سرم عسوس اسرانع ، تعاسسه الله ، تعامله اسرام صاحب جرايع ما برهان عط ، بيايد وهما مكاسم عمدا محمدا مالم وهاو عمدا سعس سهو طمع لا ماد سعم عدا سعمدا عداد م بیت کر ایدون سام عس وسرا رسراها نسب مس م عسم واجدت المالية الدورود طمع الله المادم علم المال المراس سماد سه معا والد سر فام فيداا مع سالد يعاسب والد بيريو مستمولد السامار ماملسمها مع العرام الع المارم المستعاس أن بركرد او هااام حد ولا الر فام عما هذا فاملة عما دواها ادما او کرد که په کرده رسید ایستند سميم كد اله المرام موسود والد معاسب سد سه المالية المراهم الماله المحمد المهادم عما يوريو *دكيت ن* نختزمن و بهم س سعرفر سهد رسوم درسوم و بهد و عمم ما معمد الدور - ما ممل المام المام المام المام المام دمتور كفت

و سے ورب سولی سولی سے داسی سے ورب عدم وسع اللہ میں اور دے (دد. المس سريد بيدمرد براهم و ساميرها درامر مسعومهس مساوعدد المر وسطيني و المعمورية واامادا بهما وسرس اله المالم الماله ، سعيمه المالم سامع مراها من معدوم معدوم و معدوم الله المال عمامه و مصادفهدواهد و ۱۹۲ و مادهمارد (أسرهسودیر. و كده عسوسا ۱۹۹ سه سهد الد اصرادم انج المينان مادیمی فردسته در ما و در ساسیگی در رامه رادم imensent , dessenterment assistante دايدي. و مع ما م محمار ومع سدما على محمدا المادي في مع محمر مااان مرهان هاد على بالمان مرامانها ومال

marrie en en नन्न मि निष्ठ काक्रकक्ता कर गामामा کے سوم رسوسر عبر اس کورور میں کو دوں سور کرد د<u>چ</u> فردد في مرد بعم (در سره بر م قاسر سيوم م و وموس o sommer. o eferconnarso. o reguesta و سام طوريها سلطادم سعه و ساصاد عدد العرب -हमाजनात्मक • मका मिर्गा الحسر. والمام م المستعدد المستعدم م الممالة سمال المعلم ، contide of the conformation was very · ha en momenten . Mombronons المعمد الله معمد المحالمة المحالمة المعالمة معمل علا المعملا سيعفر و سعماد سرولمو عيد يكباريك بون

mos som envior of the last one of lost lost lost losts was be us from somme made me line la ortro روخن سهان الدرون او ماسم معوادما اله سا عماد معاممها ال وه مهر معرام هموس سيساس لسد امر واس ملامة ومرااما مرا عا ممااله امر ماها سأن ماسة معرامه اها اهرامانمما عار برمد الله ممله فعله اله الملاقة معلقه محاساتما سعما ادريها سام عادان سام وراه ديرسا سعما مسعوري المساملة معادا المال المال المال المال المعدد المعدد ک شاہد بوط له ماسامها بهما له الم نصم ممالها اس سامه لم رو نیرشن مشنوس بین

هابع اسانه صالع فالتعد رف بلعد هماسسد اسانمان

from mind. . may A min prost mat A who girl دد مردم د. و مرود مرود عا ۱۱۱۸ اوادم و کارسان از كردن درزيد بيون الع . وجسان باساسس ساء بريكوس وعود هددماددهماند ، مسلسطوع ، عدم المعرب عدم مساود ه ماسه د مراه م المعام الماها والمااا . خو رد الا ماها والمااا مع المر وسر ما معلا المالما المر صدالما الماعا . ساهيه. و فاحدوسرسيخ و عمد الله مادام و الورد المام المامام و المرسوس المربع . و المام المام المرب الم سخصورد اسرام سعم عرا سعمارا عرار سرب سعب ولاهم ولله لله نسطور والعلا كالمر ما الله علم زور این مند मिन्निक क्रिक न्या । क्रिन्निक क्रिक

مسله معرسوس م حد مصل مع سرت سرت مدمر مداري از آن پُرخش الله این مید جد تر بید نراسوم بجيد كان سع برهسود ۱۹ کار ۱۹۱۱ مرکب مصدام مصمدم مدما عدد المعدد المجاد المعام المعم ماصعا الهد المدادم سوسعم سعم عار سعموا العرارك سرس سرعام الاوا ددو سرد بن بت پر بن ت که بیعن کردید المرابدا له يسميس محمد سحم المعسر مع المرابدا المحمد وأدر مماداتها مته الما الما مستمر مماداتها محمل عدا سعطدا علاالي سالد سعط معمداوس سالد سعط سامع المد کر بدون کوید بین بهت ساده کی بین بهت کر ز معاملاً من الها ما المادم سعر براهم ما المادم سع سن كا العا سيم كالم المحالم الما الله على الله اعرابه سوس سوموسه الحا معمله على عداله عمه و محموسه ما الهامه و مسلمه المجامع و مسلمه المجامع و محمه الهامه و مسلمه المجامع و محمه المجامع و المحمه و المحمه و المحمه و المحمه المحمه المحمه و المحمه المحمه المحمه و المحمه المحم

وهم و مورد المراصل و و مورد المراصل و و و مورد المراصل و و مورد المراصل و و مورد المراصل و و مورد المراصل و المراصل

سلم الله معرادم ال سلم سل فيهد عمد الله الموادم سلم رويد سهم مهموده داس مسردم موس ، ورسم، ومسعىدرير وطعا ما الما علم عا سر مع عمد الد الحواص سمد ١١٥١ از سے کام آب بے روید ارش پ الله وسار الملااميا معلامه ممكسوما ماهم علم عامه على الما الما المادم ال ب الذر رويد ن يد ك مواهاادم مصدم له مسمع سعم علا بعدا العداري سلا اله عمم مسر م مهماما او هس مسمع عمد وماه مستعل سره معالم معامل معالم معادي الماري الماري الماري المارية لسلس بردیرادم سرسیم سرم لسل بردیرادم اور سورد طماعا سوااتط سمسعط شعط مصادم دفا كالادادما ووس قصوب مع معمداوم ف مسعم سعمدا عدا سعمدا عداد سرد سعام اد بادم الله صلاادم عمام ما معدم الهاد بوید که او بهم شاید وس علم مدملااتها مواللااام الله مامامه علمامه على

وسر اسرام طمع مصادمه عمم له سلم مصدامه وياسانه عد او تهاسه الموادم من مدمور طوم ومعالمه سافاط مجام دی سازیم به اعر اوامر ایجادم مهم . निक्तीको किमिनिक कि निक्ताक मेर निका निका निका निकान وسعادم شهر طعه مصداص اله الحريب علم الم سرب طرية ساله بر طرية مك مهديم بيوما المس عموا ا John me gi boilton ma le ontero tote افا ، ودي مراوس ، افار الله والما سفو مطاامط عملا ال 14 مهم اعال عا طالما السر موايما الحما monionen toth domethen to monoment toth & borrow الم اجرادم مصدم علم ملك الم ومرادم مصدم المن سا او عر لمعسم ، سالم ولالمر) عسمه

اله ماهم سرهم سراب س مسموه ادمسه الرام سهم سرس مسحم كد ١٤٥ أدم مسلم الله ١١٥ ماكرس اله المها " بيم کار ت الى بى مىدودادم سامام بادى بوركاردوم سىسدم ، نن پر ا عدم ا محمد ا ما المالك من المحمد ال سريد كد بيسم كم الهرمان موالادادم دوالادادم كد وا لعمده المحمد عد عصر مدهم الم المعمد ال وبلو سال علمو المام لعا المامال سال هماهام أبن جن منان من دمان عين جنير سام اله ما معمد المعالى المعالى مام مام على مام درسیدن شکند ابن بینے او آب اد بهم الس معمدادم سرد دوس مها مهر سوم سود

وم من ام با با با با الم وا حد سواله به الله وا حد سوء نیز آندر او جری نه شعبتن ن (سود کی سوسری کی است المحد (سمر دولاسود کی است دمد، دوستا الم اله معلمات من المعلم الم المرابعة کیرکاه کاه ردی رد حواندن هاده مهمدادم سع درسامه رهمه هاد ساميد اسدامه بن شنن رفستن به بنهام کردن العسميد (سام دي العدد سيم عدد عدد دسد و راد دوس العدد سيانه معمسدده و ها ره معاهد عسم المعامل الله و و بعدم رهم سیان اورنبرن به رفعان اند يع صباط سالد در العر وهما ساد كد علما مع معادم این دو یار او برشن کید آن که اندر آمید سرو که سیم فع ۱۱۱س ایکهادم که او نواسر ایکوادم عمر ما معدادها ان عمر اس الطروم علم ماسادها سيس مه سوسه اعلى سوسهم سوسه المعسم این بران که بورمزد حمد معادا الما على ماهد وادم علم الما الما الم رور وه یشت نصی کی دردمیم سعم علا سعمان علاال سلس سلم معادار مع مهور 'بغیے ک اها سما معطامه موسد اهرساله اها سما درش فرامهوم ب کا ون

liber ite ber bermen hilmitaleren iia van mitai ہت کے ایدون سل طافع الهمي اله الهم الهم المالي ما المالي م mofue mose monder materiale international company and the most of م الادما رامع المعمد معادد المرامد المالميل معل معان ور ساع عاد ميم المعارضا سال اسمماهاسر ماهم مملع اهدام الحرافط مهمه سماه المرافع لسرسد اسهام مهاب وكرا سرسه اها معد راس راسي سرس أرنش درون این پ وأيدى منسم سلس فاسه سمته مساا تصماه وطل ملاه اله و كامل ما من من من و كامل المناسع مرا و كاملا دكرسرانهم مع كد بسو سوف عد بس عد بن سوراند لت مسدم وكرسام سب سيط لد نهيم والد 116 كد سب ره معاهم اه المراس محمد موالمامم علا ها مح ورا به زوتی بنت ایستد کر رز آن درون الله الملاصل المراهل المعالى المعادم المعادم المعادم المعالمة المعادمة المع نٺيد مواكلاادم لل مسموم سعم علا سعمال هذااق ساعلهم الساء ہست کر امیرون کومیر الع مين عبرادم سعطرادم العالم عديد عد و ننر نندر آن کاه چینید بستید به دیگر کاه پر الم خاا ديهم دوالهاادم لله ميسم ا سيهاماسك براهم الها ز نید و دستور زن او نینر که رفیتن نه m so mend my 62 mon - bondenna-nonnur-chere اندر آن بیجام خوردن کم حورون الد الحرب مست سائلاف (رهم الهراق المن الهرسال مست ما ما الما اله ساجها مام مرسمهم مام مهما المعلم مسكم خورندن فردز به د) مددس و ۱۱۹ هم مرابع ۱۱۹ و ۱۱۹ مرابع و۱۱۹ و به بهد بنسطام كردن عىدى دوسدد ، دى سرئىڭ دەسرىسى ، سەر فۇرىسى سى خىدە ، دەسرىكى بىرىدە ، دەسرىكى ، سەر سىدە ، دەسرىكى ، دەسرىكى ، ود معاسدهاد. و ع عسما سروهم الا المرسمهامهما الس از میانه اوزبرن یه بهوفرامشداد یه ایمین ایدون ارسان

. ہمرلور pamas eriei e-monthers ति। क्रमिक्समी म मेक्समेह این ہمدارستان 1).

ميدادم ستة باسر هذا مين الممل إممالاهاذا لم مميم رود په کاه نونش خددن نه نتاید ها كد سر مستسد سعد والدورد و م ما المعا ہون ک فالم عدم المحاد المحادة المحادمة المحادمة المحادة المحادة ارکش ہیں چن اافل ہوں یہ عد دی سروب ہن ہوں اور ہوں کوس راندن سر مع اسرام مع اسراسه سعم عرا والد دمه سد عاادة اندر کرد آندر کردن سبت کر بر بنت این کوید المادم المادم عوامل ساس علا مد المهاد ادما المادما از آن دمسید دانید چنر بن لس بصدم سوب بدور لدور سد همرس بع مامادم والب صريبة سيه عما دوالهااادم مديد المنع ساب دوس الس عماسة المام المامي عمالي المامية المام المامة المامة المامة بازه این ناید کفتن رخی رور لا عدر روسم موسد معرف ودر الله المهاديم رئيتن أرئس שוון שניפי אינואפי שוון שעויפי שנפי אינוואפים اط صب عرموس عرموسور سو الكوروس معصد تعواصد لسرسل رونان دو رفتن درنس درنس باز

الما سرق لعداللااعد عسلمتون يما حساس سي من سمال سيكو العرف لرمه صواامم سوب مه مراد لد اهار كاسلا كذائن رون روز ديكر عمملم اله يه عمد ملادما هذا محمد مملا عمدم بامد مملا عبدوم مدما الهامة وفالمامل سع مد كاسر علمه المرابعة على ملاف ماله ما موس موس مار عم دورها رس ما ما ما ما ما الموال المرام واما عم فا دواعل عم دواعرا دم بوسما كد راب سم سه سلا کد سه سرد و دکرسرام کرد سهم الد المحدد السروالم المع المع الم معيمادما سالم طام سنما عاد سعماد عدد ساهاما والد سيد نهدر ورسد بر طويها الله الماريم بهم mound on o رفت کر زرش آن کوشتی نه به دوستا

عرف عدا مع شرسه و سرس مسعم فهمدد عد العر عسد مسراوس تايد رز دو کیک بین الما ي المالمان المع الما الما الما المالمان المالمان المالمان من سرهسدم ا برسهمهم وديد بر صفحم أسلامالا born grand des mes mes mes mes mes mes كادمسنيان عدادم اهدا كد المور كالا الهد ما هدر رهدم المعملاء الر رسمانما استر مصادف معمدالما هدا مملا عسدما اعسم داس اهور ساسه عمه دما ساسه اسر ابن الماريس المحمد المحمد المعلى المحمد ا - فركاعه عودى عد كوسوفس (معرد (هرد وب العربيس الهام والمع المعرااص من و عراسان سعدملومله يتتن كبخت الووليروكرع

سراكم المراكم مهممهم م المراكم المولم 116 عمر دسدم عدر عدده درسد ، مي سيرهم و الورد و معمسده estant on the proper may demand the same of the same o الوول المعمر المهم الم المعم معلام مهما المعمرا المهما المعمران عمان الدون رمستان الدون يه عامين الدون هدا سعدماسا سلعلما ساسه علم ومعدار تعمرسه اسالم این کے گزر ظاہر ، کردن سام سرق اله اعدماسة كد طرا اسلام شاما سما ها ظاہر آن بش کردن کو ست ک اهاد لاهم سرم هادات سرم الله عالم معرساتهم یہ رفت این کوید این سلم ماسه اسلامل مهم مل مراهم مام مسلم مادادما هاد رین آمار کرفت آرکش روز او او باز مسمعه معدمه مع مسم والله لا الله عاد المسطري الها ظاہر اندر کاہ ہر دو بار وامره کد السس او سکران کد وامرونو لند سکران سهم کرده آن بهرام او توری آن کسے ز معصر سرب مرسو رسيروي كرير مره لدكس سردرث معرس يُرِشُ اِينَ مَارَ كِيرِنَدَ بِنَى رَوْرَ شِي بِرَنَدِ التَّتِي نهاء اومنس معلا نهاده اسلام مسموس ماسهاسلوسا كتد ديوازكم العربية بعد موسيم وس اسراي بها له ليد لربه .

وملك اع اسانها سمه رهد اسانها محط عدا محمداد केम कामा कान जर कित क नाध्यक्रियाकन काल कर हु سرمد الهراه مع مصدم المعم الدام المادم سرد ا مان محرام سسم ماسس مهم سهم الهما الهداج فسرد معسمة سمعد مسطاما

عادمادا سته معرف ماددماما الها المما جاما ساسه المالك . 7 mg - mg mg m " Weenstromen In Josephen on ל כוכש ساعاط سع مصرا رامه معمد احدم المدوس رامع . دمهها مع دست و (سلالط. دولد، با دفعها ط. سددند سددسوسوس كدد معامم مرك الاصلامه الله سعمال الم ليوول ب درون 6 مرهماري سنه ان عسا صادرها . ورسعسي إصدعك. سمامه الله يا منه الله على المناصلة اوخن بويد اعده سميه و المعام المع من ما درم سروس سا لرمم ه (જીરહિન્મ્ય ફિલ્મિર ફિલ્મ સ્કુ-मा वि वित्युक्तका का का कारामा المراها المصافية المحصلة المحافظة المسكوسي المحلاماوين والأنسط

س سعمارا الس سلهمامان ernanglar es alguengu اهاه عادما الهاممل الممال العالم المعالم الم دیرسریم سردوم مهسرا سیطرس الهاسرا فاا لها مرد गुमित कर निर्माता मितास्त्रा

سطى عهد الساسي بياسيه سردرسد مهد (سوم د الأدرسد مرس 116 اله تعددوادم بالمعدماة اله ما معدما مسمادها ططها داس اعددودما ساسددماه داس اعر صدمها سرد وسراردم سه رور رهموم وسراردم

me month fold on chiled of meno न्त्री भिर्म कि कि कि कि कि कि دومه د. ورسردس دو سايع که روز سرس سرس هااس الان سيسوس الله معادم الله الله الله الماسع الماسعة سام عدا ره اعتمامة عدا مرابه ملاه مسواسا معملة ساقاله مدرسدس عالم مسرسود شمرس همامه جدمه او آن داد دع سهدمد.

، (شعرورد مب ساهد د سعمسد و الع و هم شعر د سر و العاسب سهم استر به مهادام دوالهدادم . (معدرهادم مهسددسد کاسد اسهساسهم . هدوماد ردم دو سمدوهم. more shor in opines opinion in those some • معامد الرفاهما بحد اهمها محا دفاها الحما سرلس كدددم مصعماسة اعمامه سامه ممل المر ١١٥٠ ممل هي المراق צאק

اس سرط مهو وسر طعم عددد سرس سهو رسد الله الها عا مسرا مها ما الله الله الله الله الله المعهامان وسر طوم سم عادات سرد. معماله سرف مران الهمادي مماه الم المال المالي المالي المالي رالد المعلاها معل الله ألما المعلى المهد مكا سعم 14 سعمار المرادم سرس سعم سراي ايرون عد ما مادسه الله عد الس سيسم سلامدم دوايدادم لمرسب و سهام ۱ر

ساماس لوسه سرب ساع ماعسر فسيه و لامم اعراقه لس سوس مهم معمد الكليد الله معمول فيهم لس العام المال المركب المال رودمام مسعم سعيد مراس فركس بعدودامور راس بهدر ان به المساون على النام المناسب العلام الما صدر الجماريم بمديم بملو كلماد، مصلو لرمم اها كالدكر معاديب الع وله مصحما مله اله الم مكاله مل اله ا سهو كدم اله الود سهره الود الهدا كدم سددم ١١٥ سددماس سرب المسروسوم سع اله المحمر كالمر الماساس كد هلم عالم من معمده في مم العلم المعمدة راسا ، بیکما میدما دفایکراارما علمه کا به میکماارما چیر در تن رسید المناهمة الم مسمور على تحد الهادي مهمماسو لسر

ـ سري مروسرا كس سسمم سكرهوس اکعے د رورس کد ع. سرسکودسدوس و لعربعا العرب عد العربها لمد کد وسرس سع لس واسس اد سهم واسم

محصد مستط ، (معاد وروس معاسم ادمساس ما معاد مسارد. म् मि में डालाम मलाका मर मि । मि मर मिनाला मर मो حسمام ساس هه ۱۱۵ مردسمه مسمع س دُرتس ماد هدا معطمه عمل برد اصعا ب ظاہر مواكلااامع مصمعم الهاع المرتب الالمام صمعم كمامه کونت مجت العالمة ومد مله الهممام المدمة المحمدة سيدم اعتماما سيدم سياس سيدم مدم ها سدماد मिस्स मिल्स न्यान्य मिस्स मिस्स The fine - min tee 1116 tons الله لم والهرو لعو لمراس الح سله لمها هم المال مادمار صدادم سده داس سعط العلم الحرف على بحد ست شیری کونشت در آن

سرسه نهدم سه نهسراسسراددسدميم. كسم كالمدرب م والم المال معدومه المالي معادمه ماداله معادم المالية سي عدد من بياي وسيدوري بي من يو دريد م فعص رسد مفساده فاسع معرفه عمد كد مسامور سوما في المعاد عادي الما عادم المعاد المعادم المعادم المعادم المعادد ال اميرون کوید ود مسعد الملم معرفة عمد عدمالة عمد مع ١١ و٦ وماودو ساهاسا معم عدد عدد الماها سغي آن سماله اافق فعافره عمد سته ماالد فاهم جد ممااهما أن بر الاصروبال رسمتم ان سلم اطر ُنظرو عد الما المالك معالك المعلى المعلى المعلى المعلى المالك المعلى المالك المال ادی کد ادی سرای سر دی سراحم بردم کا بری براید زماده آن زماده روغن يرمد روغن الر 144ر

K

فاله عدمه دع المحادم المعاوادم الماحدة ساء جرام ہر میر این سوديو وكرسراده كد عصد ساعلم دوما سك دوما ومعاددماس ست جد اش جد دادستان mandered 31 ferro 1161 mil gloss better to 1160 يه يئت تا جراب دمثور ب الاصلاما الماعم معما ممام موالما العالم المالم ایستنید به درون لا سيدم اودبا مادا سعم 16 سعمادا كاداق ساس علما ست کر ایدون کویم رین که سس مسمع مواهدادما والا والم المسمم سا المسم یه درون نه ح*زایع* معد معد مسومات الحمدامدا عد معد مدم مسرة العمر المعرفة ن من من عبر ٨٩٠ ق معرف مددمد ، مواهم و مدمد معرف المرسد معرف المرسد معرف المرسد بتوفراتسمداد مهم و رستماعه ، محمون مستراسم . هددماد، سية رونش ۲. فعز سالد سمالد اوژ ومزودو سعم دورها دورها بياس المعم معدالم هلم المه المه المهام سمماله عدر ومرودو سركوب السيسسم ال ب ان هماسس افعالما بهما معماله بأمام معماله بأوامها جزیع کتن که داوریر نه کننه العدد المار وسوم وسوم المراجعوب مماادم عموا الماعمة معمد علا معمدا الماداري المه المعليط عاود عمه مسم ایدون کوید این بمث میا مه بس المام مسادما سع سمال مسالحم عملا معمار معمار المسام المالم بويد جون ستور ديم برنيز ما الم الم الم المعالمة معمد المعادمة بي كسي مدوسة والمعادمة المعادمة المحالمة معالم المحالمة المحال يرنش يزدان كردن ارش مل مواكد الماسك عمسه عومسه عمال الماق المرابع ولم بعدم درون او پرکشن بی مایی نیز مایی به یشتن منع معرا هدا سافهاله رسم محاسم معالمه سع المالمة بند يريد أرض خننوس بهوم كردن عاد سادوما اعتمام ساء ساء من الله عدم المعادم ماهم المعادمة أرنش ينت سرس مرا بر عمدرام مسراهم سهام سرب سر برمهاد ها این درون دو پذیرفت بوید ست این را کورفند پر سرو لعرب لسلد وعرس روم بعد سه مارا لند مسمم مسعم ارزش ہوم درون نے شاید بٹت الموم درون يك به دو د دو به يك ز و كادادم ساس سكم سك درد ديرسادم سهم مبداها ساس دین که عمرم درون بزرمه زرتس

र्वत्रम ताल काल कित्रमान काल स्था मिला काल स्था निमाल اد چیز این با فراز نهید اسلامط سعادا مسادم عملا شعلاس علمه سلم ورون بعين بن برد بيد عابي درون اسلامه اسمادا مساوم المساوم على المعالم المساوم المساوم آیون کر او جیئر این نه المالاما مواهااامع بعوب عدمه المالمام عود المالما زرش چارشنے رز آن بن*س کر*د ساعد مراه ما المربيط ، رسف دورد بسر سعما بعصاب المحمد المحمد ماست مرتبن سر العالمات. ، والماسد على المال المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي الم المالي دودماسر اسكاهسم. و علم عمد اورم ما اورم الما عمد عاداع سعم رادمها ورعا رامع رامع این تینے که بد خوارتر و آرات آن تاید

اسر سمام مورس به مد مد ما ممام الله المامم فرمان جابک رز آن از شاید کر آت مه مرسد اسم هاام دو ۱۹۱۱مم ۱۱ س م کد مسمم دورس از آن شاید اها کاسر تعاسمها دامه بواهاانما معاسمه عمر الح كن ايستيد مسمع ها بجرساته مس ا فصابعا وفاعلا امع ا مصله اسر سريد المسه سريم براوم ما ماهم مادادهم والمعادمة خوادتر كفت بن كفت الله وسر اكلام مواهرانم سيسمع ، الس ز ٺ يد ورٽس به کار روید ایستید ماااید ممریع کا مادوس ممروم کا بد ماده هوماده فيد بزين جاير ظاہر معرب واسد سدوسهدر واسه واسفيسوس مهره ورس بینے سری جنیر مسعم رسد لد اعظم العلم والعم والمعام العاب آزار ز كنت تبنيتن آدس الم المحمل المعلم المعل چیر این بر دش ارش وانصر بهم رايد الإنجام رايد بهندوانهم رايد يتكرانهم برمدن 15 - elleges 110 borning diesery en borners diesel o ت پر افراسته ت پد که اول او in bread has brown brown borlyn jon brolynon

صعامه سال لسل بادمادمه بهمد ارد معامم ستن أرنو نعك المسكسور يع وااصر والد بسلطورسومولا كرصع موموسو الد المراملا او س فالد الحر سرد الالامام سہ ہر بار سرمعدس سوس رواد فرس راس مسرمه رواد دامرو سو عدا سوم سالكد اع ولابونو انو العابع العملوامل ماهم الس سمهااملا الس مماوامل سرمع والم سالمعتب ماهم سمع دام مروامه مهم م الأسددس السرايع و معه ما ما न्ति काक कामात्र किन مشهور ذرنش باج فروذ المالم المال المال المال

وس اسر مها فيهم المحاص الله المالي المالي المرابي man my tolem me bezille illoon 11e bon bornin المروس المعرب الماس الماس الس المهل المعلم المعلم المهم المها المها المهامة سفدر بهما ساس آن ما جمع مهماادم شهم السر ادمم ۸. الس تعربه الماله ال الله الله على مسمع مسمع المالسود و معمدادم عمر سام الله معمداد الله المحادم سمسم المنافعيا عبو سلم علمهم سمم المنافعين سم الما المعرب الما المحدود الما المحال مرمدن

ما ادم عمد دیا دهمدوم شعمه سمر عب ما هم في المحال المحمدة الم في المحادم الم معدودادما محمد المردومة سام عبع من المام المال الم معمدا صداده عمد مه مده معمم علم ما المعمم عدد ال بحرن مسمع فلا اعل العرابط الم سموم عدم عاد المعدال المادي المعد المعدد ماده المعدد ساه سواسو عنه سستو مستم بهمام بهره هادي

منس مور ناهم سلطم الله الله مي وسفاده وسعاد وردست واعده (و سددسع. و عدد روسمس الاسد الاسد المساسر الاسمام. م لمرسب القد والع سماسه بعد رامع الله المرام المما مع الممالحة اونتان آن یا اول فرود الموسط الها المحدواام دوالماادم الها المحافظ الماها فين الما المالية عوم سيع اسم عسم بوست (سوس ولسرس سيس فرسوس ديديه

مد. مسددم (درسس باسه وباسع واسع في سيكمد. هر الهاسس كد سال سادلت ايمو سيدد آن این اندر طوف فرنگ مهدموسو نه از مسدهم کار وسد رفوس وسد کار ورزیدن کار وليعدهسوس عرصوب سدى ودرد اسرديدهد، ولرددهد رسانه به به مرون من العدي و ده المارن من به به المارن الما الدون ردع HE कि त्त्यान्य तम मिल कत्ताक मिल तम कर्मात्म ٠ ديگر عدم ما سروس سروم موالا العالم الماليم العالم العالم العالم العالم المالية

مرسامه امر مساامط فراه في بله مستملا الم الم كرفه از اين كينار سدسراس سرولور اس مسرولور والد مسادم والد ، سرو سرو إصرادهم سعط علا بتحملا الملادهم سامه المهل ممله الم اليدون كربير إين سومولاؤد سرد الد المعادم مع سلوم 12 معدادم معددمال منام والعو لله منام السب منابعها ا والعو للد منابعها السرم المحاطاة والعو للد المحط المال السرم حساسا ، ختىندن menten von my 2012 . ektimentine. egnonsminon کرفہ نہ ه مهمه مهمه همهم و مرور در رخ مهمه مهمه مهمه همهم مهمه مهم المرور در رخ سرور من المعام الله المعام المعام الله المعام المعا وام دوالمادم كعي سرسلهم السيساريم ، له اعدسو المارة ماصلس المنوساق عبسوساق عفارها. خرابه به جمدا دمشان واجدا هماسس سمع ها سعماه الماادم سهمام خراب ست که الدون کولد ست

سرسامرد لله به بهماست سرسامرد فلسد نه الهماست خراع نوارتر سمدادستان الهرام معرب المعرب المال المال عالم المال ميمار مرد مه سله مر اله المال المال المال المال مال مال المال المال مال س همه مهم مهم مهم ارد و مهمارد و مهمارد م ودها المحتى بعدى جواله المحارك المحتى والد ملام على جد المحتم man man man e monde mon man و زمان کواردن از مازدلسان دور معداسر بها محدد معرفين (سال العدمدد) عسه الله عمر المعماه معلى المرادم المومه اللهم العرقد مطريد الهام سرمادات سراله الح سلامهان سته مم ام معه اسلامه و کمه دوسد. ورس دوی مرسم عن المالي من سرو ها من المالي المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية

سرد صعمادهم سته سه مار که و در او ۱۹۰۰ . ینے یک دیکر او بزدم om . women j. wom omenwang nom examen العامس كدس الها كدس الها صديد الها عا دميد اين از معدمية العصامة دلما ووطامه المعم ماده المعمدم والماها المهمة ظاہر درون مردش کے حدازہ مانیت معودیرزد سوس درا معرب مود اس اهدم کرمسر کرمرسرا راس يْرْسَىٰ زُومَانِ رُومَانِ درون سروتس سام عد المال معسى وس ياساق معصم الماق راسیے بزید نیز شاید زود آن سراب سن ، سلسر عبد الح الح المحل على المحل المح ہند خرردن چون کے او اوتيان خرردن یفنے کہ شان کار امدر او تكرسروس راس امالرامع مهمس اها لموديهم الس مراسم برملم بایدارمایند ازن ب سر ب بها سرد هامه کست بریس ادم و محرید ااوامه که اهافاوار کفتن و دادن سروش نوناور رنبو دیرمزد عبدد مسعمسرا اعبد معدممه مراها وطرها ودمام اتف نروردیکان سروس سيساعه. والحسور سيه الفارسرسارسارس. عها مدم مدمادم ، سمارمها ، معربيم دأربر

سدد سمومر م سل عسره مرر مرساد. کهرولارسوم سرعدد (در سرس مل سرسم المرب مل مل مل مل مهسدرساهر. ه ع ون moc (mork Duthma. 1 61016 .6564367676767 - 43 con). Mommon . Athron mon . Ex المن على به و دورد مدد در دود د دود و المنابع به مر و المنابع به مر و المنابع به من المنابع المنابع به من المنابع به من المنابع المنابع به من المنابع المناب सिक्ति। ति । मार्वेष्टिक ه سهسردسرعوس رد [رتهووبرنرد] عيد ي ون ساس سمرم مر عدا رسدد معمد معمد معرف ما وال ودمها رزش أفرنكان

ه ، عمار العمد تعاسمها ، المحمود ، م و خانه الن ن س فالمدد سلساور ، عمر صوب معدمادم ، مصراعوا مسههددسه واسوبه رددسه سلهاد مهاوس مرسد و سهول سده دسه 1. عساسد. تى ساسد كارد. س. ما. بن ف. ف. س وساو و ۱۹۹۱ بويد خنود ل برش نیاش مشنود مشهور دو کانه کون ورش ۱اها ، المسابحة عرص ، بهاسعه ، عومس جمه آفرنهان المديد الما المرافع من مح الله على عد المحمدة ، منها آن ده روز به فروردیکان آن بنج اول وليونود س والاندرسانيو ، عم تساس سسادم کاه دارید سيسالها و سيهدرسهمر عسارسي اد سيسسد الا واماه "، کرده م) المسرم و مسلم المسلم المسل دليس مفي خانه وسنسهر رسيد *ڏرخن* سهد. ه ۱۱ ا طون کد واق ۱۱ من سود افر افر کاه این سياع. والمرسل والمرسليسان. و الله عما س مسره ۱۶۰ - دساله ، مسهدرسه به المالمي او ، مسره ميالمين وأربد ہمود مرد سيساسد الحد او موس ١٥ مومه و مساسدما أرش كرده يعيني اخوان آ

بعسيم. و موسد مهرسها افا المرسع افا معمامه و بعسه أرش افرنكان به سر به سروش ع. والحقود سر الارساس و مع بسب وسوادم و سوس באנע سوسرا ۱۱۶ و دولسطىسسورىر. سريه ساد دىسودىر. م كرده وامرو م اعرب المراجر و العالم المركب أرش افرنهان سرسد کست هم سرمرسد فهرهم کد مهرسو کس رقدم دورالهرادم بادنته آن جاي نه بت اليهند Émesonion manter en l'entrement en en entre cinfa ع. عدد سر مح سا مس او ، على عدورك جرس به المراهد . ز کر یہ مریزمندان ه عصري ماه معموم مس معما صداده مهم اوا بیوند یفنے چمن بوید کہ onshow my with the month of the month of كسديع. ساد برواع برد و وحم اله الله الله المهم سالمسال اها ودورس و) المعا المدرد المودون الم سسم، (بمعرو (دم يع، • عمم عمه ١١٥ وسع ام ما معمال و پ 1. الا دراد (ماها و العمر ما العمر المراد والمعرب العمرا العالم المعربا العالم المعربات ايدون پ فراز نہید

ها معطیمس ها مسمسالی سوم ايدون محمويد om where A pl they ere her pl her been اله المحلمة بع اله المعمد والممل هام -ايرون سماع مراسار مده هام هام والماره لعد عىهستوند. ، لله الله سامهدالم سه ، عردسلم. ، أ Ohn o . 262 mon J. 2002 m J. 2 me om who re garden . & ارهاممها بحد ساس ۱۱۹ بسم مهاای سته ۱۹ ما ۱۹ مات بعصرا موا هذا ومسمع الس مجالسان الملاقب مه معمل الم المحرق

سعوا ماهام الماسم عساس العالم المساع المساعة المحالة یشته درون چون سه به ختنومن رد مبّند مبند سه عدم ملس سرمها المام المعالم مع به نسم أرض بر ملند نهاون رومان بشتن امد آن کاه فكرسروس ال كد بسول الله الكرادم سهم فكرسرادم سيسدم تا آن کاه به روید کر بیرید زشاید واله على مرمه ملاهم العلم المعلق المعلم المعلم مرماهم مراهم المعلم المعل جه دولزده بهمایشت رد بلند به زوتی یشت مواهمااادما سال طعم الهم ستة مسع مداهماامم شعم جم یا یا اویر بینیه کر بشت رسیند کر آن الم زمماني مدروس المصلحاءم محمد معمد مدمداهم مام رماهه الهم الله عدموانط سمه مده مدهم سار مرا ب چید اش دوازده سایشت این درون سرب همردهم مهرا مع سب سب سرو سرمسدم لند ابن يديرفت بويد اين لا جب كي بمايشت العام ي احتمام الما الما الم المحمد عدم الما المام عدم الما المام ظهر وسيرد درمن به سر مانزرفنددستود كفت ساعاما الحدوم اصد حورا ساس عودرا دما المام ساعاما ورون این پدیرید بست اد معا عما المراسع هما ماس براا الر بماسالما عما وسير ام پرشن درون او پشتن کر يع كد مدم مده مناهم معمدهم وماه الهمر ١١٥١ كرماهم دمهم دوارده بهایت رد عبد به مفه ایمن میل میلی رضای افر تصم دفایکن اصل جد درا رس

tollen of the description of 116 los bolled sons . طاہر صاف المع سوس الف سرم الله على الف عاونه مس موس کورفند به کیا بارکی modilical or odi Ad pr ostulical moment . I mother of m. exhimmen exhimmonne. exhimmonn. تهماسد العلاق بالمسم جدد المراساعين بداسه الماس المرب المراسة عاد، ، عدا عا العلماما عما معد المع وما ماد الأ^{رز} اوت نيرمندان Then on moment in June many to main علمه سند عا شدمسارسر موادم ، اعربه مسددمة ، messervinanting. . exhibition in inthemistrasson لممالعمه المحاله عر عالمها سملمه هو هاه معروات ، سدردد في وسدم دع. سوسه وسد سعم سدسم الحراق المرادد في الم ாடு பாத்காத வியத்த சியத்த வியத்த வியத் வியத்த வியத் வியத்த வியத்

معد وطروس مسات معدماهای اس معطرهم ماه معداد احوی استمند عمد مساور دول بهم المما بي ، هم المان ماما مان مامان المعامد که دفان دوز بهرد بش که او علمه مسماسر ه مساملا مدم عا مدماارس وم و رودی مرتب می ساوسوس بودمورمور او اور ساوس المورس يه بهم خِرابِهِ المصادم ما الما علم ما مام المامان و مولو مما المام المورس المرب الماليد المسهم المرب المهاعم والمسلمة exenon-journel-expopen (. Egnerman. in winn exenon هاله له معام الله ما ماله معام معام مع مالها و क्रिक निकालन कि केत्रकार का निकालन कि ہم کاہر ہم آن سام مرابع به اهدا المام و المدال المام الم المع المعامدة مسرساع. و بها المعاصل المعالم المعامدة ا دن ن pom o ikmely woh . Exercisomo. Exenon. John ، وٹنان آن نٹوسر

مسر سرد معرام سب سه نصم الهامه ، هدمه الخ المحمد ساهمار ماله و مهم عن ممام من من من المربع . المربع الم . स्रिश्<u>तितान</u> मार्शः स्रिशिकामत . म्रे و بردم المعهم المهاد بادم مراواد بردم بالمعانيا بردم عسمه في المحم العلمها كد صودر كالد دورام على المرا المرا المرا المرا المال المالم ما المالم ما المالم سواله بسيم اصماها المام ماسراد و موسر (دري والعس معط للأسسيط. معمسلاط. اسمرهط. الاستاكالم nother basing the both bon parachh

سرلس ، مهده اس سهر دسهم، به معدر خ اسکورسو اس أراكت براد رسم مسمسور ، راس عاد عا معلم اعمه عامر اس معرامة صاهم اهد جاهم محدماهما ، سي مدوردسي. سالد. ورد يوي. و مدورا اللهم در مدورا اللهم س مامهم ایدون که دو ایدون که ست جهار سرد (هم ، مسرد به م ، مسم ، ورسد سومه ، مسم . ورسد سومه به . سر بردهان ماله بردهان عا فطهوس بادهان سعالا ید کورنفذ در برکس عما الله مله الله الله الله الله مله معلم الله بهدوسع ، بهسط اسرويير ، سددسرسيسي ، عدد ميداهم اله مريامه ها ادمه ومعالم ما المهدادد • ला मिलाने गल उनेग سنماسد. بهسط سدسماع. • عدمه عمه يسمه عا مصه کنت در بیش . المهماس مام، ماس المساهم . بروس السري

عا استعرف عدم كالمنظر الماري وحد دور المنها والمنطر والمنطر عرام ي العلم و بهم مار و ري Roman mond in menne de la son de la دى وابدده عهر سيدمسع وسدمد الدويم. ، سرده ١٩ معدس عدف سام محوارم مدارهم هدا بحد معاصده مهماه بيده عع والجمع بسي رع والمدرسم ده سي من سه الله وفعروام الله المحمد ١١٥ المستملي معام هد محصل ما المعام وردا معصد ادار معطم الها المعامد المعام الها المعامد المعامد المعامد المعامد المعامد الم

much demne 1191 horas 1191 blen -mh bois مفت این برت به دیدن پر نظیر میدان م ان بر شین به کرده ان بک رون ان بک رون ان بک رون ان بید مین اور والدد میر والدد میر والدد میر والدد میر والدد میر والدد میرون والد میرون والدد میرون والدد میرون والدد میرون والدد میرون والد میرون والدد میرون والدد میرون والدد میرون والدد میرون والد والد میرون والد والد میرون والد میرون والد میرون والد میرون والد میرون والد میرون برد یہ آن سے چن صاحب راد ردوج ، صالعم معملا عملا معملته علاي مهم الم اليدون يون اوست كويد أرشس ب नामिश क त्यारकामान्यक का १००१ के به اول ان اول الا معادد و معادد اله معادد معادد معادد الله اله یہ دیکر بن دیکر یہ سیکر تن سیکر کر یہ كد المواع لم المحدواتم محدد المار كد متطرور والد ال ارت بران سدیکر بر دو سون بسوالها على الحالف عد العالم المدالها المحالمة الم که به آن دیگر ته برمدن ارتش هاد كد معطور واس س الله المحدادات المحل الما كد یہ ان دیکر ہر سے یہ برمین ہر یہ ان مناكل لم المناها الله الله الله على الله معلم الله معلمه الله معلمه الله معلمه الله معلمه الله المعلمة المعلمة الله المعلمة الله المعلمة الله المعلمة المعلمة المعلمة الله المعلمة المعلم سدیکر سرمدن اف به آن حیاروم ز سعم ۱۱ه سعم ۱۱۱ تا ساله مع مدم الله المعرب اسمر ادمه رامه سه ۱۱۹ مد موجوط سمعله هماسه وبس زیادہ بیت سینے ہے ان برکرد ہشتم مسمعا ، صابعط عا الر المحدودامل إلها بعدالم از بر به برمین برسم

ام الم الم المعا الما المعادات المحد الما المعدد الما المحدد الما الما المحدد ک به برمین ک به برمین حمد الله المحدود المما المما على عمل مال عمل المحدود الممال المحدود الممال المحدود الممال المحدود المح رزش یاک بهند این بر ات بن به برمدن المرم سواالم اله ساهم الله ساهم المال سعمه ساه أدرش ب رسم مین m مسو به ماهم والما عا والدم ما سالها المالية کودن از طرف راست به نهاون سعم عدا ما عد سرد عدار السيم معدودالمرصد سراع السي از ان بند مرسده و اله ، عمله وهم عدس و اله سمامه دس بده المالي تسم بالمالي • الها طه مواها المص كد مالم سعم معاسب صب سرادم هام الح معاسب معرادم تتومید فررز او اتنی برمد علم مهمامه است مهاامه و اهام معراصا معربه مه المسليد برمم طوم سهم صرابهم وعطاده بريهاد الوبهام المعما صدادهم رس صدام جامع كور صدادما معما رس المحدوليا داد أور او دمید که ز برمین معمر ب الجمادام المعر أحمدامه المعمل فرامهم المع مته كالمح وسرااتها مدال هد هم الله والما مروما مروما مروما مروما ز اہم ز روشن دمنور کیفت ہمت

سيد سيم لد اعتدواال المعم ليد المادام سيد المحالم که ز برمین که زاکشت به کشت سطم فاصم عاسر سع مالاصلا المعلم ممالهم سعماد سعماد نعیے وادن کہ طعم عد هدس سعم ها وسر اعرام ها دوالهاادم کیک ہت کر نے پہ کار زور ایسید مرس مسمع بهم شهر مدوي ودم شعم بهم بهم ما وال فسر ک کیک کر نیز نیت کے ہم یہ ب کار الكرامم دوالماريم سرت بمسم الال المستعدس كالكراعي ت پر کولفند جوان سندوم الله المرادي والمال المراد والمعاد حون كورفند اوكندن در ظرف وعدد مع الماد مع الماد ما الماد ما الماد ما الماد ماد الماد ار ظرف رات زور اوکندن کر لسرسك إسها بعد وال الح عام كالمعمدان منها الحراط معاسم کون سر اکنون او زور اوکندن سر او آتشی عج سعرام المرسط سلمها اما المون المرف المرف المع عم ساول سال سال معروم معد ما الله سال معرب الما الله کندید بیند زخم برید ارش او اول ازش . معنا او سال ۱۱ول مین اول مین کد مین کد مین کد مین کد یای بنس بر دو ب بر باز نهادن آن ارت آن

مسر عدم مدهدا المادمة المدادمة المعا المعا المعا المعا المعادية أرنس ايوياكين اين يع صحمواصم مصد قدم د عمه رعممااصم معماس mon bonon to make the ere me montono این اندر آواید المواع ال المحمد الماله المحمد الماله المحمد فاطها العال سر سرد معمل معا يد درسه العدمة و ماسع معمدهم کرزشن از آن جایر کابر في معاع و ما معامله و المساون من الما يد س . ملا سور ماد (ددیا سر سرس و سرس ماد بر سرس و سرد بر منتی و سرد بر بنتی و سرد بر منتی و سرد بر بنتی و سرد بر منتی و والله لمعس سله لمهاله عهم هم الله المها وستور کفت رین شید ورا اردهم المام سعوا مسمع المحمد المح ہت شید پش ویس زمادہ کنم سعد رامه ماهم معمدا معدومه سه همه اسمر اصد كد فساداهم سلما كد ملاء ماسة ماسهما فريعوال سائد فرما آوايد ماير اين ادىد ويد ئى سرس سىن نەر ئىسسىس ئىنىد ، كىنىد سمع المام المالي معاسر معاسر مع مسالم المام عا مسا سیم کارد اندر دادن

اوسلط عا سرد سهم نها واطه له نها واطه صف لوس و کارد از بند کر یہ ر یہ سردوم لند وسدم عسدسد صردوم سرب وسدم سهم ا نامیار بید این شاید ک است ساهطاد رسد رسد مسادمه ساس مستعم ساه عسر تفقتی نه نرخم بوید این شاید صدادها سر مسمع علم هذا فاجام معمار الله إله صدادها سحت مسعم سرد اسرادمرس مسعم الم سعمر الم سعمرا المرا نه نتاید بند کنید نه نتاید که مرد آوردن معطوم سرم مسمط عمل محمد الممااله مه صدم سم ما اله الله فعول عا ماله الله مسور ت ید که تن به یکباریک در جایر به رفت ng wheat moneal wir is bright bright wir may ت بد ن بد این اندر کارین این پس عل فدور فرهام ماها رطاع محمد ها معطال بمرايع سام از کارد جد نرینت ست که بیدون کوید این hard my being by bond the mall milet ہرت کے یں رز کارد ک کند ہبت They's topid be som have not be like item the این ہت کر ہی عم سا اساده هسمه ، بحمد طومها كو ماله مع لما العلم عبد فلم اله عبد لمالما ساا هم لهم المعد

سمسمعط جاسر فاسع اعدمت مدملاهم مفالاتما والمادم والمادم والم انن يد زود برم بن سند ابستد آيد بني مدمدامه الهميم على فهدمل ملاهم المراهم المراهم ک در طرف راست باک بازاى ینت بنے دیکر ست کہ بیدون ہر عها عبي سيسم الله إديها المرا مارا عالم عاد عا سر بای اندرون بیه کر از ورددمرو سرا معتقدمه است صدادهم ، مراو سريد الس طرت اد زیاک ٠. بونل • • • مسمس الر عدا ها فاددمافد ساس مامامه الو المع إلى المسمامة طرف این از یاک الما فالمعمد المالم من المالم من المالم من المالم ا و نہ باک وساوسو الم المحل عيدوا لهم المن سال علمه مم ومدوره استخان به بربیر و مغز کر به پاک امور اور المال مراومه الم المحمد الما المحمد الما يمامه عدى دبرن سميم مدم عدا مدماد كالادما ماهم ماهم مام المعلم ما المعل ن برت کر ایدون کوید بین برت کر ریم ز واما دوا بادما سرب مسمم مرب الهسم المسم السر كرد الييد اين تيد صلح باره باره معددانها اله المربع علما يا اصما دفاعاالما عمام برمین به دیدن که کن بت ابستد کر او عا برسد المحا حوالمااامع سمسمط بهماس عا المسلمد *ز شاید* که او

المعا مواكلااامط سوس مسمع المناعليس ما الحر نه تا مند از شکندی اندر او س صورانها مؤسد العد معاسمات السليع مع اسرانها دادن أرتن موبر اتش بهرای الله كردن الم المستوم ممهم المم المعمد ين وسامر معمدالما که کون باز آوردن اها سام صحفاصر عقب عدالله اعمد رامه الم الم دانتن بنے کوئ از مردیها و مه روش به کو الم ماكريب سراه مد نهمداد الم ماليب اد له مستم مالم يعوند او پیہ "، يا او ر واج کس مسعم سرسو والد مرسو سالد مسعم سرسوند نه ناید خنک بر جایر این ناید خنکی اعطاعمة سام علما الله تعمل علا معملا المالالعما کم یہ بہت کے ایدون کومیہ سد سهم عدماند. و الله مسمع اسام وها وق لد ب ت ید کرد نررک طرف دندان ن اندر الماديمة المعلمة الماديمة المعلم مم مم معمدها الماديمة بوید که افز ز تاید ایت *نا*ابر عمامه معرس عصري مساسو سعم سك مسعم مهم ين نايد ادان ادان سب سروق سيء لعموه الإلمه ساس الوسك او کردن که او بخت پاک پنختن این یا کی نور ارش ہی کیہ

لسريح الر منان أسلامط مهم المستح معوهم ما فادمه باز او دیکر کردن ارکنی و میره سيد الد تقامم طرف الماله العلم المال على المحلم المد المال المواد المال زرنس به بنجتن بیر. بنجتن از انداز این که یلند المالط المرام والمتراق ، ألر الهالما المعالميلة سام المعام المدما بخنن رندازه این که بهت الماعا الر محوصات العام جاسرة الماما العاعمة الماسة كرديد زور بختن انداز اين عامل معرمه الما معرمه ما معرب الما ما و د رئیسے اس تونيه زور بود جند سهم لله اهاسمارا دوالمراادم سراه ادمه اهاسمارا دوالمرادم ابستد ي زياده بختن ايستد الما العظم سال العراصة الماله المالية والمالية یا او باک بولیے دسید عمل عات سام طه ها ها مدوران ما الهرادم مسمع مور این آمار از بیم کونفند آندر افتید نشاید عمل ساله ماس ماس ماس ماله ما ماله ماس ماله آین ماک آمذر افتد نه ناید بهما ود بو سهد به سال سال ما ۱۹ مرسو سامه این اندر افتید کر دو چنر وطم لد محدودادم سعدم سرعام سعم عدارد ساد ٺ پد فرود نے کراریر ہمت کر کوید این الماناس الأ للهمي المهي الما ، مماليوقهماله بهما به میدانش انتموک او برمد

س اسان الد مسرسم ولاس لسل لومم الد اندر کنند به رونتن کم سک بیند بیت مالمانها اصماهام المر عدام سام المام این بایر نوارتر بهت عمامه اسمة عمه معما الها كه فمر متفرير بالرق بر رمید اعتمال مسحما مادينماد اعتمال مسحما اعاد بمادا اعلال وزده تايد بنيد تنت كم المهر الما المهر الما المهر الما المعرف الما المعرف وادُ سِلِ العامليالِ أوا سال ادمال له الملائمة و وولاد این الماق المعمم مصافحة معمر مسر مسر المعمر المعمر المعمر المعمر مسروع المعمر المعم یں بردن یون عمد المفرص عبع محواصل اله كمهما ف المهمة في ممهما بردن بي ظاهر ٠, سلمه اله به مجالها اله الموافد طومها اعتصاد الها ہم پنتن سمام سمع الما المعاد والمعاد المما الما المال ظهر بت از طرف سر سرسس اله ولعرو لموسيم رفط والد مال مالك مالك المالك سر بردن کند زرش اوشا به عمر مارس مهم عد فهم هدمه مامهم ما ماهم المالماله سے کفتن آرنت سن برکم پٹی میڈن ہے کودہ الله عد المال عد المعد المحد المحد المحدد المعال عد المع

سس کرسے لید صرااب یکم کد دادن طروم اله ما ما العصم عصر اصل المال m) commen mon monden fra mon [gu الكوامط مدس دامه علمه طمع مم فكرس فاد كد فروسها الله المادم مؤلد لماوله سلم عالم اللعم المو لمعمم لموله الدون واسك لمها اله المراس اله الهام المالم الله مما المع الم سميم الها سر المر مهر ، سمويدوسعوسر و معا مع اله و مناه المعاملة ا نوتېنى كەن

الماسكسدريم: . المعاصم عمد سلا اله معادا الماميل ایل نوامش کردن سادن een . 1161 hohlest leads . - estatue egsonn . 1161 ي كردبرن ب بعور خرو إسامسه و الع المالم مسوم مال و ممادي مسامة المعامسة ر نوردن کھے، و کا صحماراملاہ ہے بھھا بھم الماف مواج و محلا اندر آوردن به آن میدانش که نیک تر غوشی ع، سعرده على ماس العام المعامل سلس اله المهماا اس يه خررون اين يه تافتن سرها مرصعها سلسه سط مطاحم ميماميط معمد كه دانتن بیم چهد انگنت دانشتن ارش او مرهامهم ان مهامم جامع المعادم عادم المماهم کردمدن کا انتی زور خررمد زور س سيدمانهم لموسط وديه واماه عسه بهم السرماس رنت كرده سانه ماسر المعطالاتما ستتطالهما والمهم المس مما فاطله وادمهم الما اعمد على ، وكالمسمة المصريم (و لو سمم المها سمعدالهما هراها مداله مداله ماما كمالهم المعالمة مامام بع اسلام مهمد اال ود محمداصد معمد الله في معربهم همه المرم معدادم مهد ١١٥٠ ، الهده معدالمع فرود کداختن ارش به بهمت

• السي ما والعم ال كد سرف المساس على على الما المدرددي. م أن جمار بون صحرا ا و دانتن اعدا وامرة بهماس بعرام بعدادم ادمه السيامام العالما مع کر او فرود کذارید زیاده به سوس مها الله سام المام معم معرم للد مها الم داشتن که فرود ز والع عليه الله المحمد المحمد المالة الله المناهم المعمد المحمد المالة المالة المالة المالة المالة المالة المالة الد ترابط سعم عا سعماء ، عراد ساس سعم الله فرالد کفتن ست کر ایدون کومد ایش صيدم بيهم الله معماده الها مدم معاسب المعم ماليدما عمد عمد المواد المواد المعلم المعلم الله المعلم الم والد عامل عشاه والما الله تعطامها الله مام ورا على مله معرا يم المعلم المحال فالمعا اله الم المحال المعالم المحال ال او کولفذ کنت موان مع كرسك وسراام معمرال الله معرس كرسك المعالمان عامر عا مع ان الله فسحر المالمام المعما المالم من الما المعلم ممسوم المسامة المال من المالم خرب کر نابد آجائتے اور در ب

المر المالمة على مل المعدم مما الم المما عما المما عما از بوم درون بش شاید از بوی کر tory from men det ma earle toth tor 114 lds enter جهار کیک این است اثبت کم چنر ها ماده هامه مده والعلام المعمر علا ماده هاما اله سن ام رسمامه مهم مهمد مهدمه ورماعه منه المه عمم رو راندن أرش روش أ علمه معد مله فرها المعل عداما المهمة وطل الم وبالمالك خرددن بازای درون او بنتن استمهاسر باهم سامل اها دام شم مارس س ممادم ہمت ہ سيس المست مرا رس ديم ، وطوعاد راديها ، مسرس A. In. man. ghahad. Wasdan. Damertes 20 mande Jan mande Jan mande mangelete ه درس ماد اط عدم ماه ماده ماد مادد اله عم متطابعا عاد طمعاد باسر ارسال ، سسم. مادردا مادر هادر هاي سر مه معه اههه مدم مستم،همدماديد ببونده رض ايدون

J. Brang-mond. Anned. rele. (note B. 1749.) سے. ، کد نه دم ارز عامل سر مصمعه عدم المدہ بند چن چار ا كسدس ، باسدسم. اسه ساهم سركسم معماسد دست سي سدر (دایزی وسددسوسهی وسدمدرسوس سامعيد. (سمام ماهام المعاداع محسمة كالألمالحي ورو هذا عمين سعرافكون ١٥٠١ مساق ١٩٤٥ مريك كورده ا الله المال المال المال على على المالمال المالمال المالمال المالمال المالم المالم المالم المالم المالم المالم الإسرساد مع مرد (د الجره - الأسرساليد والمعالق ، اله الهابع سرورسوس کد مود اعام سود صدوردم اعادد ، اسرد سسع اسرد بدد بدد دسدد ، سريس مس ، سررسي على سين

ساسم به سهم اهرامار عدا المعد عد سوساله بیکناه آن که فرنزار کر اندازه فرانی المناهم المر الما في المعال المالية المالية المالية المالية اعتماسة عدمة معمار ماس مادينها باسر السلا عا سام دادستان تخت - زور بران از این مارسة اعتماسة اعتمامه سأس طحمه عاسر الهس م مركم اددومانه المحماسة المحماسة المعاما ماديما المحمالة ا ظاہر باک مطاامع المر أرد على الر ا 10 امع عمه ملحواله ساند نه روسددمان مرس و فرده ددمون م Inch to the Internal tomagn te المصافعات الله الله الله الله الله الله الله عمل ب طرف ب سامده ارد المستدمات سلم المهم مراهمه عمر مراس فراها المعاد المعاد الماما فراها فراها فراها مامه دادستان سوج فراز بن جایر ظاہر، و المعدود المعدود الما الموام الماس المعدود والمعدود والم

الم سريد هاد احمد عدد المحدولية بدريد اور ادوب دوموند مردسي المعاالة ، ١٩٤٠ والمحالي ، ١٩٤٥ والعم ساس المعالفة Indoneban I Indone by the jidene min blen وسربوسو الع الله سلم س من ماه العاملية والمعالمة له سراسک همهری هدر در س سرسد سدم ۱۴۵ سعماد عاان سه من ها ها معامه ام سد اسيم ما هاد الم عمم م محمد معمد معمد معمم معم معمود المام المهما تيد اين اهامه اسلامع معمرها ها سله شهر الال ساره فالعا ال رین معطماس كد صاادم علم سع معادم و كد سان لمحمد المحمد الم حركد صراادم سهم اط موايهراوم و كد مهد

عدم عاد كد يه السا مصدادما سما المواد عاد ماد المادار ہت کر ایدون کرید دوعد ست جند شن اندر سال ماعمه معمام الحر يد ميادادم علم ما ما يهد الس "أن بومد كر اندر كسه كام ب بروسطم . سکوسم معمورسد کد میردادم سهم नियम किक्षिकार) मार्कातर्कात , क्याक्क मा नामिन بن كراريد mme-muexpmmmo-muexpmmmo-muexpmmm سرام ها في ادر المحملة و مسمع سده هم ا مااله اعتمه او لمعتمه الحل و والمو ، كالم م الما معدوا ومیتی و بزه بین تاید عا مهموسه معلمه معلمه معلم معلم محمد بالم عر متور کفت ست اسنجا است ہت آندر مین ہزار آن دستور نے شامید المراع المال چ بت ایستد زین جای ظارکمنید Actorno Burenns. Incommo neers ne mainte a mermany م يهي المحم الله المحمد دہ کفت مین کرف کے میدون چون تیار لمعالمها الم لعلم المعالما المالمه ما المالم دانند فردز تاید کردن نشید ک

سيد وريد معدميد مودهاي الموادم موديد مودوموسم الا كورغن دنتن سعصب بردهاد براسال ، سسعه والعرب س هرسرس العرد و عهم مس مسورها و معدمهمسرمرمعرس دردامد ، مهما شده ، ماسددس معدمت مودم مهما مدرد مسامة سعد مدمار رامعل ، سي ساسطي (ند ، معد المع العدم أدلتي بلع فراز المازمم هويد ، مريم مد ويد فيماموهم ، والد ماهم - والد الد معادامم ، سيالاندسرند وألد بالمدهد سيكام ومساريد وساد مساوي الد ، علما مه معمامة اوشيا است عادادم مدا وع اسدادم سيسدم عمر وع عداد بد اسرامه سمد سدم بهماس مادو سالد مادو هاد المساها بهم واملها ديها الس معاداتهم سمستما المعافيه

سامور مرابع مسمع مله المام موالم المام ما معالم المام المما مداها بهاادم مهمام معاددمام امما enter mon te more to home mon to 114100 one minny me is the born my being ولاء و، هري الم المريد المريد و المريد المري الا كد عكد لله كد موالا همدر عد اور الرس ملك م ملت سعماله صديه الهام مطامعا ما الله المحروم بلا ما الم العاد على المال المال الله المادادم

त्र ११६ त्र १८६ ० .१७५) मारस्याम नाराया हुने हुन १११ रह جہ آن یہ آن الهاسمارا العلاقهمات باحضامهم المعاما المصابح وساادها • سادكي ١١سف سويد سمم والكرواددوم ١١ صديد سويد رنناه بين بهت الله العمور المار وامرو العال معرضهم والعادث ستعاث سلطر كوفيتد ينج الله نوارتر مسيما الله فالمجمعة الما الما والم المستمع وادمما ها محسر من اوا من محسر م الما من المعسم المعالمة سرسد فاسهد معاعه ، واحد مراسح جامع وولانها ١١٩١ ب مردور و كاستو سادو سادو سال والناس اله اله فيد دماد. و أال علما علمة إساس الرياسة اسلامها الله بحد ما عمد مهما با معاالمم الم المعادد الله علم الله علم الله علم المعادد لماسر راهم معدما 116 معمال مجالات ماس همادروم اط ریختن ست کر ریون کوید این موکا بای لعمادوس اد سالصدم سرتو سريد لسلس معمدروم راسي الما الر سرسمع لما الماااس و سددس بدرس الرساعهم

ندحيد

ا اواختر

عرسط المراجعة و معمد عود المراجعة عرام مرسد اله الله المراجعة رور فردز این مورادما م سامه مهمددمان مهموع بخصر امال موداددسم غ و ن • متصال به شکم مماسا شعام سادمل • <u>کامت مندمه موردمه</u> برشيتي نونيد رمیدون آن که کا ونان بوبكا . بدىد . بى د . بى د . كاركى سدد دى بى د رسوم سى د رسوم سى د رسولى الحرين الاون مرا مس الحمالال - المام المحمد المحمد المحادم المحادم المحمد الماعم كد كاسر دى الله كم المسال لل عاملونه یون آن سعودا سوسب ساعام صام ساعات سعم عدا فايده ماما ملافات مها الماليما عملا كحد الما عمه ماوموفسم سمعلا و داده المخالمة المردد، المعسر المعلى المحالمة المحالمة المراسل יאה. המאחות ברו בה או אלש- להחל בות (מל ההאלט מי . ב נפח: |נ ज्ञारितमिर-कर्ट्याम्न मार دم د. سره اسم. واسد (درسم. و عم سرده ۱۱ الس لوده و

رخ رخ کنید

سر اس- همانهس معانهس مسم وسيسم سي جا ډو کان Then are ammorphin no organo desident no ساما و کامت سهد، دو معد (در مرز مه معادمة المرسومة مع محاسر معرب معادم معه این آن برمیر ظاہر آند تی deleased hote am boiling hear pron eille 15 montes بِس کفت بوید مغی زور اور ا لم رد لسمامه دار هما در المامه والد ماسو سه لهما بر جب روبد ہر Mond anoson 116 Aphroper m. The anana این سے فرمان جابک یہ ادشا کرارد المعمر معدمات ان المعمر معدد العالم على المعموم المعمر الم ارتس به آن بهم گذارمد ه کد ناسی کرسد جد برنمال ادم کد نیمانیم نهما نها العرب المرج معاميه المرك المركم المركم معمده برسم بر او أين ريزند ديوازكي مانهاستوسا نهاست است کا صادحم ، سامد (بدسایم، ماسم. *ذرش وماه* او نوید المسكود د المعنى المسامة المستمامة من المستمارة والمستمارة والمستم فتحمند مند رسيد دادن we_ i3.

س موسس بعن مين مين مين مين مين الدو m) of son in warmen - in well from a superior سعم وسدمانه. و عمل به همعمس و بسرس سرهد داند جرن 40 ورودم ، ۱۱۱۹ سسمه ماسس مهم سان الله عا وجاساً اور عسور شد مارادم الهم المال الله الهد كد مرسو المنع، استوند عدد العرب و سلم عدم سر عدد مدراهم المالم مع المالم المالم المالم المالم -ne he hoten the שרירו האו ונאש שו אתו المو سدس دهوب باد الاسلاب درازر جری بها **/**. عهمها ماه المعلق علم المعلقة المعلى الما محلمها الما محلمهم

Burdenmander mer ng b n (mide ofm. ofmooda (mermal. سعر لند عنه معرامه ساله عربه مله مصرب معدمهمهم مكرسروس سراح م) م اله الاسدم دراسع كمهدد (مرد المربع و ساوم بر ارسع مرام عبه عمد 1. دو برسم المال المالمة المالم مع المالم و المالم و المالم والمالم Coxon-mayon lingung-ole. Durse curoxidox. . عمه عا شروا الم فيها في الم الم الم عرب سرد مطرارم اله عمد سد المالامهر ، كمركد المحرة المحرة المحرف رسدهاد مونسه ساسه ما سددسی و سرسه و و سيعم سرنددسم. و العالم عنه معرانع سرب كان بر برم رین زون هدره ملع مصرات معملهماس مالما الله ما هاما ما الماما ماما مام يئتن خوب بهت اين ماسة عا بحد ارسع ما سر ملاعب معمدم موراماد عبي از آن برسم اندر سه کام آب شايد بردن معيد

1.

سه اله الم معصوب عمد من ممدم معرامال مهمد آب نہ شاید بردن زرش معصمامة ها الهلك المه الماله على المرابع مهم ارتس بر رفیتن ادکشی ادت ب برسم به گفتن معمل هذا عمد الم أممالم مهم مدالم معمد الما المعمد ه الله المال المال المال من المال من الله على ال of men me pl to me dont onto س سلامته عا عمد رس مها ما ارتباع سا سالمدوما حيار أنكنت از آب بلند دانستن سرسم جهار أنكنت بهر میکلامیل عطا ملامه همامه و مددسدد سعموسو ، يورد ه اوا ، مدرد دسي ، يع لوه الد اندر رکختن ب اهدا مسل عبد مع مع مع موسود در اور و موادد مدر المورك المعلق المع به اون ن بررک بر آن به ایمه اسلا به ایمه اسلا به اسلا به اسلا به اسلام اسلام به اسل الملك سر شداده على جاسر الله من المال عدا المام رسم جدر اکنت در زور بند درستن بون کفت

مورارما ها ال جامع و مسمس المعامد ورد استمام ورسدم بهسسراند في مسرسوالي وع في سداند في عسهد عسد اسع عن بعددم دراسل في م اله الم دهم الم دي ساس او لعرس اله * tomen homenzhou ٠,

فردسامه و معرس وليوسع الله مع مامه الله واطراسه. و معلم كوم موس اسم المسد كرسكو ووليسوا موسد ورت زور ارتی ویس ورس زور بردن ارتی اد اط م سانسسی کهم سدد. م معمر معد نها الد کاسکو بسیمان سدیکر به بر زور دانتن معصامانسا مهم مم ام مع بامه مساتمها او اعرف رزنس بس او دلت زور دادن ^تا او com a monte sandamer me mente accarations. Dang - Elans. الهام الماديسي مسدول الموركوم ملع - حماهدد ملع الهدد (د.مام معسدد. . سرس الاسل العمد سر صلى 14 وا معطد سرد ١١٥١ لموسط العلم العلم العلم المعلى المرادي من المرادي المرادي المرادي الموسم العلم المرادي المرا سكوريس اسم- هددماد. سمعه ورساردد سيكم عهد بمس لعلم مسلم سماله الماه سع عد الما لعلم علما عد المعسو بزدک آن برام کی به اُن آب فراز روی ایم کی · مع فسوس معود الموس ميل ميل ميل مالي ما الموسود معود الموسود هميه به ١٤٠٠ م ١٩٠٠ م ١٩٠٠ م ١٩٠٠ م مهم بر این دو بر آب دد.

سيهسدوم برهما العاد المعلم العدم وامرو و مهسرديد کفتن ب ب جد کرده تو ستمريخ و سعم ١١٩ سعمد ١١٩ مرس سرهرم ١١٥ مومر الت ك المدون كوم اين بات به جد وامال ، ماسدس سَمِال سهدرسهم. ، سه براسال سما الله الهم سل سلهم الهم الهن الموسد الموسد كالمرف ہت این آکاد کے او زور desired or necessary to driver at lessing كويد اين ٺيد به مجمود من الموجومية و بالمومية المهمة المومية المرابية سالنن بستهسيم عاداد سام عمه والر ملها مكم يالط محتمادهما کوید این که کبت دید سهد و اعصبرعمهم، مسملاع ميد عمد المعمد معرف ممر المعمد الم اقش مورمرد entroisen de la miner . El Allon Ad blat merdiien سه و المراكم الم المراكم الم المر المر المراكم مع ممه

والد بعديد ، مهدديد. تست الح. سيهد (سيه مار عدي. ، ١٩ اسهام أتس سورمرد او کرد ساو مسوسا اط صعران اط اعطران ، مسركانسور سعمر عمل المار عالما و معرا الهم عمور او کیند به آدر بررین مر ه ساله موا سام دی اساده اماسه کد ماسه اس ها رتن آن جاي ب انور خانه درون این برمد الم المال معر المعمد المال المعرادم المعمد عدا سعمادا بحداد سام ساعام سام الس محط ومع سال مسلم i 1/2 - 5 معلقه او سمسعم علم مع معلا ماس وراا دراسامه مهم المه الله الله سلم ماله الم الم الم الم الم اثعب الله الم اله اله المامه الم الهم المامه الم کر برتش آن او دروازه طرف کون ماسة المع مع مماس الح مماس الما الماس الما الماسم جه او او اتن طرف کردن سرسسرسر سهوم سهام سد کس وارس الهمان ہیں دوافتر طرف pre 16 Jan 1406 11bon Who bornon mi ومده معرف عل معده معرف ان الم المه والسام مسدوم على اوزیرن تا دو طرف شب

المو لعلم اد موسودمول معوم لهم والله عامه سوس في روتني رونيد طف نب مر جنر این مطف الله ما معمددند. مست (ط م الله ما معمد الله معمد الله ما معمد الله معمد الله ما معمد الله معمد ال بغني انجادرواره كردن بويد جرن آئس ب المعمدان بالارد سام المعامة على طريس احمد رامع سعة بحد کر دیدون کوید این بت کر رواشنے زمادہ سبت میں کو عليع وطر لله وكرسوالهم المستعموس المحتصور ما المال درون نه ينتن راسي كان اورتنا اليون كفتن ه ، الها بعاد من منه من منه منه الما منه الما منه الما منه المام معدد العادات سول معدد العدم المال المدار المال مت که البون کوید این خود یه سهسس دوالهادم سيسا ، مسددسيسط ، إدا براسا اوت ن الم الع الما الع سمامة الع المسامة إما يسالمة والما از رتن او بیرون جه آن س ممرس اله الما الماس ساس مماها سال اله اله الماس کرینت نه افدر کنید درون بین حید به خراج علا سعطاا بالله مله محمد على ورو هماميس علم كر الدون كومد اين ينت اين ورون ميد حرام كر

العاممة ، العاممة عاد الها لله عاد الم عصد سعد هده ارسر ساعاد س اور . ورس سعمسع اسع بردن بند نه ماه اله الم المهامه على المهم المام الما Bute . Supple . Darche Burcole meralen . Burge (cet. Ple *اول فراز* وع. ، هماده عصد مصمع مواهم المعال ساس المعا جاده ، عمرودماد. ، ممكمه بهرام و على و الدماع. ، EGDS - Though the pan hot been book book مرا عسمومرسا ها المراسي واحطرا ميا مرسومه وسعمانه ماسد ماه دو ماه را معن (معن مساهد من مساهد معد ١ ١ ١ ١ ١ ١ و ١ و ١ و ١ ناده

ماسر سته جمع رفاف مسعد سافاتها الذي رفاف سافاتها سعولسي سرديد. عيم الدديد المراط. ١ بازدليهان عسدوماها عسووماهم عاال هادما سق ماله ماله ensonston on all sometime of the min som · Harmis Ette. Monn him. Emakon horozon (a bas 14 han) عم هدا معلاقه ممساد مسرسم عرفهم سه معدالا عمد واله الها له والماصم 16e 11e 7 this 14e ere me ere 11e bostonisson ها مح (سددد را ها محمد معرف و محمد ما معرف و المحمد ما معرف والمعادوة و المحمد و الم

موسدمام، وربيع ودمامة. مصرفه على مها على الله 1 1 8 المامه المهمام الله المن عام المهمام المماهماء بر برسن بر گفتاران بن سنی ماد. و رس ۱۱۱۹ ساس و سام ۱۱۹ ساده ساده مادی ساده ما مادی ج) دو سسسوم. و اوا معزالاس ساسسماس معمادامه سهم رب بون او مسيدة ماسمعادة همامه الماادما مدما 114 محمالا الماااج اد او کنید بست کر الدون کوید سلا معمدالما المال أمهدا المالما ساله على المحتملة المحمدة ham redu e mon-donbrema Ingrammer. عساميم مساسم مع الله الله الله الله الما المساسم المساسم باد این افرین این از المامانية الما المن المنظامة عا فالمعاد ملاً الس بند سندن از طرند سرسهاانه هم مرهسه واست اسم درا سرب دروسه ک اردا فرورد درون این ساختن سامه المعاطرون الله معام مرا سر معامل س این کر اددافروبر به نه رفت درون این صفتن این والمعددم سرو سد سرسوسط سرسسه القرمرسو

م واحدماد دوسرا الله سرمهادامه هدا دهرا مهما كد ب درون آمان गान कित्र महिमालीय क्रिक्स के मिल آن رتودير نرد من المعلم المال كد بعد العرب الموقع ما ما المال المعلم الم الما معاد المعالم المالي الله المعام معادما المعادما ام امر المرابع معراصه مرا داس عما صابعا عا طرا كد رد ام mngg39. Bernh39-Ann (cenaln-na) mon- aestrosa - eeggentu

ردند.سی د (سد د (مردسی د (سیویر-،ساجهندایر. (ب بودمرد سعر اساسه اس سعم सिम्मे ।मण्डिकामस

મામામાં કામજામાં માટે મુશ્યા. કામ છા અને મું

Antin . rater d'introprossioner. " monde en fine سرو سرد و دوم موس مهر ردوع ليك مسروس این گفت آرش برت برسم عند بهمری کرمرها ها به معمور سودم سورهم دو ۱۳۹۱ و معمور المعمور ا mon honory inoth mil . notheson moter . non و مساعه والمولاد من الله ما الله المامية المرف المعلمانيا كفتن ارس باره خردن سعم ۱۱۵ وسی سر سیده ۱۱۹۵ سوند کد دسردرده موردل سوم ۱۱۹۵ میلید کد دسردردم سیمه ہمہ کومیر این آن بیبر کہ دو عا اسمس معراس س من المان من المان من المان المان المعربة المعربة المان المان المان المان المان المان المان الم بازار درون ببهج ببهج ز الم الموسد و الله المالم المعل علامها المرم المها الم خردن خوربد نئ يد درون بن باج كنتن اله المستو علم المعالما مه ملم المعالم علم ست عومان خورد कम त्रंत तक्ष्मान क्रिकित्त क्षाम क्रिकात् तक्षान ا كام صرائطا المهم الله المهمة علما إلى المال معلا المال معلا المال الما ک باج اله المالم المراجع المالعام علم محاساتم العديد العد المادم مصدم ماه له مل له والما

افا عدمه و مع اها سر المرو المهام المهام ببنج mon le ، الله عبر الا يعبم المعنامة المعاهد الع الحاء از آن که ול שולט מפט ظاہر کیں اله اله مماداط محواام محواام المحامد عا محرصد بويد جون مرا اله معموااط ساعات مهم المهمة موا وسامر المداصلا • کاسه سیکود (دیست که کست بیمان و بیمانی ، بیمانید مواهدامه معممه كد الهو مدام الله مامه المحمد المعمد المامه بايع أين الس عادا فع م سهرباسهد، مأر معود ددم و ما معدد مع وسهد (سهم مد عدم اسع وسهدد مع المساح سام عدم الم رقى ، ول ، ليه ، بس ، في كل مال الله ، في ، نرشن نيانين خشدد مشهور سسىسىسىمود. كالدردد كريمسى مورسطسد (سهريد اد عرسلمود 4-elenon Aron-elenon d'Ann-elenon-elono

زیاده مبر درازیام ماسوسهم، و سمامهم و دهد ماسطه، و المدديم

ساس رسد عدا ارجلهمها عد الهام سودوماسر مدمد مرس اور المهري المهري الماري مسادشه مهم اله ابطاءم عمم مهما سع. داسوره دد سع. هم رسوس دم سه سه سمر ددس.

معه الهاد معلو لعلومه ساس العدوميامة معمه لساسك ہمہ بہ و دیدن ارض باز رض یہ یک بادگی رسد دمان ميمدروس موس عا كام الهامهام موس و المهم ودرديرو. آوردن زرش در زود باج کرنتن درخی نه ماز دورور ه كد ملامة طامعار سعة اربعة كمادها مكما مم مجاهداتها سام کن حای گفتن نعبے مرسم جبند کر نفر بنتن این المناه معمرامع و سيماع عنه معمود سي اله المعمر المنامة فها مس مسمادها ، معد رابطهمار عسارسا (سمادد ומניקב भन्न-मेत्रकातिका के कातानिक्ति । مسردسمها و اهم الله ها سوف و بماله المارساء المارساء ماسر ختسور کنم زرش باج از زود فردز کرفتن از ام معمدماسة وسعم وه مواكلاد من من والد الملك سال لسد راسی پایتادن آداش بر برسم این را · made . opnov. mon om o mod . opnov. opnov. رض سنس نعمت سد ، الله بالمله مسط مع معماسه المعمود والكلااومم سهد ١١١ ابع نصاب العالم الله وليسم بن نو ناور فردر کرفتن بس کر زود به کفت سل مسمع علم السومة عزا جام اله موسع مسمعها محماعا هومه مسعر جازاق سعما عاد سعمادا كالال سام فاله ہٹ در بٹن ہی کوید ہت کر ایدون کوید این ہر

Alle opred op mon mon o men megen for for ce B. né مر هم به عما محمد ما مام در محمد ما مر هم به ما مرد مدم ما به المرد المرد من المرد المرد المرد المرد المرد الم زود کار بت الدر آن همريق ماء مسم سأسر ١١٦ ماماما في و مسهمه والله عيدمه روز کاه ایمار -ىدرسىدەسدەر. ئاسىمدىلىد. سوسىر.سىمىردىددەد. ئۇنددەردىد دوس lembran ha Gholh bryges who also athorns . Terrorn امِنَ نَيْرِ فُرَازَ ابِنَ سُرَايِدِ سَخِنَ نَيْرِ الْحَرِرِ الْسَمَنَةُ ه همس سام گاان ، من سن (هکرست سمعه، مهسددماسای جواب این کویر الدون رد ایدون · Form me Mont - mallen menzon : Rho) som - mallenon. Br ارجا ماداله الله ماه ماد دمهافادما ماد دمها المادم معرا ہرم این خورید معرب الله ساه الماله ، مستعاد سعمار سردسي معمدين و الم اليون أتروض سىكىسى مىدى دى تىسى دىسى بىسى (بىدى دىدى سمعدمي استوري و جه العاطريس محمد العادمية عمي سام "آن "تىرۇش المعادم العامم المستعدم المستع المتوا و المالية المال

لافویم جوار

هدمه ساسه ۱۹۱۹ و موسد (معادمه سسم ورساع ومارسي) اليوول دو ، کم ريها بسمر تسمير سي دريجي والد ما معرب كريد ما معرب كريد من المربع المربع المربع المربع المربع المربع المربع الم مه اعز هاسم ساله معرضه بالسمنونوم سمه مس مک برورید ed en la la frest Alanda Places montre de la la maler 2. وعلمه المرسمة والمرسع ، المرسع المعاملة المعاسمة الله الله معامله والمرسوب عمد سل معراهم معمداهم این محردادى ه سسم، محدر مص مريد كمه دها محمد مدد اموسم مهدوها بيوم الله الارد الماري المالي ، بعد المعامل المالي المرابع الماق مام هام مام م مام مام مام موام مام هوام المام ال به ع و عان صاف كيندون هه بهه وله كغيثه واله به دي واله به دهه دي رتوبيكر بوم بن روز الما الما الم عادم الر عامر سال سروااتما بد الله المدما 116 آن ہم ہت • ک ستعادا كاللا سام ماهرة الرياس ماهره ما ماه والمال المالية ببوندید نان سازید و ندکار ببرنده

أساامعا باسر ، ساهه ساهه سراهه سه اسرسم مدرسورسسردس آب آن برمد آن برمد سروم ورز كالحاددسسلىددسم ، عدد سالهم سريد رالمم آب آن رہن برید این براد معلمان کو معرفان من اوس سال ماده الله ۱۱۹ می اوس از دارید سن بر ک क काम क्षेत्र माम है। मान के मान कि मान कि این کند انش یاده فراه کرزند المولم المادي و يه مام محامد و محمد محمد محمد محمد mosseren. Prophrom - brokene - mompre - moselone . مماح. • هذا عسمه عمدا هذا عممه ان هذا عممه فحم هذا میانہ ''ک پہ حیانہ عممه و معاومها الس مصدامه ، معماماددمه عدمه المعاملة دسده دور می سام دست ، ساس معاصب سب ، رس ع و نان 610 بهرعس وكرسمس الجعبجس المجهمي - هودم سيء عداله nen grand menden farren mer franken . An سايد الله الها سمامارس مساادم ، سماس شددسه مسموس

monder of complete. . maldron manon mon sent سرتروض وادكا سرعه. درهم بعر می به می دره است ای می می دره ای می ٠ سرساول او وادنا A Polyday maken man . mang دادغ سرايد فراز نر HUNKEN HE mondelmed mandend (magne montand. o et eath الما والمصدور صاالحا ، ساسد بهمادر عن مسمد مد سرمع مرس الهرساء ما سراها معرسه الله صعادي از سا سا الله المحمد معمر الهمادا مس اله المس مس 06 ه معاسم مراس ند سعرم سر (نعم دريع عمله معاسم مدي اوٹن رو my om money some some mon ر نیر ادفان یا ده به

كسيموس وليعدون (بهم دولكافسد سد (سي menne men hower more only not سىردرىيىد. سىدولسىكىسى. سىسردىياسانىر. (سىرداكك · الله ها شاله مصافات مساسا اصد الر بحد (merind-Arthermonner-monrementalem-Snagge) سدم د. و کرم سرس کسف ادب مصحاداتم سعب Ight who proved alon of A goon سام سامسه کرم اواله ومطاوم نع کد عصدی باعد صمصالم الما ماماها فسم ، مصمهددس عدد مرفعن

السلط عدماد و المال على الهالمال عدد عداد اليدون در اوفان ميزد معصما المراد عداد عسرمر عداد مسماسر م بودهدددس، ودي رماس سي سي سي مريد و موسول سي न्त्रके अक्रके मान्या कर नाहमिं क्रिक کیر بر برکش مرساسرا السدما ساسماس الاس مر المرام مر المساسم سرند دوم دم سهرم سهمای و سهدرسد. عسرسد، } ومال

معدس سورس عدم سرد المصروم ، اورساع عام سمامه سورس o bornomerale. Omeramen de Jane (86) on le 3600 co اها كد اهرواسر سب سب المهم المهم المال مع المال سعام معدورسو سيسو سرس رسيد برسس. المسلم المعام معام عدم الله الله الله المعام المسلم سميم سعدم سعدماسه ١١٥١ المراب مال المرابعة الد اجراصة مؤمد فرر ما الله المالملة معمد المامح مامان مام معمد الهم عدم المان سماما الماما سالع المعناساله المعالمة الماما الماما الماما الصلا الماله محمالها محممه المعمدي المعدامة فراز داريد mmnam-262 mars - erspond - erspond - ersponding ردئان اول يارنن حردبها

1.

on 29. Achaman 18.00 mg الهامصا صاأحفها هصا سه

، ارهاممهای هم هما همم ساس مصلان اعر فسر ، مرد maren on manden granten og maren er ma س ملع سود فروس ما سود الله سر سود المرس و محمد ماده سع مر مدال ما ام محمد الم و) مع . مسلام مو و است مدهم مسلام مو و است هددمد . واست عرد واس سىسىدى دىددىدى وسرسى واسد ولسددى درس مامه له المعادم الله ما الهم المعالم ما الم محمر استعماراهم محاساته الهام معمام مع معمما مع بنن مني برست ابن ادست اها المعمود ما المعملات المعموم ما ما المعمود و جد معدم سو نه ۱۱ ما ۱۱س م سعدم عرفر ددند. و کد وسل مع اورت بن کار الله وكرسان مرم ها الات وكرسران المنسل وكرسان س مه ادس لىد سىكماس اكرام ، كردىسده-ىددكاه دد سىدماسغ مهساس اسهر بده مرسد م به در مرم ۱۱۹ و دار

warrend . deal food neal !! . of ofter of newarrow warrend . Arol Alled . Suzgent & Formarale اله معمد . معدد معار كود صديد م سعط علا مك عصري ما محصلات المام الها المعلمة سكورومادا و (سع درب (سدد اد العربي سيم سع سع بديد وساسايم المام الها معدوم المحدد المام المرابع المام الما . فسطرا ليراب عده حمالها لعامعاسه مرسوب الد المحاسمة مال محاليم ه ساسه کد سامه حدی ماسی موارس دد سرهار واسرد سرمه. عاد الما من من عد الهما طراساً سرما مواها الم ورز رش آن نونس روبان شکند ایسنید سقم الال سلمة مماسي المرامع مالاما مواهلااوها واله عااصة معا مطامهما عاد هاان مله الها کوید این به راه ميلوان

سسه سیاسوس سا مهم میدهسا ، سدد ولدند وسازد नावीमा कानि भिर्ग का गित स् किताम्बर भिर्माकक سوس كود الهمي وطاعدم ووالمادا وم سع الاز ماهم الس فساام دواها والد سوس عادم سد سدم momon - reaches miner ع. (سان ، سرسو كد فسدد راب فسيرس سيد ليد السرام الم المدماد ادردسدماد مد والمساهمة

موهاي مديم المدوم المراها والمعامل المعرفي المراهدة المعرفي المعرفي المدام المعرفي المراهدة المعرفي المراهدة المعرفية ا مهددسه مها هار بسدد اس الهسلمس mono one mondate that a mondial and organin نؤسترسند رویان از دوزخ به نیر ctory in ctorn I chem is iten born - nil som سمع ما سعطاا کلاای ساند ها معضوه داهد او طاری الماله مال ماله المال على الماله الماله الماله المعدمة تیمت و نمیک نر به دمین الله الله المر المساسط مر استعمام اله دي المد المد المد المد المدال ماد صامد الله ما الها ماسه مسوا

- بهمهاسد همسطه محم ۱۹۸ مسه ماسم - 1911 enshired rec درسددسم. اطعم. ساسد محاهد دست وماس سهسفسر مسمار ها الهسم المسوس

و عمد المعاممة المعاممة المعاملة المعامة ومد الهمامة چون که او اوشان مر آن کهر ورمون الهسرة سيه وسك عد للهم اسهاد سيسها لمد الله عداي از باي كند معدر داب مر اعدو ، بعد مله ها معدموسه اعتماسه این الماس المسلم المعمولة من المعمولة المعمولة المعمولة المالة اندر این اندازه اولت فایر داله ماسة مطعلااتها مصميمها مقمله مم مس ما ساء رکسید به شاید دیکر دش اندر چواد سرمومم هدد وركب ، مسمامه ها ها دادوماد داشتن در در طرف سرس سلم مرسو بهم منعادات سرس مسمع اصعاده اسعاده ك نار فرود آمد عسامت شمار طوم سمع عا سمادا عادم ماماده جدتر نیت بنت که آمدون کوید سيتمراسونو عسردولو لله صيدم واددمانو ١٩ سال ت بن اس است الله الله کیتے از ابن بند چنر این कित्र कित्र भार कित्र भार कित्र । अंट तात्रका कित्र ساله ها معالم مسعم في اول الحق المع ماس مهاايم

ساول ساوم عدم عدم المعدود الله الله الله علادده بعدان سعده مددس المرازد في المدان ساء وساء مرافع المرافع المرا الهام به الم الم المعدم علم المروادم الم المحدوم رز آن فردز نه ها علمه سد عم سده مدوس معل مما ادم هاده ما ماس مسمع عماص مواهدان المراه سا مامم Hered ned arred Ad Belon The due or I nort ت ید کو بینبه این آدر مر د निक्षा त्यान निक्ष मिल्ल निक्ष निक्षा निक्ष ر نفت ا ساس بالمه اهرها مه مهمارما مهم وصل كرداكرد أندر داريد سمسمع على مكسه الرشمس مكس علام ورما واما कित्रिकिक क कामाली मैगिक कार्य कार्याक कार्या ساقم وس انمام دوالمادم وكاساس سلم المعالق ساسه ماس اهد و معمد معمد و معرف مل ما رعوالا رد کرداکرد اندر داشتن ارتس کره دو اندر افکنان The blen The bosilf illose He born bosmon بهت کر ایدون کردید این

فسرول اسلامه سمسمع لاالد اسع ااس كد ااسم اصمع ماسمهم مومم هاا لو علما اله سرهادم به مان ماهم مهما صاعبه فالمعمارة اها المسعميم الله اله اله المع المالم المهدوران ه اسع اع ماعهد ماسعمارسهمد سد کاه در سعدماد ردع عاد اصراع سهستسان اها العمار والمس مدماد ماها ساها المه المحمدة عاد ، به المالية ماهاد · bucknolmed. modelmook. mistore merald. (noscolioyen والما الله المعد المعد ما معمد الله معمد الله المعدد المعد

عمد عا يد سما اووي سم ه سكماسد بهرماع. . ا ر آن بست عام تیمت آن mondingen. It adder into the comcedition (pade (poster) कित गिर्ध निका निकानिक निकार क्षिया भी द्वार कर آن بهذ او نیتم کتے ، ردی کر ب قیمت یه این اندازه نیت نه شاید صوی از فابه عامل سرس مسمع في مع معدماسه هماسه این شاید دارین از اوشا ظاہر لعجم علال المحمدة والمسيم والم الما المعادم في دادشان بند محد طاا فاط مفاهلان مصمحم معم علا محمدا علاان تن کرد ایستد زشاید، ببت کر ایرون کموید العاد العاملة عالى الله عاد العادم العالم الله عالم المامل یه انوازه کورد کر از کرد ساله مال مسعم اعطاما الواعداق سك مسعم سعم 116 رین تا خید رنتن ایستند در تاید بیث کر سخت کو سخت کا ایستان کرید کید دو تار در تاید ایدون کرید کید دو تار در تاید عمد دورا مراها مع من مورد مراها عمد المعالم ارض برستکان دو جنر دوکنید عادر الله المعدوا وما المعدوم المالي المالية المالية المالية بزید زت یه دستد کفت این سعمادا عدد افا واعام اسرانعا سعسده معدد سعددس

maren 110 . . Anna Contra man (geref. . . 111 popul. ها المام عمد فعدهم و المام واحتماه عمد والمحمدة عمد الم سعوراد ساس (مرسد موى

س واقعماد ، سيع. درها عد سيها سي واقعماد ، سيما لا سوروست) الدون برتر سردط للأسلسون و سومان مدون معديد وسرب وس مین اونر در و ۱۹۹ مع محدماهم احماهم المعاملة المحال و المام والمامالة اوت خلير برسم ينت أن درون مدتر طعم سوب عدم مده الله محصرور الم معدمات مصرب باحث هماه مع بعد المعام معام ما بحد المام عام سی میدودم سام سور واث هم دوالهادادم کد در س ک بید رسید ایشد سن بشت سے اما مدوما اسلامع سامد له مراهد مدام كد مر اما معمد رفت کنید ابن از کرورمنن بت آن دو ویت سرس رام اماسم عادات سر المع داس سركر سرس مسمع کرید این برسم بر اورور این شاید الله على جد عدا مال دوسات ماوسة ، معما عدا معمال درازر سوطاح بدت کر الیدوق عددادم السه والد سرطر سالد مسدم الله عا كد وب خاید به در آن ک ماد مصرب مركب و معمد عدا معمد الماداق ساس محم د دازیر سورانی کی مت کر میدون کوید این آنی m horing and min thouse my where thouse بن تار ٔ ٺيد س

مسو مسعم اسرير مرسو مسعم ا سرس مرسوسي ت بد د پیج آر شاید د بهغت آرا شاید سرسرس ماسة مسمم اقرر مسه مسمم اق تار تاید و دوارده تار شاید و سیزده مسو بسيم ا ر ماسة مستما ا رواس ماسة مستما وبيت تار أنيد ونتي دسته آبر نايد سرو مرسو و سيه صو مرسو مسدم سر في موسرو والا الحدود مسيم الله العام مسيدم عا 116 الما ما 116 مسيد مسو معم مواها الم سم ولم الله عبه المحاسمة درسيد اليستيد دفس درون بر جراح بعاساتما الله الله ماد سر ماده العلم مراد الماسادم سدسم سعم ۱۹۵ کد وکسم ، ۱۹۸ مرکساده ۱۹۸ پرس رين کالي کويد مسق وطر هدم م مسلم و اسلم ماسه وطر ۱۱ فر المع ا الماله الهاله المعلم و بنفت "نار درون نو ناور و رتوویرمرد المنا مواف الحد الحو ساع والمحا معاماها لمنس ا رفیتن اول بر چر از این پنج زیاده سيساس مسمله معل شده السر بحد عداهم ععل بحد کیہ یہ آن موہد چہ آن سا مسه سسله الماله المعربية على معلى مسمالهم

ام مسامعاسا مساامه ساسه سرا اد عردمها عول او ش مالمو مر المدهاد م اوس معلمه وم و دولزده مار درون کوکفنه و سیرده یشت ال سرو مرسو مسم سرا الواس مسو احديها معال بیت کیه "مار کیف کاون و نشنے وکتے "مار ونسبرد سنی ion ig mile montered modinal into din 21 mil بیت یک تار ہمانت کا دوخت کیے۔ 1 Hosandhagan dute das dus an نار دوازده سمالت المسادوم المستما المحمد المحمد المحمد بعانت جدار أنكث بش نير شابد وبس نير حسبه ماس لمول العام المعام ما المعام المعاس on more lange bla shop her me neal cined و بس نیز ہر سیار این سعم عدا فاصمااالمحمال المع مسم الما المحمد ادفنان المامسا عدا سعاد محمد فرامه عمدا ما اهدم ست آن نیر کریده مون المحمد الح اعتمام المحمد المحم و او المالعام المالمال کوید این ک میم یار او ہم

ع) م ا کی - سابع معرف عدل عدل - م معرف الهروسيري مكث سريد ليد عرب سوده الله عد المصراق ىددەرسى كىلى دىدىك دېرىد م سرده رفو سي ويستسرو سالهانه و ۱۹۲۲ مراه دوم سر ورود سرس ر سرس کود دکم له طماعا بحق مكاس معرضما معمل مايمة عادا روب لم االجاب لواع المساح who who won . الومانكان اسلانها معما وب واما دواهااادما سهب سهب ساهه هماس لد صاارم اصمع ماسومس لد صاادم مهد

رهان دران درسترد

المصم المستصل من المالما و المرام العداد دردددد معادمه والعادم युक्त सकामा काल किल किला । मानिरिमा ।। ब سامه سه مناطعه عمل اصلی میوم راماه ماهام علت طمة عمى بعد ماج مامة محمدا مماداها عمادا ماده المكارد والمراود والماري المراود والماري المراري المراري المراري المرارية ا n.abharnaambamaa ekan egamin e amb ىدە مى داسو سىداسىيد. اسى كى داسى دالاردە د الد وطرق المؤد فعال

اورا سال علم والمعاد ما المحاسب العالم المكرم واستعام من استعام و مديد واستعاد ، العاصما اوٹنن دارو ع من الربهم ده المربع وال بيرن

الهم بر ۱۱۹۱ مع سره سرماد · nathern mandenn m ام به سهمهماري سه ۱۱۹ م ۱۱۸ ماس _ وانعم دو سرب o ned along one المدرك وركا در كالمرسوس مدركا وددسك ومعساس مدوود سيس المادوردو. و مام مرسعم ساه يست

اها بحد اعطاعهم محدم والم العدمة طرمع عدم وعطراق سالهاميها hexhregan-nomo lo mononomon moston m. nacher. . ارجامسال کم ماهارای میم ساهارای میم اردد اسه mm2082m-8×126-8×1 س کولسکن ۱۱۹ ۱۱۹ کسهم عر نون رد (د مسره میروند) - هېچه-مهماره سدي (د (د مسره-هېد) ايريانهان

المع بها من المنادم دور و المناوسة المن to 1161 those be though الرياسان الها عو عابوس سوسسوس ١١١ معادت عد الها mond. Leganossan merchan de monda de la monda della de اوشال

عمم المراع المعمري الله فعلم فعلم والما المهم عاد هاد ملاح مه مه مه مه المادم فهم مع مرح کیان این دارین سراد فردس سوسواد وع ردس الدرسيدم د (نهر داردها. الله مسمار سرت مرسو كسعدم ورس اسرام كاستمسددسيكي و مام ساند الما ساد الما ساد الما الم م صمان مواس ساعات ساعات الع ، فعر اسادما ما المالما الولي معمدا الله عمدا الماع معمد علا معمدا جرن الله المالما معمد المال مهمة المالمان كاع-कुगन- क्षिक नामा कारमा निमान निमान निमान कि कार निमान . न्यत्रम्भाता ग्रम्थरू متمانطول ورهام صعاد صحرح راهم سلكام سله متعار

درون

السرشمري وسرندي وا م اله اله اله الم المعاملة المعالمة ابن سفي ع عجا الله أسادم دفاهما احمام ساعام الملم ماسه عا جد سام ملع ما مسم ا مسلم ساعم به او معاد ماسه عل . بسلسه مدود واسد ردد ي. رف س ماسه عل ، بسلسه سمعد- قهدرود کر سمه مرام هم مس هري مامه سلسة والماسيد سلا وقي مه مماسة عا سلم وي المناه المهوام صد پیچاه کیا بر مرسو ماسوس سد مامه ساهس اعلها واله الله الما المالموس الما المحمودة ماسه عرف ماهم ماه ماهم ماهم ماهم ماسمهما به ماسه

الله ماال و كمامة (معاد المعاد المال المال المال المال این و این به الماع الله على الله والمال لله والمال لله المرت الله العماله الماله عبو الله عبو الله الماله الما سعم اط علامه الد الر إف احسه الكرام ، مهس Lenon . holh don moon 1161 dontorsen س المسرسانين و عهد سوب صورد موسد اله سالم و دردنس سا باسوم موددس ، صدوس سادم ساد دسع ، سادم ساد دسع ، ساده ساده ، السهام ما سام الله و الله المديه و الله المديه و الله المديه و الله المديه الله المدينة و المدينة و الله المدينة و المدين صالحة المالمة مع المعالم المرادسة عاد المرادسة عاد المحاسبة الكرام سرك ما وسوم المارة سعم ما سعماد سرك الد محوید سبت کم الاون این عدارة سام اله الله علم على فرام الله سام مرسو ال المسامعة homon boiletin mond the men gitte liber the boom های اسم ۱۱۲۰ سی تروندر فراز کرفتن ارتش به آوادر دو ۱۹۹۷

مدفدات عدك سادها الماما مهم الها مهمه مهاعه کارد بر نهادن آدنس په برتر صعدوادم ای سر ماسو ۱۱۵ معددماسو السے عادم سالد Jum on non wallers mil entenen ente men men کرین نار زیک بہ بوید رمنی باج المااصد الم عامل الم ماسة الم المعتمل المالم كرفتن كر او سه تار به اوسته والدس مهمفعله الد مماا معا منه الم المام المامم به بدید دخش ساماس سر مرسو ۱۱۵ معتمرسو صروم سام والد سر ساده است سراامه اسب س سرس ساس سرس اساس و اش باج باز عم طديها ساصة مهم الله اعددة المد ممر كا عمامه ی سر نخک ارتش بریدن مرسمام براهم سلعام بهم رس المحدة الدمد سمك معلى . عط سامعه مر اله ودوم الهادادم مدماد مسادما ديدون بويد ختک نه پاک مالاه ادمه ادا سله مسمدامه مس مادام سه ادام مادام رماده به این داشتن سی ز باک

المعمد الو المعمد لعميمه لهومه في المهم في الجوال ایسید کر بیج چانید ندت پر بیدن الله الله الله الله الله عامة و المناع والمراح و المناع والمراح و المناع والمناع والمن کوید این که بر حار مار انسس آوادیر عاادم ساس مسحم سعم عا سعما العادي ساس عاالم مورد این تبد بدت که ایدون محوید این می او سي المعلم المام المام المام المام المام المام المام المام کر ہے کارو آندر کذارید مسمع عما اله ا عال فرس الله الله الله المعددم په زور کارد hate bosine my bollier mil ill te tothe bosinen واطاعا صفومون هواكادادما عاد عصد المعاد معما ممسم المسافية السيومة بعدي الما مسعم المادة نه ت ید ایومانیکان تاید م صم الهاالم عدم العلا العلا عمه معالماتما لم جير اين مسعم سعم عدا سعمادا عدان ساس سعم اط لسساهم شامید بست کر امیدون کرمید این کر دو نه اوفید لمجمد المعدد الم مر این آدر خراب صادمها سعما مدمة اصدوما مع وعلم اسامادا فسر نستن کر جایر نشست اندر دست یا

رامع معدد ما و الله عمارة سنسم عا بد سامة العماسة رخت ادوانهان در بر جره نات در آن جاي ظابر و لاي المربعة مواسد مواسطوسد صعري و كد المد الموامر موالاال والم المحمد الله لمعمد لمعاالهم بما المعم حمد عدد المواوم ي ہت کے ایدون کوید برسم درازر به ادلت ان نو درلت ابهتید تا سعمرا نابع بالمعمر ومعمال كديب لويد نهمويد لند بمراالعم فراز شاید بشن آن در ارخم در در در مربید سسمع درمورس اهد عله باله الله المراه المراع المراه المراع المراه المراع المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراع المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه اندازه این کر این تا عمام عدد المادم الماده عمامة عمام معادد المهود عاسم رز این آمار مسعما أرس استما العمامة المتعالمة ممارها و سعما تعد آن او نیایش او او کلم بر برید بت عرا سعمارا بهرارد سال رئيب سب صديد لهويد له کر الدون کوید این "نا دو که بش در دو اندر مامادادها معل المعمالة المال مالمه المعمل المعلا اکر کر ہت این یہ جایر تایہ ج سرور ساس المصما بعما عدا المحمدا الله عدما الله عدما المحمد اورور ہمہ وخشیدن ہت کے ایدون کون کا جیند اش سع معصد مع معماري سعد الله الله مامما سعد الله که دو ده اندر آید داش باج به گفتن داش باج سرسد إسابه كد عمدا اله المحمد مساله الها مها باز كرفتن أن جن به عبد دانتن به وست

ر لعلها المركب الله ميره العما فيما لسد اد لس ااق لمعشم علم الجع لمح حمله المعاهد عممانهم چیدن کر دو چید درون این شاید پر لفرصد سام هما المعرب مصراد موسهد المساسد وا مؤسم و سم جاء سفورد هردد ردم در س عادا د سامه شعط مه معاد المعالم معلى الم ورسم مامها مامها این کر او جید ایسید بر او درخت بنید سوی این کارون کارون کارون مید سوید سوید می میرون کارون काम्मिक कत्त त्यामा मत्याम कत्त क्या ।मत्यामा بورلیودکی*ٹ ن* برسم بر در*فقان نها*د درنش سر للكم لد سعدرام في بوريدارمم سوب ركس الما العماس بای نه بت جید بریشد زرش نزان او او ماردهم میسادهم کد مطرا بیهم س أن ينت مرويد ما نيد أن درون كو اين مرسط فردمهم سطومهم الس سادودهم اهدا ديوا ساس ممسم یه درون دین شید عمر عل الاحد مهدر ملهمامم مفايك المام مسوى ماس سي المرسوس من من المرسوس من المرس

سال هله المعالم عدم عدم الله المعالم المال سمامه المحمد المسالمة المحمد ا te both helps hone man min follow عدم سب عن الله المسامة الماسك المعد اعتدفادما دفاهادادها مرس مسدما شعما مما فديم الملك

moment le resonni comm m رس کا والاستهد سمه هالما ولها صدم مدم عا مدموا الخزار سام الملك سهاس مهسر البوق HE بمعس عوا المعمد الما والمراد المعمد المادم المحل المعمد المع المان الما الما المحد بعد المحد بعد المحد الما المال معالم المعد المعدد بعد المحدد بعد المحدد بعدد المحدد المحدد المحدد المحدد المحدد المحدد المحدد بعدد المحدد بعدد المحدد بعدد المحدد بعدد المحدد بعدد المحدد المحدد المحدد بعدد المحدد بعدد المحدد ا मिल नाम केमिल किरामिशक किरा केमिक का ११६ कि किरामिशक ساب عدم المرام مسوااس مدم عدا سدماد المراد سرم واماد بر فردد نعینے زیر کرداشتن اليوول محويد الم تستواامه ما العلام من المنام بي المناصب الم المامه سعما جا المرسد ميسد الكوف سفسه المالي محارى كويد entonen min ehle dog ziehn mbooten fron dittiond س اصلاحما سعما العصدا الجلالي من المالمام س اسلامه کد سم طودهم آم المالم فرمه و معرف العمام وداهم منسم مسلم المسلم

سمعط المصروال براهم سلطم سلم سلم دور اوا دم الم مستمع فاطرا ها في الله لمعمل علا هام المعمل مدا الله -Mankag m معرف ما المرام المام المام المام علم المام ساره صادحم ماره االد سدساالد المعاديد بع معدان بعمامه وجاساته المعامد حمداداسر بهوس مراد سعف ص سف بمعاروس س المحصر ومد أساامه عسمالم والما المالية مواهراامط شاله شاله عدى

بمردران کومیرکر دویی بربم شد کراکومیر بردران کومیکر دامینی دویی بامیرندندین کا

معرامم اد لموسد بهم ارب معدورامم أرب كد مدارمم عَنْعَمُ وَالْ سَالَ عَالِمَ الْعَالَ اللَّهُ وَكُولِمَا يَكُم اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهُ اللَّهِ اللَّ مسي الم المناهم المناه الد شعد المدرد والمع ومعاده (العمادي ، معمر الله معطويم سلم لله معرادم لوانيد ساعام ١٩ العنماسة ١٥ العام سل علم الملك على كد ملاه المه الم الم يم المالم مواها المع المعلاا سانه جا ا والد شراعم سان الرسطة العمر دوالم اادم و والد سَلَح (سَمِ رَفَادُ سَدُ الْمِلْعِ عَلَى السَّلَا مَ سَمَامُ السَّدِ وَعَلَمُ السَّلَةِ عَلَمُ المَا

سعم راس له معرام سهرم ۱۹ معمرسمد bonn mon il om dans الممكمية وكين مساء سرهسة - وكه هم في تعميد الرسوس ٠٠٠ ويُلِي وَ فَكُلِّدُ دَى مدد م د، ولِيكِ وقعدد (معدهادمه ااق لعقد المعاالين المعم يه معديدهم موالها ادمع معملا مهان والد المسالم اط هم الح فيد المجلم مدين على المعامل الم معدم بعماس ما الوسد ا مزاال طوسهم س de Rised monrad De singeron. Angencemon volugira سد تاس معواهد ، الهاماس الهم الماع عمه الما س الله من و د و سرسالم و الله الله الله الله من عدد من الله الله اهاد معام الله مواهدا مرصم معامل ما الما ما ما الما ما الما ما الما الما الما الما الما الما الما الما الما الم 10

14 سرطر هذا مجالماتمام وجالماتم سه الد أدد عمد بعد رفيم سعم عدا معمدا المادد سام عمدوات معد الم في علم علم ما الله علم الما المالية ال العاد سر وويد الحار كوما العمار م مدديد ويد ويد الحاسكيليم معرادم الهامة اصلة ماله ، كالمعدد الله ، الها صفح المركب ما در ما در ما الطرق و عاسالي المستعالم المدون سنيوم سيون دول

عظرم د. (معارفادهد و معا سو هم صار ۱۱۹ با سوام الر marind me freed from . Jose: mind. Red. as con : ماسركي وعاسم العام العسليم دور سارسم و فرد سه سر قد مدار ها بدفاء الربط مسماله سوامه العام قار ودسس نيل فا لا فام كلا اوليه بوسه بالهام سرد بس بسره معده به الله منوس الم سعنه عبي عسان سرمورا دما مؤسر لل سامطااع ، الح. ساددسهم بعدمود المرقبية والمعتماس المراكبة و عدا هدا كر الر سال ماله سيرياء والما في المام المام والمام المام والمام المناسع والمرادة (سع. رويد ويني يبدم د (معم د الأولاد مد ، مع سالم لا موكر مع ميم لام ااو الد اسلام لعاصد وافي لمع المحل حيد سرياف عد إرساع محمد مفاجلاتم عمم شهر شارة ساس مواهراادما مهمامه سواهرام مسمع معواماد معمد عدد محمد المادي سامه بمعمل

home le molloson ila em min libiliante maisses مقدم سي عنه بدمورال سرارمم فيما أخم عدهم شع ما المرابع المرابع ومعلى المعملة عد منه عدم مسوم عدم العراب العب ولا عدم العامد العامد مطاامط معمل محملا مطملاامط و اصدورودست مودد اور المارد المالي مدسميها المالية

क्लक्तिमा ११६ हार क مس و المرق بوس الع المسولة لهم المعرب الحال الم ساد دسسهد (همر هر وسر م سمسو به سوبهسه و در مسيدم. مامه عرب الم المعروردسدد. اديس libon demne les booneant h bossi المن المعددم الم المحمدة المعال والم فاطل المرم may icroped a reference of indical mances benen behann hi

مح صداده الح الله في الله الله الله الله المعا مامه مر اس بيتم لند سهد لسده دو ارسراسرا ، وسدم دسده معماسوس عسم ١١٥١ ساس الآ مح سعمر بعمر معصمه و كد اسم هممها فايد حد جهدمه عد ما العد ها ار این ہے سري لد صرب بيدم عدا بيدمدا يجدان بده ساعام داب bogilles ginboson finbosson Mrchon-Achten - Chopper . Danson 10

ياني- ودله، اعتما و المانيسين العرب المعمر الموجه الله المراد الموسد निगितिक दिल्मिल ه (جاميمار سهدمهمارا عمه ولمز ب the let us let line و معمال در ماد و رسم د و ماد ساد ماد المعاصما

المرق. المعارسات والمس علم مال الله مالم ورز زنتن المن المرد المدوم का। काक ।त्र्राक्तक الما المحالف الكراميوب لهم معرادم م س سردسس وليهوي ودر دس آسد سسرد سدد مردماد. و الهام الها معر النبط الملع سال الد صعادم عا واصعاد erson form observer (. meom form न्द्रेंशांश किस किस ।।श्र. سهوس ، بيروس ۱۵ الله هاو سوسكامعه وسعا ااوا لحري سي عا عد ااوا سيم دكرسانسا سالد دودور سالد إسهاده بالله الله الله والله والمهاادم

Nochoge . Comeson . Tongon of son Joseph . Jakon Joseph . Jakon Joseph . Jakon Joseph . in the min the som shipsin ماعل مواهدا العمل ما الله الما المو المو المواد الماسر الم السوري بو سهماه الو ، على محمد على المعاشوس على ويماهما wigh man node militar mom see really orilled m 1916 - marger (m. m) memer - m) سين صريب في و جلسعمها ، و بحرب في المريد

سريد (فريس م)وماري سيم ، سوم الودم رسيدم درسيسدمه ه بعم لند كد بعودانه سراامم سرماس ه المسكادر بددد سحواعه واسدمه ساقبهه عابس السهم -مالامم متعمد عمل معتمال مالانها و المالين عن عبو الماليم الماليم الماليم المالين الم والمال ورهد عمر المرق المرسين ميدديك ويمدى Imajin Rhoon ross immin 10 الجيه نونش جدتر نت

horante in 114 om me montenen in men 11406 يمين ارس مراوم و اد ها سدم وسي بن الم وسرا ادم بهمان ای کس او کس بهمان او بهمان او سامل او میرا ادم بهمان او ای کس او کس به میرا در سم. اسراد ماعميد. سمن دعسه من وسدمه -اسريخ رشم درورد م عاد ادمراء سعم ها عم معراب فرس فراس عامر السام برم معرف المعسن المعرب وعرب و مام المراق هاسه فرا سعطا ، ۱۹۱ ما معدماس هم ماهم شمسددساسما ددسه ع عصمه اعداددسه و مراسه جد بسومهد ملاا بأمر كد رسوس مستوس عدمه سايد رسي عدر الله منسم مبتعامانا هذا الهدافيم مسيم - تورد ن لعجم بعيم في المال مع المال معلم في المحمد ا سرعروب راس سرارم فالعنها لد فسدم العرب والمعراد وديد المرم والأديب

حد نسا معم محاصم معم المما و الم محامم الماليم سرفرمس ساعام دامد تحد فسر ها المن المنام المادي المناسم المناسم المناسبة عماموريت على معتنوب منهميون الما المعافلات المعالم الما المامر عروه کای فرسدرسای ، داهد اسراه

رهم دورس. مرسر واطوع الم ۱۹۱۱ عمه معراصا nensharcend in 10 g - Jan son mon mon العاد الما عاد ما الله عاد الماء الم و اا ق المحمد عمر المسادة المالم المالي المراام ع واماهي رَنيت واسوته در در در در در در در در کفی د العصل فروسد ساعام سهم دعا عمامه سلس برسانمها سه ٠٠٠١٠٠٥٠ وسابه االمعير فمالهم المعير الا

مهامی اقتدام بدرجه اتمام این تن به نیزگرتهان مجروف الاکلام العرام یا فت بغوایش دستورها رستی خیلف شهر در کیفها دم مرحم منفورا زخاندان والاش به بهار را بان مروز فیروز در دیما ه اسفدار در معاله ایر ده جردیم

Printed in Shiraz by Pahlavi University Press 1976

Introduction

T 58 belongs to the First Dastur Meherji Rana Library, Navsari. The ms (38. 7×24.6 cms) contains 292 pages written 13 lines to the page on European paper bearing the watermark of «Charles & Thomas London 1868». The ms presented by Dr. Sir Jivanji J. Modi, gives the entire text of the Nirangistan with interlinear word for word Persian translation.

The colophon in Persian on p. 292 states that the ms was written on the day Ard (= Ashishwangh) month Spandarmad A. Y. 1240, by Dastur Rustomji Dastur Kaikobad Meherji Rana.

On the text see M. Boyce, Handbuch der Orientalistik, IV, ii, 1 (Iranistik), Leiden/Köln 1968, p. 34 n. 4 and p. 39. Cf. also Nirangistan, photozincographed facsimile edited with introduction by Darab P. Sanjana, Bombay 1894.

The Ms. has been described by B. N. Dhabhar, Descriptive catalogue of all Mss... Meherji Rana Library - Navsari, Bombay 1923, 129.

Kaikhusroo M. JamaspAsa

The Pahlavi Codices and Iranian Researches

Manuscript T 58

Nirangestan

With word - by - word translation into Persian

Edited by:

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa

Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi



Published by the Asia Institute of Pahlavi University

2

Shiraz. 1976

